

فاستقم كما أمرت
ومن تاب معك

سوره هود، آیه ۱۱۲

جرا باید مقاومت کرد؟

اگر تا آخر مقاومت کردید
قله را فتح خواهید کرد.



ایمان و اتکا به خدا



استقامت و صبر



هوشیاری در برابر دشمن



هزینه و دستاورد مقاومت



وعده‌های الهی
و فتح قله‌ها



فهرست مطالب

پیشگفتار.....Error! Bookmark not defined. ۱۳

ساختار مجموعه و نحوه مطالعه.....Error! Bookmark not defined. ۱۵

مقدمه..... ۱۳

درس اول) چرا باید مقاومت کرد؟..... ۱۵

سؤال محوری..... ۱۵

اهداف درس..... ۱۵

۱. مقاومت چیست؟..... ۱۵

۲. ارکان مقاومت..... ۱۶

۳. مقاومت اسلامی چیست؟..... ۱۶

۴. چه زمانی مقاومت ارزشمند است؟..... ۱۶

۵. چرا انسان به مقاومت نیاز دارد؟..... ۱۷

۶. مقاومت، خشونت یا سازش؟..... ۱۷

فعالیت یادگیری..... ۱۸

خودارزیابی..... ۱۸

جمع بندی درس..... ۱۸

پیام های کلیدی:..... ۱۸

درس دوم) جهان بر چه منطقی اداره می شود؟..... ۱۸

سؤال محوری..... ۱۹

اهداف درس..... ۱۹

۱. چرا برای فهم جهان باید از «قدرت» آغاز کرد؟..... ۱۹

۲. نظام سلطه چیست؟..... ۲۰

۳. ملت بی قدرت؛ از وابستگی تا سلطه پذیری..... ۲۰

۴. دو چهره نظام بین الملل..... ۲۱

۵. دولت مقاومت؛ راهبرد حفظ استقلال..... ۲۱

فعالیت یادگیری..... ۲۱

خودارزیابی..... ۲۱

جمع بندی درس..... ۲۱

پیام های کلیدی:..... ۲۲

درس سوم) سازش یا مقاومت؟..... ۲۲

تحلیل عقلانی هزینه و فایده دو راهبرد..... ۲۲

سؤال محوری..... ۲۲

اهداف درس..... ۲۲

۱. چرا باید با منطق هزینه و فایده تصمیم گرفت؟..... ۲۳

۲. عاملیت؛ ملت مستقل یا بازیگر تابع؟..... ۲۳

۳. هویت؛ حفظ شخصیت یا استحاله تدریجی؟..... ۲۳

۴. امنیت؛ برون‌سپاری یا درون‌زایی؟..... ۲۴

۵. جمع‌بندی راهبردی..... ۲۴

جدول مقایسه‌ای جامع دو راهبرد..... ۲۴

فعالیت یادگیری..... ۲۵

خودارزیابی..... ۲۵

جمع‌بندی درس..... ۲۵

پیام‌های کلیدی:..... ۲۵

درس چهارم) سنت‌های الهی مقاومت..... ۲۶

قوانین تغییرناپذیر الهی در مسیر پیروزی حق..... ۲۶

سؤال محوری..... ۲۶

اهداف درس..... ۲۶

۱. سنت‌های الهی؛ قانون حاکم بر تاریخ..... ۲۶

۲. نقشه راه سنت‌های الهی..... ۲۷

محور نخست: سنت تقابل حق و باطل..... ۲۷

محور دوم: سنت ابتلاء و صبر..... ۲۸

محور سوم: سنت نصرت الهی..... ۲۸

محور چهارم: سنت تدریج و تأخیر در پیروزی..... ۲۸

محور پنجم: سنت پیروزی نهایی حق..... ۲۹

جدول جامع سنت‌های الهی (برای حفظ امانت علمی)..... ۲۹

فعالیت یادگیری..... ۳۰

خودارزیابی..... ۳۰

جمع‌بندی درس..... ۳۰

پیام‌های کلیدی..... ۳۰

درس پنجم) پیامبران چگونه مقاومت کردند؟ ۳۰

الگوهای قرآنی مقاومت برای انسان امروز ۳۰

سؤال محوری ۳۱

اهداف درس ۳۱

۱. مقاومت؛ سنت مشترک همه پیامبران ۳۱

۲. الگوهای قرآنی مقاومت ۳۱

۳. سیر تکاملی مقاومت در سیره انبیاء ۳۲

۴. ارکان مشترک همه الگوهای مقاومتی ۳۲

۵. کارکرد تربیتی این درس ۳۳

فعالیت یادگیری ۳۳

خودارزیابی ۳۳

جمع‌بندی درس ۳۴

پیام‌های کلیدی ۳۴

درس ششم) دشمن را بشناس ۳۴

شناخت ساختار، اهداف و راهبردهای سلطه ۳۴

سؤال محوری ۳۴

اهداف درس ۳۴

۱. چرا دشمن‌شناسی ضرورت دارد؟ ۳۵

۲. ساختار قدرت سلطه‌گر ۳۵

۳. ماهیت دشمنی ۳۶

۴. اهداف دشمن در سه سطح ۳۶

۵. راهبردهای سلطه ۳۷

۶. عرصه‌های دشمنی و پاسخ مقاومت ۳۷

جدول جمع‌بندی ۳۸

فعالیت یادگیری ۳۸

خودارزیابی ۳۸

جمع‌بندی درس ۳۸

پیام‌های کلیدی ۳۹

درس هفتم) صهیونیسم چیست؟ ۳۹

شناخت ماهیت، اهداف و تقابل با جمهوری اسلامی ایران.....	۳۹
سؤال محوری.....	۳۹
اهداف درس.....	۳۹
۱. صهیونیسم چیست؟.....	۴۰
۲. صهیونیسم؛ شکلی از نژادپرستی.....	۴۰
۳. ساختار شبکه صهیونیسم بین‌الملل.....	۴۰
۴. شکل‌گیری رژیم صهیونیستی.....	۴۱
۵. اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی.....	۴۱
۶. چرا رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران در تقابل است؟.....	۴۱
زنجیره علیّ تقابل:.....	۴۱
فعالیت یادگیری.....	۴۲
خودارزیابی.....	۴۲
جمع‌بندی درس.....	۴۲
پیام‌های کلیدی.....	۴۲
درس هشتم) چرا با ایران دشمنی می‌کنند؟.....	۴۳
تحلیل علل تقابل با جمهوری اسلامی ایران.....	۴۳
سؤال محوری.....	۴۳
اهداف درس.....	۴۳
۱. ماهیت تقابل؛ راهبردی یا مقطعی؟.....	۴۴
۲. مهم‌ترین علل دشمنی با جمهوری اسلامی ایران.....	۴۴
الف) استقلال و نفی سلطه.....	۴۴
ب) مردم‌سالاری دینی و هویت انقلاب اسلامی.....	۴۴
ج) حمایت از ملت فلسطین و جبهه مقاومت.....	۴۴
د) نقش فعال منطقه‌ای.....	۴۵
هـ) ظرفیت تمدنی و الگوی مقاومت.....	۴۵
جمع‌بندی علل در یک نگاه:.....	۴۵
۳. اهداف دشمن از این تقابل.....	۴۵
۴. نتیجه این تقابل.....	۴۶
برای امروز.....	۴۶
فعالیت یادگیری.....	۴۶

خودارزیابی	۴۶
جمع‌بندی درس	۴۶
پیام‌های کلیدی	۴۷
درس نهم) چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟	۴۷
جایگاه جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم جدید جهان	۴۷
سؤال محوری	۴۷
اهداف درس	۴۷
۱. ژئوپلیتیک؛ نقش جغرافیا در قدرت کشورها	۴۸
۲. چرا منطقه غرب آسیا اهمیت راهبردی دارد؟	۴۸
۳. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران	۴۹
۴. انقلاب اسلامی؛ عامل تحول در جایگاه راهبردی ایران	۴۹
۵. ایران و هندسه نظم جدید جهان	۴۹
۶. ژئوپلیتیک مقاومت	۴۹
۷. چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟ (جمع‌بندی مؤلفه‌ها)	۵۰
فعالیت یادگیری	۵۰
خودارزیابی	۵۰
جمع‌بندی درس	۵۱
پیام‌های کلیدی	۵۱
برای امروز	۵۱
درس دهم) دشمن چگونه با ایران مقابله می‌کند؟	۵۱
راهبردها و ابزارهای تقابل با جمهوری اسلامی ایران	۵۱
سؤال محوری	۵۲
اهداف درس	۵۲
۱. هدف نهایی دشمن چیست؟	۵۲
۲. تحول راهبردهای تقابل	۵۳
۳. ابزارهای اصلی تقابل	۵۳
۴. منظومه جنگ ترکیبی	۵۴
۵. چرا جنگ شناختی به مهم‌ترین ابزار تبدیل شده است؟	۵۴
فعالیت یادگیری	۵۵
خودارزیابی	۵۵

۵۵	جمع‌بندی درس
۵۵	پیام‌های کلیدی
۵۶	برای امروز
۵۶	درس یازدهم) جنگ شناختی چگونه عمل می‌کند؟
۵۶	از تغییر باور تا تغییر رفتار
۵۶	سؤال محوری
۵۶	اهداف درس
۵۷	۱. جنگ شناختی چیست؟
۵۷	۲. تفاوت جنگ سخت، جنگ نرم و جنگ شناختی
۵۸	۳. مبانی نظری جنگ شناختی
۵۸	۴. جنگ شناختی چگونه عمل می‌کند؟ (زنجیره اثرگذاری)
۵۹	۵. هدف نهایی جنگ شناختی
۵۹	۶. چرا جنگ شناختی خطرناک است؟
۵۹	نقشه مفهومی درس
۶۰	فعالیت یادگیری
۶۰	خودارزیابی
۶۰	جمع‌بندی درس
۶۱	پیام‌های کلیدی
۶۱	برای امروز
۶۱	درس دوازدهم) عملیات روانی و مدیریت ادراک
۶۱	مهندسی افکار عمومی در میدان جنگ شناختی
۶۱	سؤال محوری
۶۲	اهداف درس
۶۲	۱. افکار عمومی چیست؟
۶۲	۲. تفاوت عملیات روانی و مدیریت ادراک
۶۳	۳. افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد؟
۶۳	رویداد ← انتشار روایت ← تحلیل و تفسیر ← واکنش احساسی ← گفت‌وگوی اجتماعی ← قضاوت عمومی ← رفتار اجتماعی
۶۳	۴. روش‌های عملیات روانی و مدیریت ادراک
۶۳	۵. هدف نهایی مهندسی افکار عمومی
۶۴	۶. چگونه در برابر عملیات روانی مصون بمانیم؟

۶۴.....	نقشه مفهومی درس
۶۵.....	فعالیت یادگیری
۶۵.....	خودارزیابی
۶۵.....	جمع بندی درس
۶۵.....	پیام های کلیدی
۶۶.....	برای امروز
۶۶.....	درس سیزدهم) مقاومت فردی و جمعی
۶۶.....	چگونه در میدان مقاومت نقش آفرین باشیم؟
۶۶.....	سؤال محوری
۶۶.....	اهداف درس
۶۷.....	۱. مقاومت؛ یک مسئولیت دائمی
۶۷.....	۲. مدل پنج سطحی مقاومت
۶۷.....	۳. سطح اول: مقاومت فردی
۶۷.....	۴. سطح دوم: مقاومت خانوادگی
۶۸.....	۵. سطح سوم: مقاومت اجتماعی
۶۸.....	۶. سطح چهارم: مقاومت سازمانی
۶۹.....	۷. رسالت پاسدار در مکتب مقاومت
۶۹.....	۸. چگونه مقاومت کنیم؟ (جدول عرصه ها)
۶۹.....	۹. مقاومت؛ از ایستادگی تا پیشرفت
۷۰.....	نقشه مفهومی درس
۷۰.....	فعالیت یادگیری
۷۰.....	خودارزیابی
۷۱.....	برنامه اقدام فردی
۷۱.....	جمع بندی درس
۷۱.....	پیام های کلیدی
۷۱.....	برای امروز
۷۲.....	درس چهاردهم) الگوی جامع تحقق مقاومت
۷۲.....	از ایمان تا کنشگری و قدرت سازی
۷۲.....	سؤال محوری

اهداف درس	۷۲
مقدمه: چرا شناخت کافی نیست؟.....	۷۲
اصل اول: مقاومت با ایمان آغاز می شود	۷۳
اصل دوم: مقاومت با بصیرت هدایت می شود	۷۳
اصل سوم: مقاومت با خودسازی پایدار می ماند	۷۳
اصل چهارم: مقاومت با کنشگری تحقق می یابد	۷۴
اصل پنجم: مقاومت با سازماندهی قدرت پیدا می کند	۷۴
اصل ششم: مقاومت با تولید قدرت استمرار می یابد	۷۵
نقش های چهارگانه در تحقق مقاومت	۷۵
پاسدار: حافظ و پیشگام مقاومت	۷۵
فرمانده: معمار مقاومت	۷۵
رزمنده: مجری آگاه مقاومت	۷۶
مربی و هدایتگر: سازنده سرمایه انسانی	۷۶
موانع تحقق مقاومت و راهکارها	۷۶
شاخص های تحقق مقاومت	۷۷
نقشه مفهومی درس	۷۷
فعالیت یادگیری	۷۸
خودارزیابی	۷۸
برنامه اقدام فردی	۷۸
جمع بندی درس	۷۸
پیام های کلیدی	۷۸
برای امروز	۷۹
درس پانزدهم) راهبری مقاومت	۷۹
رسالت فرماندهان، پاسداران، رزمندگان و مربیان در هدایت جبهه مقاومت	۷۹
جایگاه درس در زنجیره آموزشی	۷۹
اهداف درس	۸۰
سؤال محوری	۸۰
مقدمه: چرا راهبری ضروری است؟.....	۸۰
۱. راهبری مقاومت چیست؟	۸۰
۲. اصول راهبری مقاومت	۸۱

الف) هدایت بر پایه ایمان و اخلاص.....	۸۱
ب) هدایت بر پایه بصیرت.....	۸۱
ج) هدایت بر پایه مردم.....	۸۱
د) هدایت بر پایه امید.....	۸۲
۳. رسالت فرمانده در راهبری مقاومت.....	۸۲
۴. رسالت پاسدار.....	۸۲
۵. رسالت رزمنده.....	۸۳
۶. رسالت مربی و هدایتگر.....	۸۳
۷. نقش مردم در راهبری مقاومت.....	۸۴
۸. موانع راهبری مقاومت و راهکارها.....	۸۴
۹. جدول جامع راهبری مقاومت.....	۸۵
۱۰. شاخص‌های موفقیت راهبری مقاومت.....	۸۵
نقشه مفهومی درس.....	۸۵
فعالیت یادگیری.....	۸۶
خودارزیابی.....	۸۶
برنامه راهبری محیط مأموریتی.....	۸۷
جمع‌بندی درس.....	۸۷
پیام‌های کلیدی.....	۸۷
ارتباط با کل مجموعه.....	۸۸
درس شانزدهم) افق آینده مقاومت (پایانی).....	۸۸
ولایت‌مداری، زمینه‌سازی ظهور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی.....	۸۹
جایگاه درس در زنجیره آموزشی.....	۸۹
سؤال محوری.....	۸۹
اهداف درس.....	۸۹
۱. مقاومت؛ حرکتی برای تحقق حق، نه فقط دفاع از وضع موجود.....	۸۹
۲. ولایت‌مداری؛ محور هدایت و وحدت جبهه حق.....	۹۰
۳. آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ نقشه راه حرکت جمعی.....	۹۰
۴. مسئولیت نسل امروز در استمرار انقلاب.....	۹۱
۵. مهدویت؛ امید تاریخی به پیروزی نهایی حق.....	۹۱
۶. زمینه‌سازی ظهور؛ از خودسازی تا جامعه‌سازی.....	۹۲

۷. جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی؛ افق نهایی حرکت	Error! Bookmark not defined.
۸. نقش هر یک در ساختن این افق	۹۳
۹. موانع تحقق این افق و راهکارها	۹۳
نقشه مفهومی درس	۹۳
فعالیت یادگیری	۹۴
خودارزیابی	۹۵
برنامه اقدام فردی	۹۵
جمع‌بندی نهایی مجموعه	۹۵
پیام‌های کلیدی پایانی	۹۶
سخن پایانی مجموعه	۹۶
نمونه سوالات آزمون جامع	۹۶



پیشگفتار

این مجموعه آموزشی با عنوان «چرا باید مقاومت کرد؟» برای استفاده در دوره‌های تربیت و تعالی فردی، به‌ویژه در قالب برنامه‌های غیرحضوری، تدوین شده است.

بخش اصلی و بنیادین محتوای این مجموعه، برگرفته از کتاب ارزشمند «چرا باید ایستاد»، تدوین پژوهشگاه امام صادق علیه‌السلام، است. در کنار این منبع اصلی، محتوای تکمیلی متناسب با نیازهای آموزشی مخاطبان این دوره‌ها تدوین و افزوده شده است.

ساختار مجموعه و شیوه مطالعه

این مجموعه در شانزده درس سامان یافته است. مسیر آموزشی آن به‌صورت زنجیره‌ای طراحی شده و هر درس بر پایه درس پیشین استوار است؛ از این‌رو، مطالعه درس‌ها به ترتیب توصیه می‌شود.

مجموعه در سه بخش کلی پیش می‌رود:

✚ **بخش اول (درس‌های ۱ تا ۵):** مبانی دینی و مفهومی مقاومت، نسبت قدرت و حق، و سنت‌های الهی؛

✚ **بخش دوم (درس‌های ۶ تا ۱۲):** شناخت دشمن، تحلیل ساختار سلطه، قدرت راهبردی ایران و ابزارهای تقابل؛ از جمله جنگ شناختی و عملیات روانی؛

✚ **بخش سوم (درس‌های ۱۳ تا ۱۶):** کنشگری فردی و جمعی، الگوی تحقق مقاومت، راهبری و افق آرمانی مقاومت در مسیر ولایت‌مداری و تمدن نوین اسلامی.

هر درس شامل متن آموزشی، جداول تحلیلی، فعالیت یادگیری، خودارزیابی و برنامه اقدام فردی است. فراگیر می‌تواند پس از مطالعه هر درس و پیش از ورود به درس بعد، فعالیت‌ها و خودارزیابی مربوط را تکمیل کند.

توصیه‌هایی برای مطالعه مؤثر در نسخه الکترونیکی

این کتاب در قالب الکترونیکی تهیه شده است و معمولاً از طریق تلفن همراه یا رایانه مطالعه می‌شود. مطالعه از صفحه‌نمایش، در مقایسه با مطالعه نسخه چاپی، ممکن است تمرکز مخاطب را کاهش دهد؛ بنابراین برای بهره‌گیری بهتر از مطالب، توصیه می‌شود فراگیران به مطالعه‌ای فعال و تأملی توجه داشته باشند.

در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- ✚ هر درس در زمان و محیطی آرام مطالعه شود؛
- ✚ نکات اصلی، مفاهیم کلیدی و پرسش‌های مهم در دفترچه یا فایل یادداشت ثبت گردد؛
- ✚ پس از مطالعه هر بخش، زمانی برای تأمل در پیام‌ها و نسبت آن با وظایف فردی و اجتماعی اختصاص یابد؛
- ✚ جداول تحلیلی و فعالیت‌های یادگیری با دقت تکمیل شود؛
- ✚ پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات، از فهم ارتباط میان مفاهیم هر درس و پیوند آن با درس‌های پیشین اطمینان حاصل شود.

هدف از این مجموعه، صرفاً انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه تلاش دارد زمینه فهم عمیق، تحلیل آگاهانه، تقویت انگیزه، رشد بصیرت و آمادگی برای نقش‌آفرینی مسئولانه در میدان مقاومت را فراهم آورد. از این‌رو، یادداشت‌برداری، تفکر، گفت‌وگو و تبدیل آموخته‌ها به برنامه عمل، بخشی اساسی از فرایند یادگیری این مجموعه به‌شمار می‌آید.

این مجموعه برای پاسداران، بسیجیان، رزمندگان، مربیان و کارکنان نیروهای مسلح طراحی شده و هدف آن تعمیق بصیرت، تقویت انگیزه و تجهیز فراگیران برای نقش‌آفرینی آگاهانه در میدان مقاومت است.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی - سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

پرسش «چرا باید مقاومت کرد؟» از بنیادی‌ترین پرسش‌های روزگار ما است. جهانی که سلطه، تحمیل اراده قدرت‌ها، جنگ شناختی، فشار اقتصادی و تهدیدهای سیاسی به بخشی از واقعیت آن تبدیل شده است، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تبیین منطقی است که بتواند کرامت انسان، استقلال ملت‌ها و عدالت را حفظ کند. این کتاب در پی آن است که پاسخ این پرسش را نه از منظر احساسات و واکنش‌های مقطعی، بلکه از درون منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج و تبیین کند.

در بیانات مجاهد شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ر ضوان الله تعالى علیه)، مقاومت یک تاکتیک سیاسی یا راهبردی موقت نیست، بلکه یک «منطق» و یک «سنت الهی» است. ایشان مقاومت را چنین تعریف می‌کنند که «انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند.» از همین رو، مقاومت پیش از آنکه یک رفتار بیرونی باشد، یک باور، یک محاسبه عقلانی و یک شیوه زیستن است.

در منظومه معرفتی ایشان، نقطه آغاز مقاومت، ایمان به خدا و اعتماد به وعده‌های الهی است. از نگاه معظم‌له، «مقاومت هم جز در سایه ایمان بالله و اتکاء بالله و اعتماد به وعده الهی ممکن نیست.» به همین دلیل، مقاومت هرگز بر احساسات زودگذر یا هیجان‌های مقطعی استوار نیست، بلکه بر یقین، امید و حسن‌ظن به سنت‌های تغییرناپذیر الهی تکیه دارد.

بر این مبنا، استقامت ستون اصلی مقاومت است. آیه شریفه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» در بیانات رهبر انقلاب بارها به عنوان نقشه راه حرکت فردی و اجتماعی تکرار شده است. ایشان تأکید می‌کنند که «صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن، پیگیری اهداف و ادامه دادن راه.» بنابراین مقاومت، ایستایی و انفعال نیست؛ بلکه حرکتی فعال، هوشمندانه، امیدوارانه و مستمر در مسیر حق است.

در این منظومه، دشمن همواره می‌کوشد محاسبات جبهه حق را بر هم بزند؛ گاه با تهدید، گاه با تطمیع، گاه با تحریم و گاه با جنگ رسانه‌ای و روانی. از این رو، رهبر انقلاب بارها هشدار داده‌اند که بزرگ‌ترین خطر، تغییر دستگاه محاسباتی انسان و جامعه است. مقاومت یعنی حفظ قدرت تشخیص، گرفتار نشدن در وسوسه‌ها و ایستادن بر اصول، حتی هنگامی که هزینه‌هایی در پیش باشد.

از سوی دیگر، مقاومت در اندیشه ایشان هرگز به معنای نفی هزینه نیست؛ بلکه به معنای انتخاب هزینه‌ای است که عزت و آینده را تضمین می‌کند. ایشان تصریح می‌کنند که «هزینه‌ی تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است» و در مقابل، مقاومت اگرچه با سختی همراه است، اما «دستاوردهای بسیار بزرگی» برای ملت‌ها به همراه دارد.

غایت این مسیر نیز صرفاً غلبه بر یک دشمن یا عبور از یک بحران نیست. در نگاه امام شهید، مقاومت زمینه‌ساز تحقق وعده‌های الهی، شکل‌گیری جامعه عادلانه و رسیدن به قله‌های پیشرفت و کمال انسانی است؛ چنان‌که می‌فرمایند: «اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه را فتح خواهید کرد؛ به قلّه‌ی حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق و حاکمیت عدل خواهید رسید.»

از این منظر، مقاومت یک راهبرد مقطعی برای شرایط بحران نیست، بلکه هندسه‌ای کامل از اندیشه و عمل است؛ هندسه‌ای که از ایمان آغاز می‌شود، با استقامت و مجاهدت استمرار می‌یابد، در برابر تهدید و تطمیع

تسلیم نمی‌شود، امید خود را از وعده‌های الهی می‌گیرد و در نهایت، عزت، استقلال، عدالت و پیشرفت را برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد.

کتاب حاضر تلاشی است برای بازخوانی این هندسه معرفتی و عملی؛ تا نشان دهد که «چرا باید مقاومت کرد؟» و چگونه مقاومت، در منطق قرآن و منظومه ایشان، نه یک انتخاب احساسی، بلکه ضرورتی عقلانی، ایمانی و تمدنی است.

درس اول) چرا باید مقاومت کرد؟

ارتباط با درس‌های بعد: این درس، سنگ‌بنای مفهومی کل مجموعه است. تعریف مقاومت و ارکان آن که در اینجا شکل می‌گیرد، مبنای درس‌های بعدی درباره مبانی قرآنی، الگوهای پیامبران و راهبری مقاومت خواهد بود.

سؤال محوری

چرا مقاومت یک ضرورت عقلانی، فطری و اسلامی است و چگونه می‌توان مقاومت ارزشمند را از مقاومت نادرست بازشناخت؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم مقاومت را با زبان خود تبیین کند.
۲. ارکان پنج‌گانه مقاومت را نام ببرد و برای هر کدام یک مصداق بیاورد.
۳. تفاوت مقاومت اسلامی را با سایر گونه‌های مقاومت توضیح دهد.
۴. مقاومت اصیل را از مقاومت جعلی با ذکر معیار تشخیص دهد.
۵. چرایی مقاومت را در چهار سطح فردی، اجتماعی، ملی و فراملی تحلیل کند.
۶. مقاومت، خشونت و سازش را با مثال از هم تفکیک کند.

۱. مقاومت چیست؟

نقطه آغاز هر حرکت آگاهانه، شناخت درست مفهوم آن است. مقاومت صرفاً ایستادگی در برابر فشار یا تحمل سختی نیست. مقاومت یعنی **انتخاب آگاهانه** برای دفاع از حق، کرامت، استقلال، امنیت و ارزش‌های الهی و انسانی، در برابر هر عاملی که آن‌ها را تهدید می‌کند.

مثال عینی: وقتی یک ملت در برابر تحریم اقتصادی، به جای تسلیم، مسیر خوداتکایی را انتخاب می‌کند، این یک تصمیم آگاهانه است، نه صرفاً تحمل فشار.

مقاومت یک «کنش فعال» است، نه «واکنش منفعل». هدف آن، حفظ ارزش‌ها، دفع سلطه و زمینه‌سازی برای تحقق حق و عدالت است.

۲. ارکان مقاومت

هر مقاومتی بر پنج رکن استوار است:

رکن	توضیح	مصدق
حق یا ارزش	چیزی که باید حفظ شود	استقلال، دین، کرامت
تهدید	عاملی که آن ارزش را نشانه گرفته	تجاوز، تحریم، سلطه فرهنگی
آگاهی	شناخت نسبت به تهدید	تحلیل درست از دشمن
اراده	آمادگی روانی برای ایستادگی	عزم راسخ فرد یا جامعه
اقدام	عمل هدفمند و متناسب	اقدام عملی، نه فقط شعار

نبود هر یک از این ارکان، مقاومت را به انفعال، خشونت یا رفتار هیجانی تبدیل می‌کند.

پیام کلیدی: مقاومت، صرف تحمل سختی نیست؛ شناخت + اراده + اقدام آگاهانه برای پاسداری از حق است.

۳. مقاومت اسلامی چیست؟

مقاومت اسلامی از مقاومت صرفاً قومی، نژادی، سیاسی یا احساسی متمایز است:

- حق، معیار حرکت است.
- عدالت، هدف مقاومت است.
- هدایت الهی، مبنای تصمیم است.
- اخلاق، مرز رفتار است.
- ظلم‌ستیزی، رسالت آن است.

بنابراین مقاومت اسلامی نه برای توسعه‌طلبی و انتقام، بلکه برای دفاع از حق، کرامت انسان، استقلال و اقامهٔ عدالت شکل می‌گیرد.

۴. چه زمانی مقاومت ارزشمند است؟

پرسش کلیدی: آیا هر مقاومتی ارزشمند است؟ پاسخ: خیر.

مقاومت زمانی ارزشمند است که:

- در مسیر حق باشد؛
- هدفش رفع ظلم و دفع سلطه باشد؛
- بر پایه عقلانیت و هدایت الهی باشد؛
- اخلاق و عدالت را نقض نکند؛
- به حفظ کرامت انسان بینجامد.

اگر ایستادگی در خدمت ظلم، تعصب یا منافع نامشروع باشد، ولو ظاهر آن مقاومت به نظر برسد، از منظر اسلامی فاقد ارزش است.

اصل گفتمانی: معیار ارزش مقاومت، «حق» است، نه صرف ایستادگی.

۵. چرا انسان به مقاومت نیاز دارد؟

سطح	هدف مقاومت
فردی	حفظ ایمان، هویت، کرامت، آزادی و امنیت فرد
اجتماعی	صیانت از عدالت، انسجام و استقلال فرهنگی
ملی	حفظ استقلال، تمامیت ارضی و امنیت ملی
فراملی	دفاع از امت اسلامی و مقابله با نظام سلطه

مقاومت رفتاری مقطعی نیست، بلکه ضرورتی دائمی برای حیات فرد، جامعه و امت است.

۶. مقاومت، خشونت یا سازش؟

مقاومت	خشونت	سازش
دفاع آگاهانه از حق	استفاده نامشروع از زور	تسلیم در برابر ظلم
هدف محور	هیجان محور	منفعت محور
اخلاق مدار	فاقد مرز اخلاقی	چشم پوشی از حق
عدالت گرا	تجاوزگر	پذیرش سلطه

مقاومت اسلامی نه خشونت است و نه سازش؛ راه میانه‌ای است که با عقلانیت، اخلاق و دفاع مشروع، از حق و کرامت پاسداری می‌کند.

فعالیت یادگیری

۱. یک نمونه واقعی (تاریخی یا معاصر) از «مقاومت اصیل» و یک نمونه از «مقاومت جعلی» بیابید و با ذکر معیار توضیح دهید چرا این دو متفاوت‌اند.
۲. برای هر یک از پنج رکن مقاومت، یک مصداق از زندگی شخصی یا اجتماعی خود بنویسید.

خودارزیابی

- پنج رکن مقاومت را نام ببرید.
- تفاوت مقاومت با سازش در یک جمله چیست؟
- مقاومت در چه سطحی برای شما در حال حاضر بیشترین کاربرد را دارد؟ چرا؟

جمع‌بندی درس

مقاومت، ستون فقرات حیات فردی و اجتماعی انسان مؤمن است؛ نه صرفاً واکنش سیاسی یا نظامی، بلکه انتخابی عقلانی و الهی برای پاسداری از حق، کرامت، استقلال و عدالت. مقاومت زمانی ارزشمند است که بر پایه حق، عقلانیت، اخلاق و هدایت الهی شکل گیرد.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ مقاومت، انتخابی آگاهانه برای پاسداری از حق است.
- ✚ مقاومت اسلامی بر حق، عدالت، عقلانیت و اخلاق استوار است.
- ✚ هر ایستادگی، مقاومت ارزشمند نیست؛ معیار، «حق» است.
- ✚ مقاومت، نه خشونت است و نه سازش، بلکه دفاع مسئولانه و مشروع از حق است.

درس دوم) جهان بر چه منطقی اداره می‌شود؟

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث:

درس اول به این پرسش پاسخ داد که «چرا باید مقاومت کرد» و مقاومت را انتخابی آگاهانه برای پاسداری از حق تعریف کرد. اما این پاسخ، خود پرسش تازه‌ای می‌سازد: اگر حق، معیار مقاومت است، چرا در عمل بسیاری از ملت‌ها با وجود حقانیت، قربانی جنگ، تحریم و اشغال می‌شوند؟ درس دوم دقیقاً از همین گره وارد بحث می‌شود: نشان می‌دهد که جهان صرفاً بر اساس حق اداره نمی‌شود، بلکه «قدرت» نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. به همین دلیل، پیوند میان حق (درس اول) و قدرت (درس دوم) شکل می‌گیرد و مقدمه‌ای می‌شود برای درس‌های بعدی درباره راهبرد عملی مقاومت.

سؤال محوری

اگر جهان امروز بر پایه عدالت و حقوق اداره می‌شود، چرا ملت‌ها همچنان با جنگ، اشغال، تحریم، کودتا و سلطه روبه‌رو هستند؟ و اگر قدرت نقش تعیین‌کننده دارد، جایگاه مقاومت در این معادله چیست؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم قدرت را در روابط بین‌الملل تبیین کند.
۲. تفاوت میان نظم حقوقی و واقعیت قدرت محور نظام بین‌الملل را توضیح دهد.
۳. مفهوم نظام سلطه و سازوکارهای آن را بشناسد.
۴. پیامدهای بی‌قدرتی ملت‌ها را تحلیل کند.
۵. ضرورت شکل‌گیری دولت مقاومت را بر اساس منطق کتاب تبیین نماید.
۶. رابطه «حق» (درس اول) و «قدرت» (درس دوم) را در تحلیل رخدادهای بین‌المللی به کار گیرد.

۱. چرا برای فهم جهان باید از «قدرت» آغاز کرد؟

هر انسان برای تصمیم‌گیری صحیح باید ابتدا قواعد محیطی را که در آن زندگی می‌کند بشناسد. روابط میان دولت‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیست. برای فهم سیاست جهانی، نخست باید نقش «قدرت» را شناخت؛ زیرا بسیاری از رخدادهای بین‌المللی، از جنگ و صلح تا تحریم، ائتلاف و رقابت، بدون توجه به نقش قدرت قابل تحلیل نیستند.

قدرت در اینجا صرفاً به معنای توان نظامی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که یک دولت را قادر می‌سازد از منافع، امنیت، استقلال و هویت خود دفاع کند و بر محیط پیرامونی اثر بگذارد.

بُعد قدرت	مصادیق
سیاسی	نفوذ دیپلماتیک، رأی‌سازی در نهادهای بین‌المللی
اقتصادی	تولید ناخالص، صنایع راهبردی، ارز و تجارت
علمی و فناوریانه	هسته‌ای، فضایی، فناوری اطلاعات
فرهنگی و رسانه‌ای	روایت‌سازی، نفوذ گفتمانی
دفاعی و اطلاعاتی	بازدارندگی نظامی، اطلاعات راهبردی

هرچه این ابعاد متوازن‌تر و هماهنگ‌تر باشند، امکان صیانت از منافع ملی و ایفای نقش مؤثر در نظام بین‌الملل افزایش می‌یابد.

مثال عینی: کشوری که در عرصه حقوقی محق است اما فاقد قدرت اقتصادی و بازدارندگی است، در عمل امکان اجرای رأی به نفع خود در نهادهای بین‌المللی را نیز از دست می‌دهد؛ مانند مواردی که قطعنامه‌های حقوقی به نفع ملت‌های مظلوم صادر می‌شود، اما فاقد ضمانت اجرا می‌مانند.

۱ صل گفتمانی: در جهان معاصر، حق بدون قدرت، آسیب‌پذیر است و قدرت بدون حق، به سلطه تبدیل می‌شود. مقاومت اسلامی بر پیوند «حق» و «قدرت» استوار است.

۲. نظام سلطه چیست؟

نظام سلطه صرفاً به معنای وجود یک کشور قدرتمند نیست، بلکه شبکه‌ای از قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و امنیتی است که می‌کوشند اراده و منافع خود را بر دیگر ملت‌ها تحمیل کنند و قواعد بازی جهانی را به سود خود شکل دهند.

ویژگی‌های نظام سلطه:

ویژگی	توضیح
تمرکز قدرت	انحصار تصمیم‌گیری در دست قدرت‌های برتر
مانع‌تراشی	جلوگیری از استقلال و رشد قدرت‌های نوظهور
ابزار چندگانه	استفاده هم‌زمان نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، حقوقی
توجیه‌سازی	استفاده از ادبیات حقوق بشر یا مبارزه با تروریسم برای مشروعیت‌بخشی
دوگانگی رفتار	معیار متفاوت برای متحدان و مخالفان

هدف اصلی سلطه، صرفاً اشغال سرزمین نیست؛ بلکه مدیریت اراده ملت‌ها، وابسته‌سازی اقتصادها، کنترل افکار عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری قدرت‌های مستقل است.

۳. ملت بی‌قدرت؛ از وابستگی تا سلطه‌پذیری

ضعف قدرت تنها یک کاستی نظامی نیست، بلکه آغاز زنجیره‌ای از آسیب‌هاست:

زنجیره بی‌قدرتی:

آسیب‌پذیری در برابر فشار ← وابستگی در تصمیم‌گیری ← واگذاری امنیت به دیگران ← تحریم و مداخله
← فرسایش هویت فرهنگی و سیاسی

پیام کلیدی: بی‌قدرتی، زمینه‌ساز وابستگی است و وابستگی، راه را برای سلطه هموار می‌کند.

۴. دو چهره نظام بین‌الملل

چهره حقوقی و هنجاری	چهره واقعی و قدرت‌محور
مبتنی بر منشورها، حقوق ملت‌ها، دیپلماسی	مبتنی بر موازنه قدرت و منافع قدرت‌های بزرگ
اصل: حاکمیت دولت‌ها، منع تجاوز، حقوق بشر	عمل: اجرای گزینشی اصول، معیار دوگانه
زمینه‌ساز همکاری و حل مسالمت‌آمیز اختلاف	تعیین‌کننده واقعی بسیاری از تصمیم‌های جهانی

نتیجه: نه انکار ارزش قواعد حقوقی و نه غفلت از نقش تعیین‌کننده قدرت.

۵. دولت مقاومت؛ راهبرد حفظ استقلال

اگر جهان بر پایه رقابت قدرت‌ها اداره می‌شود، دولتی که خواهان استقلال، امنیت و عزت ملت خود است، باید از الگوی «دولت مقاومت» پیروی کند. دولت مقاومت:

- استقلال سیاسی و تصمیم‌گیری خود را حفظ می‌کند؛
- قدرت ملی را در همه ابعاد تقویت می‌کند؛
- امنیت را بر توانمندی درونی و مشارکت مردم استوار می‌سازد؛
- از منافع و حقوق ملت با عقلانیت، اقتدار و دیپلماسی فعال دفاع می‌کند؛
- در برابر فشار تسلیم نمی‌شود، اما از تعامل سازنده و عادلانه استقبال می‌کند.

مقاومت، انزوا یا نفی تعامل نیست؛ بلکه تعامل از موضع عزت، استقلال و اقتدار است.

فعالیت یادگیری

۱. یک نمونه تاریخی یا معاصر بیابید که در آن «حق» وجود داشته اما به دلیل نبود «قدرت»، آن حق عملاً محقق نشده است.
۲. یکی از ابزارهای پنج‌گانه نظام سلطه (نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، حقوقی، فرهنگی) را انتخاب و با یک مصداق واقعی توضیح دهید.

خودارزیابی

- تفاوت «چهره حقوقی» و «چهره قدرت‌محور» نظام بین‌الملل را در یک جمله بیان کنید.
- زنجیره بی‌قدرتی را به ترتیب بازگو کنید.
- «دولت مقاومت» چه تفاوتی با انزواگرایی دارد؟

جمع‌بندی درس

جهان امروز تنها بر پایه آرمان‌های حقوقی اداره نمی‌شود؛ قدرت یکی از عوامل تعیین‌کننده در رفتار دولت‌ها و شکل‌گیری نظم جهانی است. شناخت نظام سلطه، آگاهی از پیامدهای بی‌قدرتی و تقویت قدرت ملی، پیش‌شرط حفظ استقلال، امنیت و عزت هر ملت است. «دولت مقاومت» پاسخی راهبردی به محیطی است که در آن، دفاع از حق بدون قدرت کافی، با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد بود.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ برای فهم جهان امروز، شناخت نقش قدرت ضروری است.
- ✚ نظام سلطه، شبکه‌ای از قدرت و نفوذ برای تحمیل اراده بر ملت‌هاست.
- ✚ بی‌قدرتی، وابستگی و سلطه‌پذیری را افزایش می‌دهد.
- ✚ نظام بین‌الملل دو چهره دارد: هنجاری و قدرت‌محور.
- ✚ دولت مقاومت با تکیه بر استقلال، قدرت ملی، مشارکت مردم و تعامل عزتمندانه، از حقوق ملت دفاع می‌کند.

درس سوم) سازش یا مقاومت؟

تحلیل عقلانی هزینه و فایده دو راهبرد

ارتباط با درس قبل و چگونگی ورود به این بحث:

درس دوم نشان داد که جهان بر پایه رقابت قدرت‌ها اداره می‌شود و نظام سلطه از ابزارهای متعددی برای تحمیل اراده خود بهره می‌گیرد. حال پرسش عملی این است: یک ملت در برابر این واقعیت چه باید بکند؟ آیا باید با قدرت‌های مسلط کنار بیاید تا فشار کمتری تحمل کند، یا باید مقاومت کند؟ درس سوم این انتخاب را نه با معیار احساسی، بلکه با منطق عقلانی هزینه و فایده تحلیل می‌کند.

سؤال محوری

در جهانی که رقابت قدرت‌ها و نظام سلطه بر آن حاکم است، کدام راهبرد هزینه کمتری و منفعت بیشتری برای یک ملت دارد؛ سازش یا مقاومت؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم تحلیل هزینه - فایده را در تصمیم‌های راهبردی توضیح دهد.
۲. آثار سازش و مقاومت را بر عاملیت، هویت و امنیت تحلیل کند.

۳. تفاوت «هزینه کوتاه‌مدت» و «هزینه بلندمدت» را تشخیص دهد.
۴. چرایی برتری راهبرد مقاومت را بر اساس منطق کتاب تبیین نماید.
۵. پیوند منطقی میان درس دوم (قدرت و نظام سلطه) و درس سوم (انتخاب راهبرد) را توضیح دهد.

۱. چرا باید با منطق هزینه و فایده تصمیم گرفت؟

هر تصمیم مهم، پیامدهایی به همراه دارد. در سطح فردی و اجتماعی، انسان عاقل پیش از انتخاب، منافع و زیان‌های هر گزینه را می‌سنجد. در روابط بین‌الملل نیز دولت‌ها و ملت‌ها ناگزیرند راهبردهای خود را بر پایه تحلیل هزینه و فایده انتخاب کنند.

نکته کلیدی این است که مسئله اصلی، وجود یا نبود هزینه نیست؛ زیرا هیچ راهبردی بدون هزینه نیست. پرسش اساسی این است که کدام راهبرد، هزینه‌های کمتر و دستاوردهای پایدارتر دارد؟

اصل گفتمانی: انتخاب راهبرد صحیح، مقایسه میان «هزینه مقاومت» و «هزینه سازش» است، نه مقایسه میان «هزینه» و «بی‌هزینه».

مثال عینی: کشوری که برای کاهش فشار تحریم، از برنامه‌های راهبردی خود دست می‌کشد، ممکن است در کوتاه‌مدت آسودگی موقتی تجربه کند؛ اما در بلندمدت، اهرم‌های چانه‌زنی و توان بازدارندگی خود را از دست می‌دهد و در موضع ضعیف‌تری قرار می‌گیرد.

۲. عاملیت؛ ملت مستقل یا بازیگر تابع؟

عاملیت یعنی توانایی یک ملت برای تصمیم‌گیری مستقل، تعیین سرنوشت خود و اثرگذاری بر محیط پیرامون.

جنبه	الگوی سازش	الگوی مقاومت
استقلال تصمیم	کاهش می‌یابد	حفظ و تقویت می‌شود
اراده ملی	تحت تأثیر خواسته‌های بیرونی	مبتنی بر منافع و ارزش‌های ملی
اثرگذاری منطقه‌ای	محدود می‌شود	افزایش می‌یابد

پیام کلیدی: ملت برخوردار از عاملیت، آینده خود را می‌سازد؛ ملت فاقد عاملیت، آینده‌ای را می‌پذیرد که دیگران برای او ترسیم کرده‌اند.

۳. هویت؛ حفظ شخصیت یا استحاله تدریجی؟

هویت دینی، فرهنگی و ملی از بنیادی‌ترین سرمایه‌های هر جامعه است. جامعه‌ای که هویت خود را از دست بدهد، حتی در صورت برخورداری از رفاه یا امنیت ظاهری، بنیان‌های استقلال و انسجام آن سست خواهد شد.

فرآیند استحاله در الگوی سازش:

وابستگی فکری ← تغییر الگوهای رفتاری ← جایگزینی معیارهای بیرونی ← فروپاشی انسجام هویتی

الگوی مقاومت بر تقویت باورهای دینی، اعتمادبه‌نفس ملی، فرهنگ خودباوری و صیانت از ارزش‌های جامعه تأکید می‌کند و مانع از این فرآیند می‌شود.

۴. امنیت؛ برون‌سپاری یا درون‌زایی؟

معیار	الگوی سازش (برون‌سپاری)	الگوی مقاومت (درون‌زایی)
پایه امنیت	حمایت قدرت‌های خارجی	توانمندی‌های ملی و مشارکت مردم
پایداری	وابسته به اراده دیگران	مبتنی بر ظرفیت‌های درونی
آسیب‌پذیری	بالا در صورت تغییر منافع خارجی	پایین‌تر به دلیل استقلال
هزینه بلندمدت	از دست دادن اهرم‌های تصمیم‌گیری	سرمایه‌گذاری در قدرت ملی

اصل گفتمانی: امنیت پایدار، محصول قدرت درونی و اراده ملی است؛ نه نتیجه وابستگی به قدرت‌های بیرونی.

۵. جمع‌بندی راهبردی

هر دو راهبرد هزینه دارند؛ اما تفاوت در نوع، گستره و پیامد این هزینه‌هاست:

- **هزینه‌های مقاومت:** عمدتاً هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای حفظ استقلال، هویت و امنیت پایدار است.
- **هزینه‌های سازش:** به تدریج و پنهان، در قالب کاهش استقلال، تضعیف هویت و وابستگی امنیتی نمایان می‌شوند.

بر اساس این منطق، مقاومت نه به دلیل بی‌هزینه بودن، بلکه به دلیل تأمین منافع پایدارتر و حفظ ارکان حیات یک ملت، راهبرد عقلانی‌تری به شمار می‌آید.

جدول مقایسه‌ای جامع دو راهبرد

شاخص	الگوی سازش	الگوی مقاومت
مبنای تصمیم	کاهش فشارهای کوتاه‌مدت	حفظ منافع و استقلال بلندمدت
عاملیت	کاهش استقلال تصمیم‌گیری	حفظ و تقویت اختیار ملی
هویت	خطر وابستگی و استحاله تدریجی	صیانت از هویت دینی، فرهنگی و ملی
امنیت	اتکا به حمایت بیرونی	اتکا به توان داخلی و قدرت ملی
قدرت ملی	وابستگی به اراده دیگران	تقویت ظرفیت‌های درونی
آینده	آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی	افزایش اقتدار و تاب‌آوری
نتیجه راهبردی	کاهش موقت برخی هزینه‌ها، با احتمال افزایش هزینه‌های بلندمدت	تحمل هزینه‌های هدفمند برای دستیابی به امنیت، استقلال و عزت پایدار

فعالیت یادگیری

۱. یک نمونه تاریخی بیابید که در آن سازش با قدرت‌های خارجی به جای کاهش فشار، به افزایش وابستگی انجامید.

۲. سه مصداق از «هزینه‌های پنهان سازش» در حوزه‌های عاملیت، هویت و امنیت ذکر کنید.

خودارزیابی

- چرا مقایسه «هزینه مقاومت» با «بی‌هزینه بودن» نادرست است؟
- «استحاله تدریجی هویت» چگونه رخ می‌دهد؟ مراحل آن را توضیح دهید.
- تفاوت اصلی «امنیت برون‌سپاری‌شده» و «امنیت درون‌زا» چیست؟

جمع‌بندی درس

انتخاب میان سازش و مقاومت، انتخاب میان «هزینه» و «بی‌هزینه» نیست؛ بلکه انتخاب میان دو نوع هزینه و دو نوع آینده است. مقاومت با وجود دشواری‌های کوتاه‌مدت، حفظ عاملیت، هویت و امنیت درون‌زا را دنبال می‌کند. در مقابل، سازشی که به وابستگی منجر شود، هزینه‌های بلندمدت سنگین‌تری در حوزه استقلال، هویت و امنیت به بار می‌آورد.

پیام‌های کلیدی:

- ✚ مسئله اصلی، وجود یا نبود هزینه نیست؛ بلکه مقایسه هزینه‌ها و پیامدهای دو راهبرد است.
- ✚ عاملیت، هویت و امنیت سه معیار اصلی ارزیابی هر راهبرد هستند.
- ✚ امنیت پایدار از درون جامعه و قدرت ملی شکل می‌گیرد، نه از وابستگی.

✚ مقاومت، سرمایه‌گذاری راهبردی برای حفظ استقلال، هویت و امنیت است.
✚ انتخاب میان سازش و مقاومت، در نهایت انتخاب میان دو نوع آینده برای یک ملت است.

ارتباط با درس بعد: شناخت برتری راهبردی مقاومت، این پرسش را مطرح می‌کند که مقاومت بر چه پایه‌هایی استوار است و چه عواملی آن را پایدار می‌سازد؛ موضوعی که درس چهارم به آن می‌پردازد.

درس چهارم) سنت‌های الهی مقاومت

قوانین تغییرناپذیر الهی در مسیر پیروزی حق

ارتباط با درس قبل:

درس سوم نشان داد که مقاومت، راهبرد عقلانی‌تری نسبت به سازش است. اما این انتخاب عقلانی، پشتوانه‌ای عمیق‌تر از صرف محاسبه هزینه و فایده دارد. درس چهارم نشان می‌دهد که مقاومت، نه تنها یک انتخاب راهبردی، بلکه حرکتی در چارچوب قوانین ثابت الهی است که بر تاریخ بشر حاکم‌اند.

سؤال محوری

آیا پیروزی و شکست ملت‌ها اتفاقی است، یا خداوند سنت‌ها و قوانین ثابتی را بر تاریخ و جامعه حاکم کرده که مقاومت نیز بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم سنت‌های الهی را تبیین کند.
۲. رابطه سنت‌های الهی و مقاومت را توضیح دهد.
۳. مراحل طبیعی پیروزی جبهه حق را بر اساس سنت‌های الهی تحلیل کند.
۴. تبیین کند که مقاومت، حرکتی مبتنی بر قوانین الهی است، نه صرف احساسات یا حوادث مقطعی.
۵. پیوند منطقی میان درس سوم (انتخاب راهبرد) و درس چهارم (پشتوانه الهی مقاومت) را توضیح دهد.

۱. سنت‌های الهی؛ قانون حاکم بر تاریخ

از منظر قرآن کریم، تاریخ بشر بر اساس قوانین ثابت و تغییرناپذیر الهی اداره می‌شود. قرآن این قوانین را «سنن الهی» می‌نامد؛ قوانینی که بر زندگی فردی، اجتماعی و تاریخ ملت‌ها حاکم‌اند و هیچ قومی از آن مستثنا نیست.

بر اساس این منطق، پیروزی یا شکست جبهه حق، صرفاً نتیجه برتری ظاهری قدرت‌ها نیست؛ بلکه تابع سنت‌هایی است که خداوند بر جهان جاری ساخته است. از این رو، مقاومت نیز تنها یک اقدام سیاسی یا نظامی نیست، بلکه حرکت در چارچوب همین سنت‌های الهی است.

اصل گفتمانی: سنت‌های الهی، قوانین ثابت خداوند در هدایت تاریخ هستند و مقاومت زمانی به نتیجه می‌رسد که با این قوانین هماهنگ باشد.

۲. نقشه راه سنت‌های الهی

یازده سنت الهی کتاب در پنج محور کلان سامان‌دهی شده‌اند:

محور	سنت‌های مرتبط	پیام اصلی
۱. تقابل حق و باطل	سنت تقابل، غربال صفوف، مکر الهی	دشمنی با حق، سنت دائمی است
۲. ابتلاء و صبر	سنت ابتلاء، استدراج و امهال باطل	دشواری، مقدمه رشد است
۳. نصرت الهی	سنت نصرت مشروط، معیت با صابران	یاری خدا مشروط به ایمان و عمل است
۴. تدریج در پیروزی	سنت تدریج و تأخیر	پیروزی تدریجی است، نه فوری
۵. پیروزی نهایی حق	سنت غلبه حق، استخلاف صالحان	آینده از آن حق است

محور نخست: سنت تقابل حق و باطل

نخستین سنت الهی آن است که تاریخ، صحنه دائمی رویارویی حق و باطل است. این تقابل، امری مقطعی یا محدود به یک عصر نیست، بلکه جریانی همیشگی در زندگی انسان‌ها و جوامع است.

در دل این محور، دو سنت دیگر نیز قرار می‌گیرد:

- **سنت غربال و تمییز صفوف:** در جریان این تقابل، صفوف مؤمنان و مدعیان از یکدیگر جدا می‌شود و حقیقت ایمان آشکار می‌گردد.
- **سنت مکر الهی:** هرچند جبهه باطل برای غلبه بر حق برنامه‌ریزی می‌کند، اما خداوند نقشه‌های آنان را بی‌اثر یا معکوس می‌سازد.

پیام کلیدی: وجود دشمنی، فشار و فتنه، پدیده‌ای استثنایی نیست؛ بخشی از سنت الهی است.

محور دوم: سنت ابتلاء و صبر

دومین قانون الهی آن است که اهل ایمان پیش از دستیابی به پیروزی، در معرض آزمایش قرار می‌گیرند.

ابتلاء نشانه رهاشدگی نیست؛ بلکه مرحله‌ای برای رشد، پالایش، استحکام ایمان و آمادگی جامعه مؤمن است.

صبر در منطق قرآن، به معنای تحمل منفعلانه نیست، بلکه به معنای استقامت، پایداری، استمرار حرکت و حفظ امید در مسیر حق است.

در این محور، سنت دیگری نیز قرار می‌گیرد:

- **سنت استدراج و امهال باطل:** گاه خداوند به جبهه باطل فرصت و مهلت می‌دهد. این تأخیر، نشانه رضایت الهی از باطل نیست، بلکه بخشی از فرایند آزمون و تحقق اراده الهی است.

پیام کلیدی: دشواری‌ها، نشانه شکست نیستند؛ بلکه بخشی از مسیر طبیعی رشد و پالایش جبهه حق‌اند.

محور سوم: سنت نصرت الهی

نصرت الهی، وعده قطعی خداوند است؛ اما این وعده مطلق و بی‌قید نیست.

شرط نصرت	توضیح
ایمان	باور قلبی به حقانیت مسیر
حرکت در مسیر حق	عمل منطبق با ارزش‌های الهی
استقامت	پایداری در برابر فشارها
انجام وظیفه	تلاش کامل در حد توان

ازاین‌رو، نصرت الهی نتیجه جمع میان ایمان، عمل، مقاومت و توکل است.

در دل این محور، سنت دیگری نیز قرار می‌گیرد:

- **سنت معیت الهی با صابران:** خداوند همراه و پشتیبان کسانی است که در مسیر حق استقامت می‌کنند و این همراهی، سرچشمه آرامش، امید و توان ادامه مسیر است.

محور چهارم: سنت تدریج و تأخیر در پیروزی

بسیاری از تحولات بزرگ تاریخی به تدریج شکل می گیرند. این تأخیر، نشانه ضعف جبهه حق یا خلف وعده الهی نیست؛ بلکه فرصتی برای:

تکامل نیروهای مؤمن ← آمادگی جامعه ← آشکار شدن حقیقت ← فرسایش جبهه باطل ← تحقق کامل شرایط پیروزی

پیام کلیدی: شتاب زدگی، ناامیدی یا قضاوت زودهنگام با منطق سنت های الهی سازگار نیست.

محور پنجم: سنت پیروزی نهایی حق

آخرین و امیدبخش ترین سنت الهی آن است که آینده تاریخ از آن حق است.

در این محور، دو سنت پایانی قرار می گیرند:

- **سنت غلبه حق بر باطل:** باطل ماندگار نیست و توان استمرار در برابر حق را ندارد.
- **سنت استخلاف و وراثت صالحان:** آینده تاریخ متعلق به جامعه ای است که ایمان، صلاح و مقاومت را با یکدیگر جمع کرده باشد.

اصل گفتمانی: مقاومت، صرفاً دفاع از وضع موجود نیست؛ بلکه حرکت در مسیر تحقق وعده الهی برای غلبه حق و شکل گیری جامعه صالحان است.

جدول جامع سنت های الهی (برای حفظ امانت علمی)

شماره	عنوان سنت	محور کلان
۱	سنت تقابل حق و باطل	محور اول
۲	سنت ابتلاء و امتحان	محور دوم
۳	سنت غربال و تمییز صفوف	محور اول
۴	سنت معیت الهی با صابران و مقاومان	محور سوم
۵	سنت نصرت الهی مشروط	محور سوم
۶	سنت تدریج و تأخیر در پیروزی	محور چهارم
۷	سنت مکر الهی و شکست نقشه های باطل	محور اول
۸	سنت استدراج و امهال باطل	محور دوم
۹	سنت غلبه حق بر باطل	محور پنجم
۱۰	سنت عاقبت مندی حق و زوال باطل	محور پنجم
۱۱	سنت استخلاف و وراثت صالحان	محور پنجم

فعالیت یادگیری

۱. یک نمونه تاریخی بیابید که در آن «سنت تدریج» در پیروزی جبهه حق مشهود بوده است.
۲. «سنت غربال صفوف» چگونه در دوران فشار و ابتلاء عمل می‌کند؟ با مثال توضیح دهید.
۳. شرایط چهارگانه نصرت الهی را در یک موقعیت واقعی تطبیق دهید.

خودارزیابی

- تفاوت «ابتلاء» و «شکست» چیست؟
- چرا «امهال باطل» نشانه رضایت الهی از باطل نیست؟
- چه رابطه‌ای میان «صبر» و «نصرت الهی» وجود دارد؟
- چرا شتابزدگی با منطق سنت‌های الهی ناسازگار است؟

جمع‌بندی درس

مقاومت، پدیده‌ای مقطعی یا صرفاً سیاسی نیست، بلکه ریشه در قوانین ثابت الهی دارد. سنت‌های الهی نشان می‌دهند که تقابل حق و باطل، ابتلاء، صبر، نصرت، تدریج در پیروزی و سرانجام غلبه حق، اجزای یک فرایند واحد و هماهنگ هستند. شناخت این سنت‌ها به مؤمنان می‌آموزد که دشواری‌های مسیر، نشانه شکست نیست، بلکه بخشی از قانون الهی برای رشد، پالایش و تحقق پیروزی نهایی است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ تاریخ بر اساس سنت‌های ثابت الهی اداره می‌شود.
- ✚ تقابل حق و باطل، یک سنت دائمی است.
- ✚ ابتلاء و صبر، مقدمه رشد و نصرت الهی هستند.
- ✚ نصرت الهی، مشروط به ایمان، استقامت و عمل است.
- ✚ پیروزی حق، تدریجی اما قطعی است.
- ✚ آینده تاریخ از آن حق و صالحان خواهد بود.

ارتباط با درس بعد: شناخت سنت‌های الهی، این پرسش را مطرح می‌کند که جبهه مقاومت در عمل چگونه باید این سنت‌ها را در راهبرد و رفتار خود لحاظ کند؛ موضوعی که درس پنجم به آن می‌پردازد.

درس پنجم) پیامبران چگونه مقاومت کردند؟

الکوهای قرآنی مقاومت برای انسان امروز

ارتباط با درس قبل:

درس چهارم نشان داد که مقاومت بر پایه سنت‌های ثابت الهی استوار است. درس پنجم این سنت‌ها را در قالب زندگی واقعی پیامبران الهی به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که هر پیامبر، یک الگوی عملی از مقاومت در شرایط متفاوت بوده است.

سؤال محوری

قرآن کریم چگونه سیره پیامبران الهی را به عنوان الگوهای ماندگار مقاومت معرفی می‌کند و هر یک چه درسی برای تربیت انسان مؤمن و کنشگر امروز دارند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. جایگاه انبیاء را به عنوان پیشگامان مقاومت الهی تبیین کند.
۲. ویژگی‌های هر الگوی مقاومتی را بشناسد.
۳. میان شرایط امروز و تجربه‌های تاریخی پیامبران ارتباط برقرار کند.
۴. درس‌های تربیتی هر الگو را در زندگی فردی و اجتماعی به کار گیرد.
۵. سیر تکاملی مقاومت را از اصلاح فردی تا تمدن‌سازی توضیح دهد.

۱. مقاومت؛ سنت مشترک همه پیامبران

مطالعه سیره انبیای الهی نشان می‌دهد که همه آنان، با وجود تفاوت زمان، مکان و شرایط اجتماعی، در یک حقیقت مشترک بوده‌اند: مقاومت در برابر باطل و دعوت به حق. هیچ پیامبری بدون رویارویی با جبهه باطل، بدون تحمل فشار و بدون استقامت به رسالت خود عمل نکرده است.

قرآن کریم تاریخ پیامبران را صرفاً برای اطلاع از گذشته بیان نمی‌کند، بلکه آن را مدرسه‌ای برای تربیت مؤمنان و الگوی عملی برای همه نسل‌ها قرار می‌دهد. هر پیامبر، جلوه‌ای از مقاومت را به نمایش گذاشته و مجموعه این الگوها، منظومه‌ای کامل از مقاومت الهی را شکل می‌دهد.

اصل گفتمانی: سیره انبیاء، نقشه راه تربیت انسان مقاوم و جامعه مقاوم است.

۲. الگوهای قرآنی مقاومت

پیامبر	نوع مقاومت	ویژگی برجسته	درس تربیتی برای امروز
--------	------------	--------------	-----------------------

حضرت نوح(ع)	مقاومت بلندمدت در برابر انکار عمومی	استقامت، امید، خستگی ناپذیری	موفقیت در جبهه حق نیازمند استمرار و صبر در برابر بی توجهی جامعه است
حضرت ابراهیم(ع)	مقاومت توحیدی در برابر نظام شرک و طاغوت	شجاعت، شکستن بت‌های فکری، آمادگی برای فداکاری	مقاومت با اصلاح اندیشه آغاز می‌شود؛ مؤمن باید در برابر هرگونه طاغوت و انحراف فکری بایستد
حضرت موسی(ع)	مقاومت رهایی‌بخش در برابر سلطه فرعون	مبارزه با استبداد، آزادسازی جامعه، رهبری حرکت جمعی	مقاومت تنها اعتراض نیست؛ سازمان‌دهی جامعه برای رهایی از سلطه و تحقق عدالت است
حضرت شعیب(ع)	مقاومت در برابر فساد اجتماعی و اقتصادی	مقابله با کم‌فروشی، تبعیض و فساد اقتصادی	مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، بخشی جدایی ناپذیر از مقاومت اسلامی است
حضرت یوسف(ع)	مقاومت اخلاقی و تمدنی در دل ساختار قدرت	پاکدامنی، امانت‌داری، مدیریت صالح	مقاومت تنها در میدان نبرد نیست؛ حفظ ایمان و عدالت در جایگاه مسئولیت نیز جلوه‌ای از مقاومت است
حضرت طالوت و داود(ع)	مقاومت جمعی، غریبال نیروها، غلبه گروه مؤمن	گزینش نیروهای شایسته، اعتماد به وعده الهی، کیفیت بر کمیت	پیروزی به تعداد وابسته نیست؛ ایمان، انضباط و اخلاص عامل اصلی موفقیت است
پیامبر اکرم(ص)	مقاومت جامع و تمدن‌ساز	تربیت انسان، تشکیل امت، دولت‌سازی و جامعه‌سازی	مقاومت اسلامی یک پروژه تمدنی است که از خودسازی آغاز و تا ساخت تمدن ادامه می‌یابد

۳. سیر تکاملی مقاومت در سیره انبیاء

مطالعه این الگوها در کنار یکدیگر، مسیر تکامل مقاومت را آشکار می‌کند:

اصلاح انسان (نوح) ← اصلاح عقیده (ابراهیم) ← آزادی‌بخشی (موسی) ← اصلاح اجتماعی (شعیب) ← حفظ اخلاق در قدرت (یوسف) ← سازمان‌دهی جبهه (طالوت و داود) ← تمدن‌سازی (پیامبر اکرم)

پیام کلیدی: مقاومت از اصلاح انسان آغاز می‌شود، به اصلاح جامعه می‌رسد و در نهایت به تمدن‌سازی ختم می‌شود.

۴. ارکان مشترک همه الگوهای مقاومتی

با وجود تفاوت در شرایط و میدان، همه پیامبران در پنج رکن مشترک بوده‌اند:

رکن	تجلی در سیره انبیاء
ایمان	پایه‌ای که هیچ پیامبری بدون آن حرکت نکرد
صبر	از نوح(ع) تا پیامبر اکرم(ص)، همه در برابر فشار استقامت کردند
بصیرت	شناخت دقیق دشمن، میدان و ابزار مقاومت
اخلاق	حفظ ارزش‌ها حتی در سخت‌ترین شرایط
سازمان‌دهی	از دعوت فردی تا تشکیل امت و جامعه

۵. کارکرد تربیتی این درس

بر اساس منطق کتاب، هدف از طرح سیره انبیاء، شناخت تاریخ نیست؛ بلکه تربیت کنشگر مؤمن است:

۱. مقاومت، سنت مشترک همه پیامبران است و مؤمن باید خود را در امتداد همین مسیر بداند.
۲. هر میدان، الگوی خاص خود را می‌طلبد؛ گاهی میدان، میدان استقامت است، گاهی مبارزه با طاغوت، گاهی اصلاح اجتماعی، گاهی حفظ اخلاق و گاهی ساختن جامعه.
۳. پیروزی بدون صبر، ایمان و تربیت نیرو ممکن نیست.
۴. مقاومت اسلامی تنها نظامی یا سیاسی نیست؛ بلکه ابعاد اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و تمدنی را نیز در بر می‌گیرد.
۵. رسالت امروز مؤمن، بهره‌گیری از این الگوها متناسب با نیازهای زمان و میدان است.

فعالیت یادگیری

۱. کدام الگوی پیامبران با شرایط امروز جبهه مقاومت بیشترین تطابق را دارد؟ دلایل خود را توضیح دهید.
۲. «مقاومت اخلاقی» حضرت یوسف(ع) در جایگاه مسئولیت، چه درسی برای مدیران و مسئولان امروز دارد؟
۳. چرا الگوی حضرت نوح(ع) برای کسانی که در محیط‌های بی تفاوت یا مخالف فعالیت می‌کنند اهمیت ویژه دارد؟

خودارزیابی

- چرا قرآن سیره انبیاء را «الگو» معرفی می‌کند، نه صرفاً «تاریخ»؟
- تفاوت «مقاومت رهایی‌بخش» موسی(ع) با «مقاومت اخلاقی» یوسف(ع) در چیست؟

- چه رابطه‌ای میان «غریبال نیروها» در الگوی طالوت و داود(ع) و «سنت تمییز صفوف» در درس چهارم وجود دارد؟

جمع‌بندی درس

مقاومت، یک رفتار تک‌بعدی نیست؛ بلکه منظومه‌ای از ایمان، بصیرت، اخلاق، صبر، مبارزه با ظلم، اصلاح جامعه، مدیریت، رهبری و تمدن‌سازی است. سیره انبیاء نشان می‌دهد که این منظومه در طول تاریخ، در شرایط و میدان‌های مختلف به اجرا درآمده و هر بار جلوه‌ای تازه از مقاومت الهی را به نمایش گذاشته است.

پیام‌های کلیدی

- 🌟 همه پیامبران، پرچم‌داران مقاومت الهی بوده‌اند.
- 🌟 هر پیامبر، یک بعد از منظومه کامل مقاومت را به نمایش گذاشته است.
- 🌟 مقاومت از اصلاح انسان آغاز می‌شود و به تمدن‌سازی می‌انجامد.
- 🌟 ایمان، صبر، بصیرت، اخلاق و سازمان‌دهی، ارکان مشترک همه الگوهای مقاومتی هستند.
- 🌟 سیره انبیاء، نقشه راه تربیت انسان مقاوم و جامعه مقاوم است.

ارتباط با درس بعد: شناخت الگوهای پیامبران، این پرسش را مطرح می‌کند که در دوران معاصر، این الگوها چگونه در قالب مقاومت اسلامی تجلی یافته‌اند؛ موضوعی که درس ششم به آن می‌پردازد.

درس ششم) دشمن را بشناس

شناخت ساختار، اهداف و راهبردهای سلطه

ارتباط با درس قبل:

درس پنجم نشان داد که مقاومت پیامبران همواره بر بصیرت و شناخت میدان استوار بود. درس ششم این اصل را در سطح راهبردی و معاصر دنبال می‌کند: مقاومت مؤثر، نیازمند شناخت دقیق بازیگران، ساختارها و ابزارهای سلطه است.

سؤال محوری

چرا شناخت دشمن یکی از پیش‌شرط‌های مقاومت مؤثر است و قدرت‌های سلطه‌گر برای تحقق اهداف خود از چه ساختارها، راهبردها و ابزارهایی بهره می‌گیرند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. اهمیت دشمن‌شناسی را در منطق مقاومت تبیین کند.
۲. ساختار چندلایه قدرت سلطه‌گر را توضیح دهد.
۳. اهداف دشمنی را در سه سطح بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت بیان کند.
۴. مهم‌ترین راهبردهای سلطه را بشناسد.
۵. عرصه‌های اصلی تقابل را تحلیل کند و پاسخ مقاومت در هر عرصه را توضیح دهد.

۱. چرا دشمن‌شناسی ضرورت دارد؟

از منظر کتاب، هیچ حرکت موفقی بدون شناخت محیط، تهدیدها و دشمن امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که در مدیریت، اقتصاد یا دفاع، شناخت مسئله مقدمه تصمیم‌گیری صحیح است، در مقاومت نیز شناخت دشمن شرط عقلانیت و اثربخشی است.

دشمن‌شناسی به معنای دشمن‌تراشی یا نگاه احساسی نیست؛ بلکه شناخت واقع‌بینانه اهداف، روش‌ها و ابزارهای بازیگری است که می‌کوشد بر اراده و منافع ملت‌ها اثر بگذارد.

اصل گفتمانی: مقاومت آگاهانه بر شناخت دقیق دشمن استوار است، نه بر احساسات و شعار.

تمایز مهم: دشمن‌شناسی با دشمن‌پنداری متفاوت است. دشمن‌شناسی یعنی تحلیل واقعی اهداف و ابزارها؛ دشمن‌پنداری یعنی دیدن دشمن در همه جا بدون تحلیل. مقاومت مؤثر به اولی نیاز دارد و از دومی پرهیز می‌کند.

۲. ساختار قدرت سلطه‌گر

بر اساس کتاب، قدرت سلطه‌گر صرفاً یک دولت با ساختار اداری متعارف نیست، بلکه شبکه‌ای از مراکز قدرت و تصمیم‌سازی است که در حوزه‌های مختلف بر سیاست خارجی و راهبردهای کلان اثر می‌گذارد.

نقش در سیاست سلطه	نهادهای بازیگران	لایه قدرت
تعریف اهداف، مشروعیت‌بخشی، فشار دیپلماتیک	دولت، کنگره، نهادهای بین‌المللی	سیاسی و دیپلماتیک
بازدارندگی، تهدید، عملیات پنهان	ارتش، سازمان‌های اطلاعاتی، پیمان‌های نظامی	نظامی و امنیتی
تحریم، وابستگی اقتصادی، کنترل منابع	شرکت‌های بزرگ، نهادهای مالی بین‌المللی	اقتصادی و مالی

رسانه‌ای و فرهنگی	رسانه‌های بزرگ، پلتفرم‌های دیجیتال، مراکز فکری	روایت‌سازی، جهت‌دهی افکار عمومی، نفوذ فرهنگی
علمی و فناورانه	دانشگاه‌ها، شرکت‌های فناوری	کنترل دانش، ایجاد وابستگی فناورانه

این ساختار چندلایه به قدرت سلطه‌گر امکان می‌دهد از ترکیبی از ابزارهای سخت، نیمه‌سخت و نرم استفاده کند و تنها به قدرت نظامی متکی نباشد.

۳. ماهیت دشمنی

کتاب تأکید می‌کند که دشمنی با جمهوری اسلامی ایران صرفاً ناشی از اختلافات مقطعی یا سیاسی نیست، بلکه ریشه در تعارض بر سر چهار محور اصلی دارد:

محور تعارض	توضیح
استقلال	ایران بر تصمیم‌گیری مستقل تأکید دارد؛ نظام سلطه خواهان وابستگی است
هویت	الگوی حکمرانی دینی با الگوهای مطلوب نظام سلطه در تعارض است
نفوذ منطقه‌ای	حضور و اثرگذاری ایران در منطقه با منافع قدرت‌های سلطه‌گر تضاد دارد
الگوی الهام‌بخش	موفقیت مقاومت اسلامی می‌تواند الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد

نتیجه تحلیلی: هر اندازه یک ملت بر استقلال، هویت و افزایش قدرت خود تأکید کند، احتمال تقابل با نظام سلطه افزایش می‌یابد. بنابراین این دشمنی ساختاری است، نه تصادفی.

۴. اهداف دشمن در سه سطح

بلندمدت ———

- حفظ برتری و موقعیت مسلط در نظام بین‌الملل
- جلوگیری از شکل‌گیری قدرت‌های مستقل و رقیب
- تداوم نظم مطلوب قدرت‌های مسلط

میان‌مدت ———

- • مهار توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و دفاعی
- • کاهش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی
- • ایجاد محدودیت برای الگوهای مستقل و الهام‌بخش

کوتاه‌مدت ———

- افزایش فشارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای
- تأثیرگذاری بر افکار عمومی و محاسبات تصمیم‌گیران
- ایجاد بی‌ثباتی، اختلاف و کاهش انسجام ملی

۵. راهبردهای سلطه

بر اساس کتاب، قدرت سلطه‌گر معمولاً یک ابزار را به‌تنهایی به کار نمی‌گیرد، بلکه از ترکیبی از راهبردهای مکمل استفاده می‌کند:

راهبرد	هدف اصلی	نمونه
فشار سیاسی و دیپلماتیک	انزوا، تغییر رفتار	قطعه‌نامه‌ها، فشار متحدان
تحریم اقتصادی	ایجاد فشار معیشتی، کاهش توان	تحریم نفت، بانک، فناوری
جنگ شناختی و عملیات روانی	تغییر ادراک، کاهش اراده	شایعه، ترس، ناامیدی
عملیات رسانه‌ای	روایت‌سازی، جهت‌دهی افکار عمومی	رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی
نفوذ اطلاعاتی و امنیتی	اخلال، جاسوسی، خرابکاری	عملیات سایبری، نفوذ در ساختارها
ائتلاف‌سازی	افزایش فشار چندجانبه	همراه کردن متحدان منطقه‌ای و غربی
بازدارندگی نظامی	تهدید، محدودسازی	حضور نظامی در منطقه
نفوذ فرهنگی	تغییر ارزش‌ها، سبک زندگی	محصولات فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی

نکته کلیدی: هدف این راهبردها صرفاً تحمیل هزینه نیست؛ بلکه تغییر اراده، محاسبات و رفتار طرف مقابل است. این تمایز برای طراحی پاسخ مقاومت اهمیت اساسی دارد.

۶. عرصه‌های دشمنی و پاسخ مقاومت

از منظر کتاب، تقابل تنها در میدان نظامی رخ نمی‌دهد. جدول زیر عرصه‌های دشمنی و ضرورت پاسخ مقاومت در هر عرصه را نشان می‌دهد:

عرصه	اقدام دشمن	پاسخ مقاومت
سیاسی	فشار بر ساختارهای تصمیم‌گیری، انزوا	دیپلماسی فعال، ائتلاف‌سازی مستقل
اقتصادی	تحریم، محدودسازی، فشار معیشتی	خوداتکایی، اقتصاد مقاومتی، دور زدن تحریم

فرهنگی	ترویج سبک زندگی ناسازگار با هویت دینی	تقویت هویت، تولید فرهنگی بومی
رسانه‌ای	روایت‌سازی، جهت‌دهی افکار عمومی	روایت مستقل، رسانه قوی، سواد رسانه‌ای
اجتماعی	ایجاد شکاف، بی‌اعتمادی، کاهش سرمایه اجتماعی	انسجام ملی، تقویت اعتماد اجتماعی
امنیتی و دفاعی	تهدید، بازدارندگی، حمایت از بی‌ثباتی	توان دفاعی، هوشیاری امنیتی

جدول جمع‌بندی

محور	خلاصه محتوا
ساختار	شبکه‌ای چندلایه از مراکز سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای
ماهیت دشمنی	تعارض ساختاری بر سر استقلال، هویت، الگوی حکمرانی و نفوذ
اهداف	حفظ برتری، مهار قدرت‌های مستقل، کاهش نفوذ، افزایش فشار
راهبردها	ترکیبی از فشار سیاسی، تحریم، جنگ شناختی، رسانه، نفوذ، ائتلاف و بازدارندگی
عرصه‌های دشمنی	سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی، امنیتی

فعالیت یادگیری

- یک نمونه واقعی از «جنگ شناختی» را شناسایی کنید و توضیح دهید چگونه بر ادراک مخاطب اثر می‌گذارد.
- چرا هدف اصلی راهبردهای سلطه «تغییر اراده» است، نه صرفاً «تحمیل هزینه»؟ این تمایز چه تأثیری بر طراحی پاسخ مقاومت دارد؟
- در کدام عرصه از عرصه‌های ششگانه، جامعه ما آسیب‌پذیرتر است؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید؟

خودارزیابی

- تفاوت «دشمن‌شناسی» و «دشمن‌پنداری» چیست؟
- چرا دشمنی با جمهوری اسلامی را «ساختاری» می‌دانیم، نه «مقطعی»؟
- چه رابطه‌ای میان «ساختار چندلایه قدرت» و «ترکیب راهبردها» وجود دارد؟

جمع‌بندی درس

دشمن‌شناسی بخشی از بصیرت راهبردی است. شناخت ساختار قدرت، اهداف، راهبردها و عرصه‌های دشمنی به جامعه کمک می‌کند تا تصمیم‌های خود را بر پایه واقع‌بینی، هوشیاری و تقویت توانمندی‌های

درونی اتخاذ کند. در این چارچوب، مقاومت تنها واکنش به یک تهدید نیست، بلکه راهبردی برای حفظ استقلال، هویت، امنیت و منافع ملی است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ دشمن‌شناسی مقدمه مقاومت آگاهانه است.
- ✚ قدرت‌های سلطه‌گر از ترکیبی از ابزارهای سخت، نیمه‌سخت و نرم استفاده می‌کنند.
- ✚ هدف اصلی، تغییر اراده، محاسبات و رفتار طرف مقابل است، نه صرفاً اعمال فشار.
- ✚ شناخت اهداف و راهبردهای دشمن، زمینه‌ساز افزایش هوشیاری و تقویت توانمندی‌های ملی است.
- ✚ مقاومت مؤثر نیازمند آمادگی در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی و دفاعی است.

ارتباط با درس بعد: شناخت ساختار و راهبردهای دشمن، این پرسش را مطرح می‌کند که قدرت ملی چیست و چگونه می‌توان آن را برای مقاومت مؤثر تقویت کرد؛ موضوعی که درس هفتم به آن می‌پردازد.

درس هفتم) صهیونیسم چیست؟

شناخت ماهیت، اهداف و تقابل با جمهوری اسلامی ایران

ارتباط با درس قبل:

درس ششم ساختار و راهبردهای کلان نظام سلطه را بررسی کرد. درس هفتم یکی از بازیگران کلیدی این شبکه در منطقه غرب آسیا، یعنی صهیونیسم و رژیم صهیونیستی، را به‌صورت مشخص و مصداقی تحلیل می‌کند.

سؤال محوری

صهیونیسم چیست، چه اهدافی را دنبال می‌کند و چرا جمهوری اسلامی ایران را یکی از مهم‌ترین موانع راهبردی خود می‌داند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم صهیونیسم را تبیین کند و آن را از دین یهود تفکیک نماید.
۲. ساختار و اهداف جریان صهیونیسم را بشناسد.

۳. روند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی را به‌صورت اجمالی توضیح دهد.
۴. علل تقابل رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران را تحلیل کند.
۵. رابطه میان صهیونیسم و ساختار کلان نظام سلطه (درس ششم) را توضیح دهد.

۱. صهیونیسم چیست؟

صهیونیسم، جریانی سیاسی، ایدئولوژیک و سازمان‌یافته است که در اواخر قرن نوزدهم با هدف ایجاد و تثبیت یک دولت یهودی در سرزمین فلسطین شکل گرفت. این جریان صرفاً یک اعتقاد دینی نیست، بلکه پروژه‌ای سیاسی، امنیتی و بین‌المللی است که برای تحقق اهداف خود از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و نظامی بهره می‌گیرد.

مفهوم	ماهیت	نکته مهم
دین یهود	باور دینی و اعتقادی	میلیون‌ها پیرو در سراسر جهان دارد و ربطی به پروژه سیاسی ندارد
صهیونیسم	جریان سیاسی و ایدئولوژیک	هدف آن تشکیل و تثبیت دولت یهودی در فلسطین است

اصل گفتمانی: نقد صهیونیسم، نقد یک پروژه سیاسی است، نه ستیز با یک دین یا قوم. این تفکیک برای دقت تحلیلی و پرهیز از هرگونه برداشت نادرست ضروری است.

۲. صهیونیسم؛ شکلی از نژادپرستی

صهیونیسم بر پایه برتری‌طلبی قومی و ادعای حق انحصاری بر سرزمین فلسطین شکل گرفته و زمینه‌ساز اشغال، تبعیض، کوچ اجباری و محروم‌سازی مردم فلسطین از حقوق اساسی خود بوده است. از این‌رو، در بسیاری از تحلیل‌های سیاسی و حقوقی بین‌المللی، این جریان به‌عنوان یکی از مصادیق نژادپرستی و تبعیض سازمان‌یافته شناخته می‌شود.

۳. ساختار شبکه صهیونیسم بین‌الملل

صهیونیسم تنها به رژیم صهیونیستی محدود نمی‌شود، بلکه شبکه‌ای فراملی از مراکز سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای، امنیتی و لابی‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

لایه	نقش
لابی‌های سیاسی	اثرگذاری بر تصمیمات دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی

شبکه‌های رسانه‌ای	جهت‌دهی به افکار عمومی جهانی درباره منطقه
مراکز اقتصادی و مالی	حمایت مالی و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی
نهادهای امنیتی	همکاری اطلاعاتی و امنیتی فراملی
رژیم صهیونیستی	بازوی اجرایی این شبکه در منطقه غرب آسیا

این ساختار نشان می‌دهد که تحلیل رژیم صهیونیستی، بدون توجه به شبکه حامی آن در سطح بین‌الملل، ناقص خواهد بود؛ ارتباطی که با «ساختار چندلایه قدرت» در درس ششم هم‌راستاست.

۴. شکل‌گیری رژیم صهیونیستی

با حمایت قدرت‌های سلطه‌گر، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، زمینه اشغال فلسطین و تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میلادی فراهم شد. این رژیم با اشغال سرزمین فلسطین، آوارگی گسترده مردم این سرزمین و استمرار سیاست توسعه‌طلبی، یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحران و بی‌ثباتی در غرب آسیا به شمار می‌رود.

۵. اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی

هدف	توضیح
تثبیت موجودیت	حفظ و تداوم موجودیت رژیم در منطقه
گسترش نفوذ	برتری راهبردی در معادلات غرب آسیا
توسعه‌طلبی سرزمینی	شعار «نیل تا فرات» به‌عنوان افق توسعه‌طلبانه
مقابله ایدئولوژیک	رویارویی با اسلام، جریان‌های اسلام‌گرا و محور مقاومت
جلوگیری از رقبای منطقه‌ای	ممانعت از شکل‌گیری قدرت‌های مستقل رقیب

۶. چرا رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران در تقابل است؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با نفی مشروعیت اشغال فلسطین، حمایت از ملت فلسطین و پشتیبانی از جبهه مقاومت، به مهم‌ترین مانع راهبردی در برابر اهداف منطقه‌ای رژیم صهیونیستی تبدیل شد.

زنجیره علی‌تقابل:

موضع‌گیری ایران علیه اشغالگری ← حمایت از فلسطین و جبهه مقاومت ← افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران
 ← به‌خطراتدن برتری راهبردی رژیم صهیونیستی ← تقابل همه‌جانبه

مهم‌ترین اهداف این تقابل عبارت‌اند از:

هدف تقابل	توضیح
تغییر رفتار	وادر کردن ایران به کاهش حمایت از مقاومت
تضعیف جبهه مقاومت	فروپاشی یا تضعیف شبکه حامیان فلسطین
کاهش نفوذ منطقه‌ای	محدودسازی نقش ایران در معادلات منطقه
تغییر نظام	هدف‌گذاری برای فروپاشی جمهوری اسلامی
ایجاد بی‌ثباتی داخلی	حمایت از جریان‌های تجزیه‌طلب و اخلاف‌گر

این ابعاد در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، رسانه‌ای و اطلاعاتی به‌طور هم‌زمان دنبال می‌شود.

فعالیت یادگیری

۱. تفاوت «دین یهود» و «صهیونیسم» را با یک مثال ساده برای مخاطب عام توضیح دهید.
۲. زنجیره علّی تقابل رژیم صهیونیستی با ایران را با کلمات خود بازنویسی کنید.
۳. ارتباط میان «شبکه صهیونیسم بین‌الملل» و «ساختار چندلایه قدرت سلطه» (درس ششم) را تحلیل کنید.

خودارزیابی

- چرا تفکیک میان دین یهود و صهیونیسم برای تحلیل دقیق اهمیت دارد؟
- چرا رژیم صهیونیستی را «بازوی اجرایی» شبکه‌ای فراملی می‌دانیم، نه یک بازیگر مستقل؟
- کدام یک از اهداف تقابل با ایران، ریشه در ماهیت ایدئولوژیک صهیونیسم دارد و کدام ریشه در محاسبات راهبردی منطقه‌ای؟

جمع‌بندی درس

صهیونیسم، جریانی سیاسی و ایدئولوژیک با اهداف توسعه‌طلبانه و سلطه‌جویانه است که با تشکیل رژیم صهیونیستی، پروژه خود را در سرزمین فلسطین دنبال کرده است. حفظ برتری راهبردی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و مقابله با هر قدرت مستقل، از مهم‌ترین اهداف این جریان به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران، به دلیل حمایت از آرمان فلسطین، پشتیبانی از جبهه مقاومت، مخالفت با اشغالگری و ایفای نقش فعال در منطقه، به یکی از اصلی‌ترین موانع تحقق این اهداف تبدیل شده و از همین رو، در کانون تقابل رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ صهیونیسم یک جریان سیاسی و ایدئولوژیک است، نه مترادف با دین یهود.
- ✚ رژیم صهیونیستی محصول پروژه سیاسی صهیونیسم در فلسطین و بازوی اجرایی یک شبکه فراملی است.
- ✚ توسعه طلبی، حفظ برتری منطقه‌ای و مقابله با جریان مقاومت، از اهداف اصلی رژیم صهیونیستی است.
- ✚ تقابل با جمهوری اسلامی ایران ریشه در تعارض اهداف و راهبردها دارد، نه اختلافات مقطعی.
- ✚ شناخت ماهیت و اهداف صهیونیسم، مقدمه فهم تحولات منطقه و چرایی استمرار این تقابل است.

ارتباط با درس بعد: پس از شناخت دشمن در سطح ساختاری (درس ششم) و مصداقی (درس هفتم)، پرسش بعدی این است که مقاومت در برابر این دشمنان چگونه سازمان‌دهی و راهبری می‌شود؛ موضوعی که درس هشتم به آن می‌پردازد.

درس هشتم) چرا با ایران دشمنی می‌کنند؟

تحلیل علل تقابل با جمهوری اسلامی ایران

ارتباط با درس قبل:

درس هفتم ماهیت، ساختار و اهداف صهیونیسم را بررسی کرد و نشان داد که این رژیم هر قدرت مستقل منطقه‌ای را مانع راهبردی خود می‌داند. درس هشتم این پرسش را دنبال می‌کند: چه ویژگی‌هایی در جمهوری اسلامی ایران موجب شده که در کانون این تقابل قرار گیرد؟

سؤال محوری

چرا جمهوری اسلامی ایران، از نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، همواره در معرض دشمنی، فشار و تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داشته است؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. علل اصلی تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران را تبیین کند.
۲. میان اختلاف سیاسی مقطعی و تقابل راهبردی ساختاری تفاوت قائل شود.
۳. اهداف دشمن از فشار بر جمهوری اسلامی ایران را تحلیل کند.
۴. ارتباط میان هویت، سیاست‌ها و نقش جمهوری اسلامی با استمرار این تقابل را توضیح دهد.

۵. رابطه میان درس‌های ششم، هفتم و هشتم را در یک چارچوب تحلیلی منسجم بیان کند.

۱. ماهیت تقابل؛ راهبردی یا مقطعی؟

تمایز کلیدی:

نوع تقابل	ویژگی	مثال
اختلاف سیاسی مقطعی	ناشی از یک رویداد یا موضوع خاص؛ با مذاکره قابل حل	اختلاف بر سر یک قرارداد تجاری
تقابل راهبردی ساختاری	ریشه در تعارض رویکردها، هویت و منافع کلان؛ با تغییر یک موضوع برطرف نمی‌شود	تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی

تقابل با جمهوری اسلامی ایران از نوع دوم است. ریشه آن در تعارض دو رویکرد متفاوت نسبت به قدرت، استقلال، هویت و نظم منطقه‌ای قرار دارد:

- جمهوری اسلامی: استقلال، نفی سلطه، دفاع از حقوق ملت‌ها، حمایت از فلسطین و جبهه مقاومت
- آمریکا و رژیم صهیونیستی: حفظ برتری، گسترش نفوذ، استمرار نظم مطلوب در منطقه

اصل گفتمانی: هرگاه یک ملت سلطه‌پذیری را نپذیرد و بر استقلال و هویت خود پای بفشارد، در معرض فشار و تقابل نظام سلطه قرار می‌گیرد.

۲. مهم‌ترین علل دشمنی با جمهوری اسلامی ایران

الف) استقلال و نفی سلطه

استقلال در تصمیم‌گیری و مخالفت با سلطه‌پذیری، از اساسی‌ترین ویژگی‌های جمهوری اسلامی است. این رویکرد، منافع قدرت‌هایی را که به دنبال حفظ نفوذ و برتری خود هستند با چالش روبه‌رو کرده است.

ب) مردم‌سالاری دینی و هویت انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی با اتکا به مردم و ارزش‌های دینی، الگوی متفاوتی از حکمرانی ارائه کرده است. موفقیت این الگو می‌تواند الهام‌بخش ملت‌های دیگر باشد و الگوهای وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر را به چالش بکشد.

ج) حمایت از ملت فلسطین و جبهه مقاومت

حمایت از مردم فلسطین، مخالفت با اشغالگری و پشتیبانی از جبهه مقاومت، از اصول ثابت سیاست جمهوری اسلامی است. این رویکرد مستقیماً با اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در تعارض قرار دارد.

د) نقش فعال منطقه‌ای

ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه غرب آسیا، حمایت از امنیت منطقه و مقابله با گسترش ناامنی، موازنه قدرت را تغییر داده و حساسیت قدرت‌های سلطه‌گر را برانگیخته است.

ه) ظرفیت تمدنی و الگوی مقاومت

گفتمان استقلال، عزت، مقاومت و عدالت‌خواهی، در کنار ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی ایران، الگویی از مقاومت شکل داده که فراتر از مرزهای ایران مورد توجه قرار گرفته است.

جمع‌بندی علل در یک نگاه:

استقلال و نفی سلطه



مردم‌سالاری دینی (الگوی الهام‌بخش)



حمایت از فلسطین و جبهه مقاومت



نقش فعال منطقه‌ای



ظرفیت تمدنی



تقابل راهبردی ساختاری

۳. اهداف دشمن از این تقابل

هدف	توضیح
مهار و محدودسازی	کاهش توان سیاسی، اقتصادی، علمی و دفاعی
تغییر رفتار	وادار کردن ایران به عقب‌نشینی از اصول
کاهش نفوذ منطقه‌ای	محدودسازی نقش ایران در معادلات منطقه
تضعیف جبهه مقاومت	قطع پیوندهای شبکه مقاومت

تغییر نظام	فشار برای فروپاشی جمهوری اسلامی
بی‌ثباتی داخلی	حمایت از جریان‌های تجزیه‌طلب، شکاف اجتماعی

این اهداف، اجزای یک راهبرد واحد برای کاهش قدرت و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند.

۴. نتیجه این تقابل

هرچه جمهوری اسلامی ایران بر اصول استقلال، نفی سلطه، حمایت از فلسطین و نقش‌آفرینی منطقه‌ای تأکید کرده، تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز ابعاد گسترده‌تری یافته است. این رابطه نشان می‌دهد که دشمنی با جمهوری اسلامی ایران، نتیجه مستقیم پایبندی به اصول است، نه ناشی از اشتباه یا ضعف.

برای امروز

شناخت ریشه‌های دشمنی، به معنای دشمن‌تراشی یا غفلت از دیپلماسی نیست؛ بلکه به ما کمک می‌کند:

- تحولات سیاسی و امنیتی را با نگاهی عمیق‌تر تحلیل کنیم.
- میان اختلافات مقطعی و تقابل‌های راهبردی تفاوت قائل شویم.
- در مواجهه با روایت‌ها و تحلیل‌های گوناگون، قدرت تشخیص و قضاوت آگاهانه‌تری داشته باشیم.

فعالیت یادگیری

۱. یک نمونه از «اختلاف سیاسی مقطعی» و یک نمونه از «تقابل راهبردی ساختاری» در تاریخ معاصر بیابید و تفاوت آن‌ها را توضیح دهید.
۲. چرا «موفقیت الگوی مردم‌سالاری دینی» برای قدرت‌های سلطه‌گر تهدید محسوب می‌شود؟
۳. رابطه میان «علل دشمنی» در این درس و «اهداف تقابل» در درس هفتم را تحلیل کنید.

خودارزیابی

- تفاوت «اختلاف سیاسی» و «تقابل راهبردی» چیست؟
- کدام یک از پنج علل دشمنی، ریشه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین است؟ چرا؟
- چرا پایبندی به اصول، تقابل را افزایش می‌دهد؟ آیا این به معنای اشتباه در سیاست‌گذاری است؟

جمع‌بندی درس

تقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران، ریشه در تعارض راهبردی میان دو رویکرد متفاوت دارد. استقلال، نفی سلطه، مردم‌سالاری دینی، حمایت از ملت فلسطین و جبهه مقاومت، نقش فعال

منطقه‌ای و ظرفیت تمدنی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین عواملی هستند که جمهوری اسلامی ایران را در کانون این تقابل قرار داده‌اند. در مقابل، راهبرد مهار قدرت ایران، کاهش نفوذ منطقه‌ای، تضعیف جبهه مقاومت و ایجاد فشار برای تغییر رفتار یا ساختار نظام، محور اصلی اقدامات دشمن را تشکیل می‌دهد.

پیام‌های کلیدی

- ✚ تقابل با جمهوری اسلامی ایران، ماهیتی راهبردی و فراتر از اختلافات مقطعی دارد.
- ✚ استقلال و نفی سلطه، از مهم‌ترین عوامل این تقابل است.
- ✚ حمایت از فلسطین و جبهه مقاومت، جمهوری اسلامی را در برابر اهداف رژیم صهیونیستی قرار داده است.
- ✚ نقش منطقه‌ای و ظرفیت تمدنی ایران، بر اهمیت این تقابل افزوده است.
- ✚ شناخت ریشه‌های دشمنی، مقدمه تحلیل صحیح تحولات منطقه و جهان است.

ارتباط با درس بعد: پس از شناخت دشمن و علل دشمنی، پرسش بعدی این است که جمهوری اسلامی ایران برای مقاومت مؤثر در برابر این تقابل، چه قدرت ملی و چه ظرفیت‌هایی را باید تقویت کند؛ موضوعی که درس نهم به آن می‌پردازد.

درس نهم) چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در هندسه نظم جدید جهان

ارتباط با درس قبل:

درس هشتم روشن کرد که دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران، ریشه در یک تقابل راهبردی دارد، نه اختلافات مقطعی سیاسی. درس نهم این پرسش را دنبال می‌کند: چه ظرفیت‌ها و ویژگی‌هایی، ایران را در جایگاهی قرار داده که چنین تقابل راهبردی گسترده‌ای را برمی‌انگیزد؟

سؤال محوری

چه عواملی موجب شده است که جمهوری اسلامی ایران به یکی از بازیگران اثرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود و در کانون توجه، رقابت و تقابل قدرت‌های بزرگ قرار گیرد؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم ژئوپلیتیک را تعریف کند و نقش آن در قدرت کشورها را با مثال توضیح دهد.
۲. جایگاه راهبردی ایران در منطقه غرب آسیا را با استناد به مؤلفه‌های مشخص تبیین کند.
۳. نقش انقلاب اسلامی در تبدیل «ظرفیت جغرافیایی» به «قدرت راهبردی» را تحلیل کند.
۴. مفهوم ژئوپلیتیک مقاومت را تعریف و با یک مصداق توضیح دهد.
۵. رابطه میان علل دشمنی (درس هشتم) و مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران (درس نهم) را توضیح دهد.

۱. ژئوپلیتیک؛ نقش جغرافیا در قدرت کشورها

تعریف: ژئوپلیتیک دانشی است که تأثیر موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، راه‌های ارتباطی، جمعیت و محیط پیرامونی را بر قدرت، امنیت و سیاست کشورها بررسی می‌کند.

در منطق ژئوپلیتیک، قدرت تنها به توان نظامی یا اقتصادی محدود نیست؛ جایگاه سرزمینی و موقعیت راهبردی نیز در شکل‌دهی به قدرت ملی نقش تعیین‌کننده دارد. کشورهایی که در گره‌گاه‌های مهم جغرافیایی قرار دارند، نقشی فراتر از مرزهای خود در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کنند.

مثال: ترکیه به دلیل قرارگیری میان اروپا و آسیا، یا مصر به دلیل کنترل کانال سوئز، از جایگاه ژئوپلیتیکی برخوردارند؛ اما این جایگاه، تنها زمانی به قدرت راهبردی واقعی تبدیل می‌شود که با اراده سیاسی و کنشگری فعال همراه شود.

اصل گفتمانی: جغرافیا زمینه‌ساز قدرت است، اما زمانی به قدرت راهبردی تبدیل می‌شود که با اراده، هویت و کنشگری یک ملت پیوند بخورد.

۲. چرا منطقه غرب آسیا اهمیت راهبردی دارد؟

عامل	توضیح
موقعیت اتصالی	تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا
منابع انرژی	بخش مهمی از ذخایر نفت و گاز جهان
آبراه‌های حیاتی	گلوگاه‌های تجارت و انرژی جهانی
اهمیت امنیتی	نقش تعیین‌کننده در معادلات امنیت بین‌المللی
نقش‌آفرینی چندبعدی	اثرگذاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر جهان

هر کشوری که در این منطقه از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار باشد، بر معادلات جهانی نیز اثرگذار خواهد بود.

۳. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران

توضیح	بُعد
اتصال شرق-غرب و شمال-جنوب؛ یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیتی منطقه	چهارراه ارتباطی
حضور در خلیج فارس و دریای عمان، اشراف بر تنگه هرمز	آبراه‌های راهبردی
وسعت سرزمین، منابع انرژی، جمعیت جوان، توان علمی، صنعتی و دفاعی	منابع و ظرفیت ملی
تمدن کهن، فرهنگ غنی، هویت تاریخی ریشه‌دار و نفوذ فرهنگی	پیشینه تاریخی و تمدنی

۴. انقلاب اسلامی؛ عامل تحول در جایگاه راهبردی ایران

موقعیت جغرافیایی ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز وجود داشت، اما این جغرافیا به‌تنهایی ایران را به قدرت راهبردی امروز تبدیل نکرده بود. پیروزی انقلاب اسلامی، این ظرفیت جغرافیایی را با یک گفتمان جدید پیوند داد:

استقلال و نفی سلطه ← مردم‌سالاری دینی ← حمایت از ملت‌های مظلوم ← دفاع از آرمان فلسطین ← پشتیبانی از جبهه مقاومت ← عدالت‌خواهی و استکبارستیزی ← حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی

همین پیوند میان ژئوپلیتیک و گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به بازیگری فراتر از یک قدرت صرفاً جغرافیایی تبدیل کرده است؛ و دقیقاً همین پیوند است که در درس هشتم، به‌عنوان ریشه تقابل راهبردی آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران شناسایی شد.

۵. ایران و هندسه نظم جدید جهان

نظام بین‌الملل در حال گذار از نظم گذشته به ترتیباتی جدید است. ایران با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های ملی و گفتمان انقلاب اسلامی، در این ابعاد نقش‌آفرینی می‌کند:

- تقویت همکاری‌های منطقه‌ای
- توسعه پیوند با قدرت‌های نوظهور
- ایفای نقش فعال در تحولات غرب آسیا
- حمایت از امنیت منطقه‌ای
- مشارکت در شکل‌دهی به ترتیبات جدید سیاسی و اقتصادی

۶. ژئوپلیتیک مقاومت

تعریف: ژئوپلیتیک مقاومت، به نقش شبکه‌ای از ملت‌ها، دولت‌ها و جریان‌های هم‌سو اشاره دارد که فراتر از مرزهای جغرافیایی رسمی، در دفاع از استقلال، مقابله با سلطه و حمایت از ملت‌های مظلوم با یکدیگر پیوند می‌خورند.

در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر موقعیت ممتاز جغرافیایی، با اتکا به ظرفیت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و راهبردی، در شکل‌دهی به معادلات منطقه‌ای نقش‌آفرینی می‌کند. این بُعد از قدرت ایران، برخلاف قدرت نظامی یا اقتصادی صرف، بر پایه هم‌سویی گفتمانی و ارزشی با جریان‌های مقاومت در منطقه شکل گرفته است.

۷. چرا ایران یک قدرت راهبردی است؟ (جمع‌بندی مؤلفه‌ها)

مؤلفه	نقش در قدرت راهبردی ایران
موقعیت ژئوپلیتیکی	قرارگیری در قلب غرب آسیا و گره‌گاه ارتباطی جهان
منابع و ظرفیت‌های ملی	توان اقتصادی، علمی، دفاعی و امنیتی
پیشینه تاریخی و تمدنی	هویت و نفوذ فرهنگی
گفتمان انقلاب اسلامی	استقلال، نفی سلطه، عدالت‌خواهی، مردم‌سالاری دینی
حمایت از جبهه مقاومت	عمق راهبردی و نقش منطقه‌ای
کنشگری فعال در نظم جدید	مشارکت در شکل‌دهی معادلات آینده منطقه

جمع‌بندی مؤلفه‌ها: جغرافیا (زمینه) + ظرفیت ملی (توان) + هویت تمدنی (عمق) + گفتمان انقلاب (جهت‌گیری) + کنشگری (اقدام) = قدرت راهبردی

فعالیت یادگیری

- یک کشور دیگر با موقعیت ژئوپلیتیکی مهم را مثال بزنید و توضیح دهید چرا آن کشور به «قدرت راهبردی» به معنای مطرح‌شده در این درس تبدیل نشده است.
- رابطه میان «ژئوپلیتیک مقاومت» و «جبهه مقاومت» (که در درس‌های قبل مطرح شد) را توضیح دهید.
- توضیح دهید چگونه مؤلفه‌های جدول بخش ۷ می‌توانند توضیح‌دهنده علل دشمنی مطرح‌شده در درس هشتم باشند.

خودارزیابی

- چرا جغرافیا به‌تنهایی برای تبدیل شدن به قدرت راهبردی کافی نیست؟
- تفاوت «ژئوپلیتیک» و «ژئوپلیتیک مقاومت» در چیست؟

- کدام مؤلفه از جدول قدرت راهبردی ایران، بیشترین نقش را در تقابل راهبردی معرفی شده در درس هشتم دارد؟

جمع‌بندی درس

جمهوری اسلامی ایران تنها به دلیل موقعیت جغرافیایی خود اهمیت نیافته است. موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، منابع و ظرفیت‌های ملی، پیشینه تاریخی و تمدنی، و مهم‌تر از همه، گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر استقلال، نفی سلطه، حمایت از ملت‌های مظلوم و پشتیبانی از جبهه مقاومت، جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای و جهانی دگرگون کرده است. پیوند این مؤلفه‌ها، ایران را به قدرتی راهبردی و بازیگری اثرگذار در هندسه نظم در حال گذار جهان تبدیل کرده است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ ژئوپلیتیک، زمینه قدرت است؛ اما گفتمان و کنشگری، آن را به قدرت راهبردی تبدیل می‌کند.
- ✚ ایران به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی، یکی از مهم‌ترین کشورهای غرب آسیاست.
- ✚ انقلاب اسلامی، ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران را با گفتمان استقلال، مقاومت و عدالت‌خواهی پیوند داد.
- ✚ ژئوپلیتیک مقاومت، یکی از ابعاد مهم نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است.
- ✚ اهمیت ایران، نتیجه هم‌افزایی جغرافیا، ظرفیت‌های ملی، هویت تمدنی و گفتمان انقلاب اسلامی است.

ارتباط با درس بعد: پس از شناخت جایگاه ژئوپلیتیکی و راهبردی ایران، پرسش بعدی این است که این ظرفیت‌ها چگونه باید سازمان‌دهی، مدیریت و راهبری شوند تا به قدرت ملی مؤثر و پایدار تبدیل گردند.

برای امروز

شناخت جایگاه راهبردی ایران، به ما کمک می‌کند تا تحولات منطقه و جهان را تنها از منظر جغرافیا یا سیاست روز تحلیل نکنیم، بلکه پیوند میان جغرافیا، قدرت، هویت، گفتمان و کنشگری را در شکل‌گیری نقش جمهوری اسلامی ایران در نظم در حال گذار جهان درک کنیم.

درس دهم) دشمن چگونه با ایران مقابله می‌کند؟

راهبردها و ابزارهای تقابل با جمهوری اسلامی ایران

ارتباط با درس قبل:

درس نهم نشان داد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های ملی، گفتمان انقلاب اسلامی و نقش‌آفرینی در جبهه مقاومت، به یک قدرت راهبردی تبدیل شده است. درس دهم این پرسش را دنبال می‌کند: در برابر چنین قدرتی، دشمن از چه ابزارهایی برای مهار آن استفاده می‌کند؟

سؤال محوری

قدرت‌های سلطه‌گر برای مهار جمهوری اسلامی ایران از چه راهبردها و ابزارهایی استفاده می‌کنند و چرا شیوه‌های تقابل آنان در طول زمان تغییر کرده است؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. اهداف کلی دشمن در تقابل با جمهوری اسلامی ایران را بیان کند.
۲. مهم‌ترین راهبردها و ابزارهای دشمن را با ذکر تفاوت هر یک بشناسد.
۳. تحول روش‌های تقابل از جنگ سخت به جنگ نرم و شناختی را تحلیل کند.
۴. جایگاه جنگ شناختی را در منظومه تقابل دشمن تبیین کند.
۵. رابطه میان قدرت راهبردی ایران (درس نهم) و گستردگی ابزارهای تقابل دشمن (درس دهم) را توضیح دهد.

۱. هدف نهایی دشمن چیست؟

هدف اصلی دشمن، مهار و تضعیف جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از افزایش قدرت و اثرگذاری آن در منطقه و جهان است. این هدف از طریق مجموعه‌ای از اقدامات دنبال می‌شود:

هدف فرعی	توضیح
مهار قدرت ملی	جلوگیری از رشد توان اقتصادی، علمی و دفاعی
تغییر رفتار	وادار کردن ایران به عقب‌نشینی از اصول و سیاست‌ها
کاهش نفوذ منطقه‌ای	محدودسازی نقش ایران در معادلات منطقه
تضعیف جبهه مقاومت	قطع پیوندهای شبکه مقاومت
بی‌ثباتی داخلی	ایجاد شکاف اجتماعی و حمایت از جریان‌های اخلال‌گر
تغییر نظام	زمینه‌سازی برای فروپاشی جمهوری اسلامی
جلوگیری از الگوسازی	ممانعت از شکل‌گیری الگوی موفق مقاومت و استقلال

این اهداف، تداوم مستقیم علل و اهداف تقابلی است که در درس هشتم بررسی شد؛ تفاوت درس دهم آن است که به جای «چرا»، به «چگونه» می‌پردازد.

۲. تحول راهبردهای تقابل

تقابل با جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته، متناسب با شرایط و نتایج به دست آمده، دستخوش تغییر و تکامل شده است. هرگاه یک شیوه به نتیجه مطلوب نرسیده، شیوه‌های دیگری جایگزین یا به آن افزوده شده است.

جنگ سخت (دهه ۱۳۶۰)



جنگ نیمه‌سخت و امنیتی



تحریم و فشار اقتصادی



عملیات رسانه‌ای و جنگ نرم



جنگ شناختی (دوران معاصر)

امروز این ابزارها به‌طور هم‌زمان و در قالب جنگ ترکیبی به کار گرفته می‌شوند، نه به‌صورت جداگانه یا متوالی.

۳. ابزارهای اصلی تقابل

ابزار	تعریف مختصر	هدف اصلی
جنگ سخت	به‌کارگیری قدرت نظامی و تهدید مستقیم	تضعیف توان دفاعی و امنیتی
جنگ نیمه‌سخت	خرابکاری، ترور، جنگ نیابتی، حمایت از معارضان مسلح	فرسایش توان کشور، افزایش هزینه امنیتی
تحریم اقتصادی	فشار مالی و تجاری	کاهش تاب‌آوری ملی، نارضایتی معیشتی

عملیات رسانه‌ای	روایت‌سازی و جهت‌دهی افکار عمومی از طریق رسانه	تغییر برداشت جامعه از واقعیت
جنگ نرم	اثرگذاری بر فرهنگ، ارزش‌ها و هویت جامعه	تغییر تدریجی سبک زندگی و نگرش‌ها
عملیات روانی	انتشار پیام برای ایجاد ترس، یأس و بی‌اعتمادی	تضعیف روحیه و اعتماد اجتماعی
جنگ شناختی	هدف قراردادن ذهن، ادراک و تصمیم‌گیری از طریق داده و فناوری	تغییر شیوه اندیشیدن و انتخاب بدون اجبار مستقیم

تفاوت کلیدی جنگ نرم و جنگ شناختی: جنگ نرم بر تغییر تدریجی فرهنگ و ارزش‌ها در بلندمدت تمرکز دارد؛ جنگ شناختی مستقیماً فرایند ادراک و تصمیم‌گیری لحظه‌ای فرد را هدف می‌گیرد و اغلب از داده، الگوریتم و فضای مجازی بهره می‌برد.

۴. منظومه جنگ ترکیبی

امروزه این ابزارها به صورت جداگانه به کار گرفته نمی‌شوند، بلکه در قالب جنگ ترکیبی یکدیگر را تکمیل می‌کنند:

ابزار	هدف اصلی
جنگ سخت	تضعیف توان نظامی
جنگ نیمه‌سخت	فرسایش امنیت و ایجاد بی‌ثباتی
تحریم اقتصادی	فشار بر اقتصاد و معیشت
عملیات رسانه‌ای	تغییر روایت و جهت‌دهی افکار عمومی
جنگ نرم	تغییر فرهنگ و ارزش‌ها
عملیات روانی	ایجاد ترس، ناامیدی و بی‌اعتمادی
جنگ شناختی	تغییر ادراک، محاسبات و تصمیم‌ها
نفوذ	اثرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

۵. چرا جنگ شناختی به مهم‌ترین ابزار تبدیل شده است؟

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که جنگ نظامی، تحریم، فشار سیاسی و اقدامات امنیتی، به تنهایی نتوانسته‌اند اهداف نهایی دشمن را محقق سازند. از این رو، تمرکز اصلی به تدریج از «تغییر محیط» به «تغییر ذهن» منتقل شده است.

در جنگ شناختی، تلاش می‌شود:

- واقعیت‌ها به گونه‌ای دیگر دیده شوند؛
- محاسبات افراد تغییر کند؛
- امید به یأس تبدیل شود؛
- اعتماد اجتماعی کاهش یابد؛
- اراده مقاومت تضعیف شود؛
- تصمیم‌های جامعه در مسیری قرار گیرد که مطلوب دشمن است.

به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران، جنگ شناختی را پیچیده‌ترین و اثرگذارترین مرحله تقابل در عصر حاضر می‌دانند.

فعالیت یادگیری

۱. یک نمونه واقعی از عملیات رسانه‌ای یا جنگ شناختی که در فضای مجازی مشاهده کرده‌اید را توصیف کنید و تحلیل کنید هدف آن کدام یک از موارد بخش ۵ بوده است.
۲. تفاوت «جنگ نرم» و «جنگ شناختی» را با یک مثال ملموس توضیح دهید.
۳. رابطه میان قدرت راهبردی ایران (درس نهم) و تنوع ابزارهای تقابل دشمن (این درس) را تحلیل کنید؛ چرا هرچه قدرت ایران بیشتر شود، ابزارهای دشمن متنوع‌تر می‌شود؟

خودارزیابی

- چرا دشمن از یک ابزار واحد به سمت «جنگ ترکیبی» حرکت کرده است؟
- جنگ شناختی چه تفاوت بنیادینی با سایر ابزارهای تقابل دارد؟
- شما به عنوان یک فرد، در برابر کدام یک از این ابزارها بیشتر آسیب پذیرید؟ چرا؟

جمع‌بندی درس

تقابل با جمهوری اسلامی ایران، تنها به عرصه نظامی محدود نیست، بلکه مجموعه‌ای از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای، فرهنگی و شناختی را در بر می‌گیرد. این ابزارها به صورت هماهنگ و مکمل، در قالب جنگ ترکیبی به کار گرفته می‌شوند تا قدرت ملی، انسجام اجتماعی، اراده عمومی و نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کنند. در این میان، جنگ شناختی به دلیل تمرکز بر ذهن، ادراک و تصمیم‌گیری انسان، به مهم‌ترین ابزار تقابل در سال‌های اخیر تبدیل شده است.

پیام‌های کلیدی

- 🚩 هدف اصلی دشمن، مهار قدرت و کاهش اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران است.
- 🚩 ابزارهای تقابل، از جنگ سخت تا جنگ شناختی، یک منظومه به هم پیوسته را تشکیل می دهند.
- 🚩 جنگ ترکیبی، استفاده همزمان از ابزارهای نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، فرهنگی و شناختی است.
- 🚩 جنگ شناختی، ذهن و اراده انسان را هدف قرار می دهد، نه صرفاً سرزمین یا تجهیزات.
- 🚩 شناخت ابزارهای تقابل، نخستین گام برای افزایش بصیرت، مصونیت و آمادگی در برابر تهدیدهاست.

ارتباط با درس بعد: پس از شناخت ابزارهای تقابل دشمن، پرسش بعدی این است که جامعه و افراد چگونه می توانند در برابر این ابزارها، به ویژه جنگ شناختی و جنگ نرم، تاب آوری و مصونیت خود را تقویت کنند.

برای امروز

در میدان تقابل امروز، هر فرد می تواند هم هدف عملیات شناختی باشد و هم کنشگر آگاه در حفظ حقیقت، تقویت امید، افزایش بصیرت و جلوگیری از گسترش روایت های نادرست. شناخت ابزارهای دشمن، زمینه ساز انتخاب آگاهانه و تقویت تاب آوری فردی و اجتماعی است.

درس یازدهم) جنگ شناختی چگونه عمل می کند؟

از تغییر باور تا تغییر رفتار

ارتباط با درس قبل:

درس دهم نشان داد که دشمن برای مهار جمهوری اسلامی ایران، از مجموعه ای از ابزارهای نظامی، امنیتی، اقتصادی، رسانه ای و فرهنگی به صورت همزمان بهره می گیرد و در سال های اخیر، جنگ شناختی به مهم ترین ابزار این تقابل تبدیل شده است. درس یازدهم این پرسش را دنبال می کند: جنگ شناختی دقیقاً چیست و از چه سازوکاری برای اثرگذاری بر ذهن انسان بهره می گیرد؟

سؤال محوری

چرا در عصر حاضر، ذهن و ادراک انسان به مهم ترین میدان نبرد تبدیل شده است و جنگ شناختی چگونه باورها، تصمیم ها و رفتار افراد و جوامع را تحت تأثیر قرار می دهد؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم جنگ شناختی را با ذکر ویژگی های اصلی آن تعریف کند.

۲. تفاوت جنگ سخت، جنگ نرم و جنگ شناختی را با استناد به میدان و هدف هر یک بیان کند.
۳. مراحل زنجیره اثرگذاری جنگ شناختی بر ذهن انسان را به ترتیب توضیح دهد.
۴. هدف نهایی جنگ شناختی را با ذکر مصداق تبیین کند.
۵. دلایل خطرناک بودن جنگ شناختی نسبت به سایر ابزارهای تقابل را تحلیل کند.
۶. راهکارهای اولیه مصونیت شناختی را در زندگی روزمره به کار گیرد.

۱. جنگ شناختی چیست؟

جنگ شناختی، نوعی رویارویی سازمان یافته است که به جای هدف قرار دادن سرزمین، تجهیزات یا حتی صرفاً فرهنگ، ذهن، ادراک، قضاوت، محاسبات، تصمیم گیری و اراده انسان را هدف قرار می دهد.

در این نوع جنگ، تلاش می شود انسان جهان را آن گونه ببیند که طراح جنگ می خواهد، نه آن گونه که واقعیت است. بنابراین، میدان اصلی نبرد در جنگ شناختی، ذهن انسان است.

اصل گفتمانی: هر کس بتواند ادراک انسان را تغییر دهد، می تواند رفتار او را نیز تغییر دهد.

مثال ملموس: انتشار گسترده تصاویر و روایت های گزینش شده درباره یک رویداد، بدون دروغ گفتن صریح، می تواند برداشت مخاطب از واقعیت را کاملاً تغییر دهد؛ همین تغییر برداشت، بدون هیچ اجباری، مسیر تصمیم گیری او را عوض می کند.

۲. تفاوت جنگ سخت، جنگ نرم و جنگ شناختی

هر سه نوع جنگ با هدف اثرگذاری بر طرف مقابل انجام می شوند، اما میدان و شیوه عمل آن ها متفاوت است.

نوع جنگ	میدان اصلی	ابزار غالب	هدف	افق زمانی
جنگ سخت	سرزمین، تجهیزات و نیروها	سلاح، عملیات نظامی	شکست نظامی	کوتاه مدت
جنگ نرم	فرهنگ، ارزش ها و هویت	آموزش، هنر، رسانه فرهنگی	تغییر نگرش و سبک زندگی	بلند مدت
جنگ شناختی	ذهن، ادراک، محاسبات و اراده	داده، الگوریتم، روایت هدفمند	تغییر تصمیم و رفتار	کوتاه مدت تا بلند مدت هم زمان

در جنگ شناختی، دشمن می کوشد بدون درگیری مستقیم، محاسبات افراد و جامعه را تغییر دهد تا تصمیم هایی اتخاذ شود که در راستای اهداف او باشد.

نکته تمایزی: جنگ نرم زمینه فرهنگی بلندمدت را می‌سازد؛ جنگ شناختی از این زمینه برای اثرگذاری آنی و مستقیم بر یک تصمیم یا قضاوت مشخص بهره می‌برد. این دو اغلب هم‌افزا عمل می‌کنند، نه جدا از هم.

۳. مبانی نظری جنگ شناختی

جنگ شناختی بر این واقعیت استوار است که رفتار انسان، نتیجه مستقیم ادراک و برداشت او از واقعیت است. اگر ادراک تغییر کند، تصمیم و رفتار نیز تغییر خواهد کرد.

طراحان جنگ شناختی از یافته‌های علوم مختلف برای اثرگذاری بر ذهن انسان بهره می‌گیرند:

علم	کاربرد در جنگ شناختی
علوم شناختی	شناخت سازوکار ادراک، حافظه، توجه و تصمیم‌گیری
روان‌شناسی	شناخت احساسات، انگیزه‌ها و رفتار انسان
جامعه‌شناسی	تحلیل رفتارهای جمعی و شبکه‌های اجتماعی
مطالعات فرهنگی	شناسایی ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای اثرگذاری بر افکار عمومی

۴. جنگ شناختی چگونه عمل می‌کند؟ (زنجیره اثرگذاری)

جنگ شناختی معمولاً به صورت تدریجی و لایه‌به‌لایه عمل می‌کند:

اطلاعات و روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار

مرحله	توضیح	مثال کاربردی
اطلاعات و روایت	تولید و انتشار محتوای گزینش شده یا هدفمند	تکرار یک قاب خاص از یک خبر در شبکه‌های اجتماعی
ادراک	شکل‌گیری برداشت ذهنی مخاطب از واقعیت	مخاطب رویداد را «همان‌گونه که روایت شده» می‌بیند، نه آن‌گونه که واقعاً رخ داده
احساس	اثرگذاری بر عواطف (ترس، ناامیدی، خشم، بی‌اعتمادی)	احساس ناامنی یا بی‌اعتمادی نسبت به یک نهاد
محاسبه	تغییر در ارزیابی هزینه-فایده و قضاوت فرد	«ادامه ایستادگی بی‌فایده است»
تصمیم	انتخاب یک مسیر رفتاری معین	کاهش مشارکت اجتماعی یا حمایت
رفتار	بروز عملی تصمیم	عقب‌نشینی، سکوت، یا حتی اقدام مخالف

نکته کلیدی: تغییر رفتار، آخرین حلقه این زنجیره است، نه نخستین آن. به همین دلیل، مقابله مؤثر با جنگ شناختی باید در لایه‌های اولیه زنجیره (اطلاعات، ادراک) صورت گیرد، نه تنها در لحظه بروز رفتار.

۵. هدف نهایی جنگ شناختی

هدف نهایی جنگ شناختی، صرفاً تغییر یک عقیده یا انتشار یک خبر نیست؛ بلکه تغییر پایدار در شیوه اندیشیدن، قضاوت، انتخاب و رفتار فرد و جامعه است.

در این چارچوب، دشمن می‌کوشد:

از	به
اعتماد	بی‌اعتمادی
امید	ناامیدی
وحدت	اختلاف
اراده مقاومت	تضعیف اراده
قدرت تحلیل	کاهش قدرت تحلیل
محاسبات مستقل جامعه	محاسبات همسو با اهداف دشمن

در چنین شرایطی، ممکن است افراد یا جوامع، بدون اجبار مستقیم، تصمیم‌هایی بگیرند که در راستای خواست دشمن باشد.

۶. چرا جنگ شناختی خطرناک است؟

ویژگی مهم جنگ شناختی آن است که معمولاً با زور و اجبار همراه نیست و بسیاری از مخاطبان، از قرار گرفتن در معرض آن آگاه نمی‌شوند. این جنگ:

- آرام و تدریجی است؛
- بر ذهن و باور انسان اثر می‌گذارد؛
- از رسانه‌ها، فضای مجازی و فناوری‌های نوین بهره می‌گیرد؛
- مرز جغرافیایی نمی‌شناسد؛
- می‌تواند هم‌زمان میلیون‌ها نفر را هدف قرار دهد.

به همین دلیل، شناخت این نوع جنگ، نخستین گام در افزایش مصونیت فردی و اجتماعی است.

نقشه مفهومی درسی

روایت‌سازی



تغییر ادراک



تغییر احساس



تغییر محاسبه



تغییر تصمیم



تغییر رفتار

فعالیت یادگیری

۱. یک روایت یا محتوای رسانه‌ای که در فضای مجازی مشاهده کرده‌اید را انتخاب کنید و زنجیره «اطلاعات ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار» را روی آن پیاده‌سازی کنید.
۲. توضیح دهید چرا مقابله در مرحله «ادراک» مؤثرتر از مقابله در مرحله «رفتار» است.
۳. یک راهکار عملی برای راستی‌آزمایی اطلاعات پیش از پذیرش یک روایت رسانه‌ای پیشنهاد دهید.

خودارزیابی

- چرا جنگ شناختی را «پیچیده‌ترین شکل تقابل در عصر حاضر» می‌دانند؟
- تفاوت اصلی جنگ نرم و جنگ شناختی در میدان و افق زمانی اثرگذاری چیست؟
- کدام مرحله از زنجیره اثرگذاری جنگ شناختی، بیشترین آسیب‌پذیری شما را دارد؟ چرا؟

جمع‌بندی درس

جنگ شناختی، پیشرفته‌ترین شکل تقابل در عصر حاضر است که به جای هدف قرار دادن سرزمین یا تجهیزات، ذهن، ادراک، محاسبات و اراده انسان را هدف قرار می‌دهد. این جنگ با بهره‌گیری از دانش‌های

شناختی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فناوری‌های نوین، تلاش می‌کند برداشت افراد از واقعیت را از طریق زنجیره «اطلاعات ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار» تغییر دهد. از این‌رو، شناخت سازوکارهای جنگ شناختی، شرط لازم برای حفظ قدرت تحلیل، بصیرت و تصمیم‌گیری آگاهانه است.

پیام‌های کلیدی

- جنگ شناختی، نبرد بر سر ذهن و ادراک انسان است.
- هدف نهایی آن، تغییر تصمیم و رفتار از طریق تغییر ادراک و محاسبه است.
- این جنگ از یافته‌های علوم شناختی، روان‌شناسی و رسانه بهره می‌گیرد.
- تغییر رفتار، نتیجه تغییر تدریجی ادراک و محاسبات است، نه اولین گام آن.
- شناخت جنگ شناختی، نخستین گام در ایجاد مصونیت شناختی و تقویت قدرت تحلیل است.

ارتباط با درس بعد: پس از شناخت سازوکار جنگ شناختی، پرسش بعدی این است که چگونه می‌توان در برابر این نوع جنگ، تاب‌آوری فردی و اجتماعی، سواد رسانه‌ای و مصونیت شناختی را در عمل تقویت کرد.

برای امروز

در عصر رسانه و فضای مجازی، هر فرد روزانه با حجم انبوهی از اطلاعات، تصاویر و روایت‌ها روبه‌رو است. توانایی تفکر نقادانه، راستی‌آزمایی اطلاعات، تحلیل دقیق و تصمیم‌گیری آگاهانه، از مهم‌ترین عوامل حفظ استقلال فکری و افزایش تاب‌آوری شناختی در برابر این نوع جنگ به شمار می‌آید.

درس دوازدهم) عملیات روانی و مدیریت ادراک

مهندسی افکار عمومی در میدان جنگ شناختی

ارتباط با درس قبل:

درس یازدهم نشان داد که جنگ شناختی از طریق زنجیره «اطلاعات و روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار» عمل می‌کند. درس دوازدهم این پرسش را دنبال می‌کند: دشمن از چه ابزارها و روش‌های مشخصی برای اجرای این زنجیره و هدایت افکار عمومی استفاده می‌کند؟

سؤال محوری

اگر جنگ شناختی ذهن انسان را هدف قرار می‌دهد، این هدف چگونه محقق می‌شود؟ عملیات روانی و مدیریت ادراک چگونه افکار عمومی را جهت‌دهی می‌کنند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم افکار عمومی و فرایند شکل‌گیری آن را توضیح دهد.
۲. عملیات روانی و مدیریت ادراک را از یکدیگر تفکیک کند.
۳. مهم‌ترین روش‌های عملیات روانی و مدیریت ادراک را با مثال بشناسد.
۴. هدف نهایی مهندسی افکار عمومی را تبیین کند.
۵. راهکارهای عملی افزایش مصونیت شناختی را در زندگی روزمره به کار گیرد.

۱. افکار عمومی چیست؟

افکار عمومی، مجموعه برداشت‌ها، قضاوت‌ها، احساسات و باورهایی است که بخش قابل توجهی از افراد جامعه درباره یک موضوع، رویداد یا مسئله پیدا می‌کنند.

افکار عمومی تنها حاصل اطلاعات نیست؛ بلکه از ترکیب اطلاعات، تجربه، فرهنگ، باورها، هیجانات و روایت‌هایی که افراد دریافت می‌کنند شکل می‌گیرد.

اصل گفتمانی: در جنگ شناختی، آنچه مردم از واقعیت می‌فهمند، گاه از خود واقعیت اثرگذارتر است.

۲. تفاوت عملیات روانی و مدیریت ادراک

این دو مفهوم اغلب با هم به کار می‌روند، اما تمایز مهمی دارند:

مدیریت ادراک	عملیات روانی	
فرایند جهت‌دهی به برداشت مخاطب از واقعیت	مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی‌شده برای اثرگذاری بر احساسات، نگرش‌ها و رفتار	تعریف
تغییر تفسیر و قضاوت	تغییر احساس و انگیزه	هدف اصلی
برجسته‌سازی، پنهان‌سازی، چارچوب‌بندی	ایجاد ترس، امید، خشم یا ناامیدی	شیوه عمل
واقعیت را انکار نمی‌کند، اما آن را گزینشی بازنمایی می‌کند	ممکن است واقعیت را تحریف کند	رابطه با واقعیت

نکته کلیدی: در مدیریت ادراک، همیشه واقعیت انکار نمی‌شود؛ بلکه ممکن است بخشی برجسته شود، بخشی پنهان بماند، ترتیب اطلاعات تغییر کند، یا رویدادها در قالب روایتی خاص بازنمایی شوند. مخاطب بر اساس همان برداشت هدایت‌شده، قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کند.

۳. افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد؟

رویداد ← انتشار روایت ← تحلیل و تفسیر ← واکنش احساسی ← گفت‌وگوی اجتماعی ← قضاوت عمومی ← رفتار اجتماعی

به همین دلیل، در جنگ شناختی، رقابت اصلی بر سر روایت نخست، روایت معتبر و روایت غالب است. هر کس بتواند روایت‌ها را هدایت کند، می‌تواند بر افکار عمومی نیز اثر بگذارد.

۴. روش‌های عملیات روانی و مدیریت ادراک

روش	کارکرد	مثال کاربردی
روایت‌سازی	ارائه تفسیر مطلوب از یک رویداد	پوشش یک‌طرفه یک رویداد با تأکید بر زاویه‌ای خاص
برجسته‌سازی	بزرگ‌نمایی برخی موضوعات و نادیده گرفتن برخی دیگر	تکرار مداوم یک خبر منفی و سکوت درباره دستاوردها
چارچوب‌بندی	جهت‌دهی به برداشت مخاطب با انتخاب زاویه نگاه	توصیف یک اقدام دفاعی به‌عنوان «تهاجم»
تکرار هدفمند	تثبیت یک پیام در ذهن مخاطب از طریق تکرار	تکرار یک ادعا تا جایی که «واقعیت» به نظر برسد
شایعه‌سازی	ایجاد ابهام، تردید و بی‌اعتمادی	انتشار اطلاعات تأیید نشده در فضای مجازی
القای ناامیدی	تضعیف روحیه و کاهش امید اجتماعی	تأکید مداوم بر شکست‌ها و بی‌نتیجه بودن مقاومت
دوگانه‌سازی کاذب	قرار دادن مخاطب میان دو انتخاب غیرواقعی	«یا تسلیم شوید یا نابود می‌شوید»
بهره‌گیری از هیجان	غلبه احساسات بر تحلیل عقلانی	انتشار تصاویر تکان‌دهنده برای تحریک واکنش فوری

این روش‌ها معمولاً به‌صورت ترکیبی و هم‌زمان به کار گرفته می‌شوند.

۵. هدف نهایی مهندسی افکار عمومی

هدف عملیات روانی و مدیریت ادراک، تنها تغییر یک نظر یا احساس نیست؛ بلکه تلاش می‌شود:

هدف	توضیح
-----	-------

تغییر اولویت‌های ذهنی	جامعه به مسائل فرعی بپردازد و از مسائل اصلی غافل شود
دگرگونی معیارهای قضاوت	ملاک‌های ارزیابی درست و غلط تغییر کند
آسیب به اعتماد عمومی	اعتماد به نهادهای رهبران و یکدیگر کاهش یابد
کاهش امید اجتماعی	جامعه احساس کند تغییر ممکن نیست
تضعیف انسجام ملی	شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر شود
هدایت رفتار جمعی	جامعه بدون اجبار، در مسیر مطلوب دشمن حرکت کند

۶. چگونه در برابر عملیات روانی مصون بمانیم؟

نخستین گام، آگاهی است. فردی که سازوکار عملیات روانی را می‌شناسد، در برابر بسیاری از اثرات آن مقاوم‌تر خواهد بود.

راهکار	توضیح عملی
راستی‌آزمایی	پیش از پذیرش یا بازنشر، منبع را بررسی کنید
منابع متنوع	به یک رسانه یا منبع اکتفا نکنید
پرهیز از قضاوت شتاب‌زده	در لحظه هیجان، تصمیم نگیرید
توجه به بستر رویداد	رویداد را در زمینه کامل آن ببینید
تفکیک خبر از تفسیر	«چه اتفاقی افتاد» را از «چه معنایی دارد» جدا کنید
کنترل هیجان	احساسات شدید، نشانه احتمالی عملیات روانی است
تفکر نقادانه	بپرسید: این روایت به نفع چه کسی است؟
مسئولیت در بازنشر	هر محتوایی را که دریافت کردید، منتشر نکنید

نقشه مفهومی درس

رویداد



روایت‌سازی و مدیریت ادراک



شکل‌گیری افکار عمومی



تغییر احساس و محاسبه



تصمیم



رفتار فردی و اجتماعی

فعالیت یادگیری

۱. یک خبر یا محتوای رسانه‌ای را انتخاب کنید و بررسی کنید کدام روش از جدول بخش ۴ در آن به کار رفته است.
۲. تفاوت «برجسته‌سازی» و «دروغ‌پردازی» را توضیح دهید؛ چرا برجسته‌سازی گاه خطرناک‌تر است؟
۳. یک موقعیت واقعی را مثال بزنید که در آن «دوگانه‌سازی کاذب» به کار رفته باشد.

خودارزیابی

- تفاوت اصلی عملیات روانی و مدیریت ادراک در چیست؟
- چرا رقابت بر سر «روایت نخست» در جنگ شناختی اهمیت دارد؟
- کدام روش از جدول بخش ۴ بیشترین تأثیر را بر شما دارد؟ چرا؟

جمع‌بندی درس

عملیات روانی و مدیریت ادراک، مهم‌ترین ابزارهای اجرایی جنگ شناختی هستند. این ابزارها با هدایت روایت‌ها، جهت‌دهی به افکار عمومی و اثرگذاری بر احساسات و محاسبات افراد، تلاش می‌کنند تصمیم‌ها و رفتارهای جامعه را در مسیر مطلوب خود قرار دهند. شناخت این فرایندها، زمینه‌ساز افزایش بصیرت، تقویت قدرت تحلیل و ارتقای مصونیت شناختی در برابر جنگ ترکیبی است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ افکار عمومی، حاصل اطلاعات، روایت‌ها و برداشت‌های جامعه از واقعیت است.
- ✚ عملیات روانی، احساسات و نگرش‌ها را هدف قرار می‌دهد؛ مدیریت ادراک، برداشت مخاطب از واقعیت را جهت‌دهی می‌کند.
- ✚ مدیریت ادراک لزوماً با دروغ همراه نیست؛ گزینش، برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی ابزارهای اصلی آن هستند.

✚ رقابت بر سر روایت نخست و روایت غالب، محور اصلی جنگ شناختی است.
✚ شناخت این روش‌ها، قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری آگاهانه را افزایش می‌دهد.

ارتباط با درس بعد: پس از شناخت ابزارهای جنگ شناختی، پرسش بعدی این است که قدرت ملی چیست و چگونه می‌توان آن را در برابر این تهدیدها حفظ و تقویت کرد.

برای امروز

در عصر شبکه‌های اجتماعی، هر فرد علاوه بر دریافت‌کننده پیام، می‌تواند بازنشرکننده و حتی تولیدکننده محتوا نیز باشد. مسئولیت‌پذیری در انتشار اطلاعات، راستی‌آزمایی اخبار، حفظ آرامش در شرایط بحرانی و تقویت قدرت تحلیل، از مهم‌ترین عوامل افزایش مصونیت فردی و اجتماعی در برابر عملیات روانی و مدیریت ادراک است.

درس سیزدهم) مقاومت فردی و جمعی

چگونه در میدان مقاومت نقش آفرین باشیم؟

ارتباط با درس قبل:

دوازده درس گذشته مسیری از «چرا باید مقاومت کرد» تا «چگونه دشمن ذهن و افکار عمومی را هدف می‌گیرد» را طی کرد. اکنون پرسش نهایی این است: با این همه شناخت، وظیفه عملی ما چیست؟

سؤال محوری

پس از شناخت مبانی مقاومت، دشمن، میدان نبرد و ابزارهای تقابل، چگونه باید این شناخت را به کنش تبدیل کنیم؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مقاومت را به برنامه عملی در زندگی فردی و اجتماعی تبدیل کند.
۲. سطوح پنج‌گانه مقاومت را با مصداق توضیح دهد.
۳. متناسب با عرصه و جایگاه خود، شیوه صحیح مقاومت را انتخاب کند.
۴. تفاوت مقاومت واقعی با شعار، هیجان و خشونت را تبیین کند.
۵. یک برنامه اقدام فردی برای مقاومت در حوزه خود تدوین کند.

۱. مقاومت؛ یک مسئولیت دائمی

مقاومت، تنها واکنش به تهدید یا حضور در میدان جنگ نیست؛ بلکه یک سبک زندگی مسئولانه و کنشی آگاهانه و مستمر برای حفظ دین، استقلال، عزت، امنیت، هویت و پیشرفت جامعه اسلامی است.

اصل گفتمانی: مقاومت، تنها ایستادگی در برابر دشمن نیست؛ بلکه ساختن انسان، جامعه و آینده بر پایه ایمان، بصیرت، مسئولیت‌پذیری و اقدام است.

تمایز مهم: مقاومت با خشونت، هیجان یا شعار یکی نیست. مقاومت واقعی، آگاهانه، هدفمند، مسئولانه و قانون‌مدار است.

۲. مدل پنج‌سطحی مقاومت

مقاومت از درون انسان آغاز می‌شود و به تدریج گسترش می‌یابد:

خود ← خانواده ← جامعه ← سازمان ← کشور

هر سطح، زیربنای سطح بعدی است. جامعه‌ای که افراد آن مقاوم نیستند، نمی‌تواند مقاومت سازمانی یا ملی پایداری داشته باشد.

۳. سطح اول: مقاومت فردی

نخستین میدان مقاومت، خود انسان است. هیچ جامعه مقاومی بدون انسان‌های مقاوم شکل نمی‌گیرد.

حوزه	مصادق عملی
ایمان و معنویت	حفظ ارتباط با خدا، نماز، قرآن و دعا
بصیرت	مطالعه، تحلیل، راستی‌آزمایی و پرهیز از قضاوت شتاب‌زده
اخلاق	خودسازی، اخلاص، صداقت و پرهیز از دوگانگی
روحیه	حفظ امید، صبر در سختی و مقابله با ناامیدی
دانش و مهارت	ارتقای مستمر توانایی‌های تخصصی و عمومی
مسئولیت‌پذیری	انجام وظیفه با دقت، حتی بدون نظارت

۴. سطح دوم: مقاومت خانوادگی

خانواده، نخستین پایگاه مقاومت اجتماعی است.

حوزه	مصادق عملی
تربیت	تربیت دینی و اخلاقی فرزندان
هویت	تقویت هویت ملی و اسلامی در فضای خانه
انسجام	حفظ وحدت و همبستگی خانوادگی
فرهنگ	ترویج ایثار، مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری
رسانه	مدیریت آگاهانه مصرف رسانه و فضای مجازی

۵. سطح سوم: مقاومت اجتماعی

قدرت یک ملت، تنها به توان نظامی وابسته نیست؛ به میزان مشارکت، همبستگی و مسئولیت‌پذیری مردم نیز بستگی دارد.

حوزه	مصادق عملی
وحدت	پرهیز از تفرقه‌افکنی و تقویت همبستگی ملی
اعتماد	رفتار صادقانه و مسئولانه در روابط اجتماعی
مشارکت	حضور آگاهانه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
خدمت	کمک به حل مسائل جامعه در حوزه تخصص خود
مطالبه‌گری	مطالبه مسئولانه و قانون‌مدار از مسئولان

۶. سطح چهارم: مقاومت سازمانی

این سطح، ویژگی ممتاز این درسنامه است و به‌طور خاص برای پاسداران، بسیجیان و کارکنان نیروهای مسلح طراحی شده است.

مقاومت سازمانی یعنی هر سازمان انقلابی بتواند در شرایط تهدید، مأموریت خود را با اقتدار، هوشمندی و کارآمدی ادامه دهد.

مؤلفه	توضیح
پایبندی به مأموریت	حفظ جهت‌گیری ارزشی در همه شرایط
آمادگی دائمی	آمادگی علمی، جسمی، فرهنگی و حرفه‌ای
انضباط	مسئولیت‌پذیری فردی و سازمانی
شایستگی تخصصی	ارتقای مستمر دانش و مهارت
کار تیمی	هم‌افزایی و پرهیز از فردگرایی
نوآوری	حل خلاقانه مسائل در شرایط دشوار

روحیه جهادی	حفظ انگیزه و معنا در خدمت
مدیریت بحران	آمادگی برای تداوم خدمت در شرایط اضطراری

۷. رسالت پاسدار در مکتب مقاومت

برای مخاطب این درسنامه، مقاومت صرفاً یک باور ذهنی نیست، بلکه رسالت سازمانی و انقلابی است.

پاسدار در مکتب مقاومت:

- الگوی ایمان، اخلاص و تقوا در یگان و جامعه است؛
- در شناخت دشمن و میدان، بصیرت دارد؛
- در جهاد تبیین، نقش فعال ایفا می‌کند؛
- در برابر جنگ شناختی، روشنگر و امیدآفرین است؛
- روحیه مقاومت را در خانواده، یگان و جامعه تقویت می‌کند؛
- در بحران‌ها، پیشگام خدمت و حل مسئله است؛
- با ارتقای آمادگی علمی، فرهنگی، جسمی و حرفه‌ای، قدرت دفاعی و بازدارندگی را تقویت می‌کند.

پاسدار، تنها حافظ مرزهای جغرافیایی نیست؛ بلکه پاسدار هویت، ایمان، امنیت، استقلال و آینده انقلاب اسلامی نیز هست.

۸. چگونه مقاومت کنیم؟ (جدول عرصه‌ها)

عرصه	چگونه مقاومت کنیم؟	نشانه موفقیت
اعتقادی	تعمیق ایمان، معرفت، ارتباط با قرآن و عترت	استواری در شک‌ها و شبهات
شناختی	مطالعه، تحلیل، راستی‌آزمایی، سواد رسانه‌ای	تشخیص روایت‌های هدفمند
فرهنگی	ترویج فرهنگ اسلامی، حفظ هویت، مقابله با تحریف	مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی
اجتماعی	مشارکت، همبستگی، خدمت، مسئولیت‌پذیری	تقویت اعتماد اجتماعی
اقتصادی	حمایت از تولید، پرهیز از اسراف، تقویت اقتصاد خانواده	کاهش وابستگی
سازمانی	آمادگی، انضباط، مهارت‌آموزی، کار تیمی، نوآوری	کارآمدی در شرایط دشوار
امنیتی	هوشیاری، حفظ اطلاعات، همکاری در تأمین امنیت	پیشگیری از نفوذ
رسانه‌ای	تولید محتوای صحیح، امیدآفرینی، جهاد تبیین	مقابله با روایت دشمن

۹. مقاومت؛ از ایستادگی تا پیشرفت

مقاومت، صرفاً حفظ وضع موجود نیست؛ بلکه راهبردی برای پیشرفت، عزت و تمدن‌سازی است.

جامعه مقاوم:

- از تهدید، فرصت می‌سازد؛
- از بحران، تجربه می‌آموزد؛
- از سختی، قدرت تولید می‌کند؛
- و مسیر پیشرفت را با اتکا به ایمان، عقلانیت و مشارکت مردم ادامه می‌دهد.

نقشه مفهومی درس

شناخت (درس‌های ۱ تا ۱۲)



مقاومت فردی (خود)



مقاومت خانوادگی



مقاومت اجتماعی



مقاومت سازمانی



مقاومت ملی و تمدنی

فعالیت یادگیری

۱. در جدول عرصه‌های مقاومت (بخش ۸)، دو عرصه‌ای را که بیشترین ارتباط با مسئولیت شغلی شما دارد انتخاب کنید و یک اقدام عملی مشخص برای هر کدام بنویسید.
۲. تفاوت «مقاومت» با «شعار مقاومت» را با یک مثال واقعی توضیح دهید.
۳. در سطح سازمانی، کدام مؤلفه از جدول بخش ۶ در یگان شما نیاز به تقویت بیشتری دارد؟

خودارزیابی

- در کدام سطح از مدل پنج‌گانه، قوی‌ترین هستید؟ در کدام سطح ضعیف‌ترین؟
- آیا مقاومت شما در حوزه شناختی (راستی‌آزمایی، تحلیل) به اندازه مقاومت شما در حوزه اعتقادی قوی است؟
- یک اقدام مشخص که می‌توانید از فردا شروع کنید چیست؟

برنامه اقدام فردی

هر فراگیر پس از مطالعه این درس، جدول زیر را تکمیل کند:

عرصه	وضعیت فعلی من	یک اقدام مشخص	زمان‌بندی
اعتقادی			
شناختی			
سازمانی			
رسانه‌ای			

جمع‌بندی درس

مقاومت، یک مسئولیت دائمی و چندبعدی است که از خودسازی فرد آغاز می‌شود، در خانواده و جامعه گسترش می‌یابد، در سازمان به کارآمدی و آمادگی تبدیل می‌شود و در عرصه ملی به حفظ استقلال، امنیت و عزت کشور می‌انجامد. برای پاسداران و نیروهای انقلابی، مقاومت تنها یک باور نیست، بلکه مأموریتی مستمر برای حفظ، تقویت و پیشبرد انقلاب اسلامی است.

پیام‌های کلیدی

- ✚ مقاومت از درون انسان آغاز می‌شود و به تدریج به خانواده، جامعه، سازمان و کشور گسترش می‌یابد.
- ✚ مقاومت واقعی، آگاهانه، هدفمند، مسئولانه و قانون‌مدار است؛ نه هیجانی، شعاری یا خشونت‌آمیز.
- ✚ هر فرد متناسب با جایگاه و مسئولیت خود، در عرصه‌ای خاص نقش دارد.
- ✚ پاسدار، حافظ هویت، ایمان، امنیت، استقلال و آینده انقلاب اسلامی است.
- ✚ مقاومت، نه فقط ایستادگی، بلکه راهبردی برای پیشرفت و تمدن‌سازی است.

ارتباط با کل مجموعه: این درس، حلقه پایانی زنجیره «چرا باید مقاومت کرد» است. مسیر طی‌شده از «شناخت مبانی» به «شناخت دشمن»، از «شناخت میدان» به «شناخت ابزارها» و در نهایت به «کنشگری عملی» رسید. پاسخ به سؤال محوری این مجموعه اکنون کامل است.

برای امروز

مقاومت با یک تصمیم آغاز می‌شود: تصمیم به اینکه شناخت را به عمل تبدیل کنم، در حوزه مسئولیت خودم کنشگر باشم و هر روز یک گام کوچک در مسیر ساختن انسان، خانواده، سازمان و جامعه‌ای مقاوم بردارم.

درس چهاردهم) الگوی جامع تحقق مقاومت

از ایمان تا کنشگری و قدرت‌سازی

ارتباط با درس قبل:

درس سیزدهم نشان داد که مقاومت در پنج سطح «خود» ← خانواده ← جامعه ← سازمان ← کشور» معنا پیدا می‌کند. درس چهاردهم این پرسش را دنبال می‌کند: این مقاومت چگونه به‌صورت پایدار محقق می‌شود؟ چه اصولی آن را از یک احساس گذرا به یک فرایند مستمر تبدیل می‌کند؟

سؤال محوری

مقاومت چگونه از باور قلبی به قدرت واقعی تبدیل می‌شود؟ چه اصولی، چه موانعی و چه نقش‌هایی در تحقق این فرایند دخیل‌اند؟

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. مفهوم «تحقق مقاومت» را به‌عنوان فرایندی مستمر تبیین کند.
۲. شش اصل تحقق مقاومت را با مصداق توضیح دهد.
۳. موانع تحقق مقاومت و راهکارهای رفع آن را تحلیل کند.
۴. نقش خود را به‌عنوان پاسدار، فرمانده، رزمنده یا مربی در این فرایند تشخیص دهد.
۵. یک برنامه عملی برای تقویت مقاومت در محیط مأموریتی خود ارائه کند.

مقدمه: چرا شناخت کافی نیست؟

در درس‌های گذشته روشن شد که مقاومت، یک ضرورت عقلانی، دینی و راهبردی است و دشمن برای شکستن آن از همه ابزارهای نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، امنیتی و شناختی استفاده می‌کند.

اما مقاومت، صرف شناخت دشمن یا اعتقاد قلبی تحقق پیدا نمی‌کند؛ بلکه نیازمند تربیت انسان، سازماندهی نیرو، تولید قدرت و استمرار حرکت است.

ایمان ← بصیرت ← خودسازی ← کنشگری ← سازماندهی ← قدرت‌سازی

اصل اول: مقاومت با ایمان آغاز می‌شود

نقطه آغاز مقاومت، ایمان و هویت است. هر مقاومتی که بر پایه ایمان، اخلاص، توکل، تقوا و باور به وعده‌های الهی شکل نگیرد، در برابر فشارها پایدار نخواهد ماند.

ایمان، مقاومت را از یک واکنش احساسی به یک انتخاب آگاهانه و مسئولانه تبدیل می‌کند.

موانع	راهکارهای عملی
ضعف باور و غفلت	انس روزانه با قرآن و دعا
دنیاطلبی	تقویت معرفت دینی و انقلابی
تحریف اعتقادات	مراقبت از اخلاص و نیت
سستی در عبادت	خودارزیایی مستمر در ایمان و عمل

اصل دوم: مقاومت با بصیرت هدایت می‌شود

ایمان بدون بصیرت، ممکن است به احساسات زودگذر یا تصمیم‌های نادرست منجر شود. بصیرت، قدرت تشخیص حق از باطل و انتخاب اقدام صحیح در شرایط پیچیده است.

موانع	راهکارهای عملی
شایعه و جنگ شناختی	مطالعه و تحلیل مستمر تحولات
هیجان‌زدگی	ارتقای سواد رسانه‌ای و شناختی
تحلیل سطحی	راستی‌آزمایی اخبار
اعتماد به منابع نامعتبر	حضور فعال در جهاد تبیین

اصل سوم: مقاومت با خودسازی پایدار می‌ماند

هیچ جامعه مقاومی بدون انسان‌های مقاوم شکل نمی‌گیرد. خودسازی، زیربنای مقاومت است.

مؤلفه	توضیح
تقوا و اخلاص	پایه اعتقادی و اخلاقی
نظم و انضباط	پایه رفتاری

مسئولیت‌پذیری	پایه سازمانی
صبر و استقامت	پایه روانی
شجاعت	پایه عملیاتی
دانش و مهارت	پایه علمی و حرفه‌ای
آمادگی جسمی و روانی	پایه دفاعی

موانع: سستی، بی‌انضباطی، راحت‌طلبی، ناامیدی، ضعف مهارتی.

اصل چهارم: مقاومت با کنشگری تحقق می‌یابد

مقاومت، صرفاً اعتقاد یا احساس نیست؛ بلکه عمل مسئولانه است. هر فرد باید متناسب با جایگاه خود، در میدان نقش‌آفرین باشد.

عرصه کنشگری	نمونه اقدام
عبادت و خودسازی	نماز، دعا، مطالعه
خانواده	تربیت فرزند، مدیریت رسانه
مسجد و بسیج	حضور فعال، آموزش
محل خدمت	انضباط، نوآوری، کار تیمی
فضای مجازی	جهاد تبیین، امیدآفرینی
جامعه	خدمت‌رسانی، مقابله با شایعه

موانع: انفعال، بی‌تفاوتی، ترس، مسئولیت‌گریزی، فردگرایی.

اصل پنجم: مقاومت با سازماندهی قدرت پیدا می‌کند

اقدام‌های پراکنده، هرچند ارزشمند، قدرت‌آفرین نیستند. مقاومت زمانی اثرگذار می‌شود که در قالب سازمان، شبکه و همکاری جمعی شکل گیرد.

الزام	توضیح
وحدت هدف	همسویی در جهت‌گیری کلی
تقسیم کار	بهره‌گیری از تخصص‌های مختلف
تربیت نیرو	سرمایه‌گذاری در انسان
انتقال تجربه	حفظ دانش سازمانی
هماهنگی	پرهیز از موازی‌کاری
ارتباط با مردم	پیوند مستمر با جامعه

موانع: اختلاف، موازی کاری، ضعف ارتباطات، جزیره‌ای عمل کردن.

اصل ششم: مقاومت با تولید قدرت استمرار می‌یابد

هدف مقاومت، صرفاً دفع تهدید نیست؛ بلکه ساختن قدرت است. قدرت در مکتب مقاومت، فقط قدرت نظامی نیست:

نوع قدرت	مصادق
اعتقادی	ایمان، هویت، انگیزه
فرهنگی	هنر، ادبیات، آموزش
علمی	پژوهش، فناوری، نوآوری
اقتصادی	تولید، اشتغال، استقلال
اجتماعی	انسجام، مشارکت، اعتماد
رسانه‌ای	روایت‌سازی، جهاد تبیین
دفاعی	آمادگی نظامی و امنیتی

هر اقدامی که به افزایش این قدرت‌ها بینجامد، بخشی از مقاومت است.

نقش‌های چهارگانه در تحقق مقاومت

پاسدار: حافظ و پیشگام مقاومت

وظیفه	توضیح
الگو بودن	ایمان، اخلاص و تقوا در رفتار
بصیرت	شناخت دشمن و میدان
جهاد تبیین	روشنگری و امیدآفرینی
آمادگی	علمی، فرهنگی، جسمی و حرفه‌ای
انسجام	تقویت همبستگی سازمانی
خدمت	پیشگامی در حل مسائل مردم

پاسدار، تنها حافظ مرزهای جغرافیایی نیست؛ بلکه پاسدار هویت، ایمان، امنیت، استقلال و آینده انقلاب اسلامی نیز هست.

فرمانده: معمار مقاومت

فرمانده موفق، قدرت را تنها در تجهیزات نمی‌بیند، بلکه در انسان‌های مؤمن، توانمند و باانگیزه جست‌وجو می‌کند.

- چشم‌انداز مقاومت را تبیین می‌کند؛
- نیروها را تربیت و سازماندهی می‌کند؛
- روحیه امید و اعتماد را حفظ می‌کند؛
- در بحران‌ها آرامش و ابتکار عمل دارد؛
- فرهنگ یادگیری، نقدپذیری و اصلاح مستمر را نهادینه می‌کند.

رزمنده: مجری آگاه مقاومت

- آمادگی علمی، جسمی و روحی خود را حفظ می‌کند؛
- فرمان‌پذیر و مسئولیت‌پذیر است؛
- در میدان، شجاع، صبور و امیدوار می‌ماند؛
- در برابر عملیات روانی و شناختی دشمن هوشیار است.

مربی و هدایتگر: سازنده سرمایه انسانی

هدایتگر موفق، صرفاً انتقال‌دهنده اطلاعات نیست؛ بلکه الهام‌بخش، الگو و همراه رشد مخاطبان است.

- تعمیق ایمان و بصیرت؛
- پاسخ‌گویی به شبهات؛
- کشف و پرورش استعدادها؛
- پیوند دادن آموزش با میدان عمل.

موانع تحقق مقاومت و راهکارها

موانع	راهکار
ضعف ایمان	تعمیق معرفت، عبادت، خودسازی
جهل و تحریف	آموزش، جهاد تبیین، مطالعه
ترس و ناامیدی	امیدآفرینی، تبیین تجربه‌های موفق
فردگرایی	کار جمعی و شبکه‌سازی
اختلاف و تفرقه	تقویت وحدت و گفت‌وگو
جنگ شناختی	سواد رسانه‌ای، تحلیل، راستی‌آزمایی
راحت‌طلبی	تقویت روحیه جهادی و مسئولیت‌پذیری

ضعف مهارتی	آموزش مستمر و تمرین میدانی
------------	----------------------------

شاخص‌های تحقق مقاومت

مقاومت زمانی تحقق یافته است که بتوان این موارد را به‌صورت قابل مشاهده سنجید:

شاخص	نشانه قابل مشاهده
ایمان و هویت	استواری در شبهات و فشارها
بصیرت	تشخیص روایت‌های هدفمند دشمن
مسئولیت‌پذیری	کنشگری بدون نیاز به نظارت
آمادگی	توانایی ادامه مأموریت در شرایط دشوار
انسجام	همکاری مؤثر در یگان و جامعه
امید	حفظ روحیه در بحران‌ها

نقشه مفهومی درس

ایمان (اصل اول)



بصیرت (اصل دوم)



خودسازی (اصل سوم)



کنشگری (اصل چهارم)



سازماندهی (اصل پنجم)



قدرت‌سازی (اصل ششم)



فعالیت یادگیری

۱. از میان شش اصل، کدام اصل در محیط مأموریتی شما بیشترین نیاز به تقویت دارد؟ دلیل بیاورید.
۲. یک مانع واقعی از جدول موانع را انتخاب کنید و راهکار پیشنهادی را با یک مثال عملی توضیح دهید.
۳. نقش خود را در یکی از چهار نقش (پاسدار، فرمانده، رزمنده، مربی) مشخص کنید و یک وظیفه مشخص از آن نقش را که می‌توانید از فردا اجرا کنید بنویسید.

خودارزیابی

- آیا مقاومت شما بر پایه ایمان است یا عادت و اجبار؟ تفاوت این دو در رفتار روزمره چیست؟
- در کدام اصل از شش اصل، قوی‌ترین هستید؟ در کدام ضعیف‌ترین؟
- آیا اقدام‌های شما در حوزه مقاومت، فردی است یا در قالب سازمان و شبکه؟

برنامه اقدام فردی

اصل	وضعیت فعلی	یک اقدام مشخص	زمان‌بندی
ایمان			
بصیرت			
خودسازی			
کنشگری			
سازماندهی			

جمع‌بندی درس

تحقق مقاومت، یک اقدام مقطعی یا صرفاً نظامی نیست، بلکه فرایندی مستمر است که با ایمان و بصیرت آغاز می‌شود، با خودسازی و کنشگری ادامه می‌یابد، از طریق سازماندهی قدرت پیدا می‌کند و با تولید قدرت در ابعاد مختلف، به جامعه‌ای مقاوم، پیشرو و تمدن ساز می‌انجامد. در این مسیر، پاسدار، فرمانده، رزمنده و مربی هر یک رسالتی مشخص و مکمل دارند.

پیام‌های کلیدی

- ✚ مقاومت، فرایندی شش مرحله‌ای است: ایمان، بصیرت، خودسازی، کنشگری، سازماندهی، قدرت‌سازی.
 - ✚ هر مرحله، زیربنای مرحله بعدی است؛ بدون ایمان، بصیرت ناپایدار است؛ بدون خودسازی، کنشگری بی‌ثمر است.
 - ✚ قدرت در مکتب مقاومت، چندبعدی است: اعتقادی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ای و دفاعی.
 - ✚ هر نقش (پاسدار، فرمانده، رزمنده، مربی) وظایف مشخص و مکملی دارد.
 - ✚ شناخت موانع و راهکارهای رفع آن‌ها، شرط لازم برای استمرار مقاومت است.
- ارتباط با کل مجموعه:** این درس، جمع‌بندی نهایی زنجیره آموزشی است. مسیر از «چرا باید مقاومت کرد» آغاز شد، از «شناخت دشمن و میدان» گذشت، به «کنشگری عملی» رسید و اکنون با «الگوی جامع تحقق» به پایان می‌رسد. پاسخ کامل است.

برای امروز

تحقق مقاومت با یک تصمیم آغاز می‌شود: تصمیم به اینکه ایمان را به بصیرت، بصیرت را به خودسازی، خودسازی را به کنشگری، کنشگری را به سازماندهی و سازماندهی را به قدرت تبدیل کنم. این مسیر، نه یک‌بار، بلکه هر روز طی می‌شود.

درس پانزدهم) راهبری مقاومت

رسالت فرماندهان، پاسداران، رزمندگان و مربیان در هدایت جبهه مقاومت

جایگاه درس در زنجیره آموزشی

درس	محور	پرسش اصلی
درس سیزدهم	کنشگری فردی و جمعی	چگونه در میدان مقاومت نقش‌آفرین باشیم؟
درس چهاردهم	تحقق مقاومت	مقاومت چگونه از باور به قدرت تبدیل می‌شود؟
درس پانزدهم	راهبری مقاومت	چه کسانی مسئول حفظ، تقویت و گسترش مقاومت‌اند و چگونه؟

درس چهاردهم نشان داد که مقاومت از طریق شش اصل «ایمان — بصیرت — خودسازی — کنشگری — سازماندهی — قدرت‌سازی» تحقق می‌یابد. اما این فرایند بدون **راهبری** پایدار نمی‌ماند. درس پانزدهم پاسخ می‌دهد که چه کسانی این فرایند را هدایت، تربیت، سازماندهی و تداوم می‌بخشند.

تفاوت کلیدی: درس چهاردهم به «چگونگی تحقق» می‌پردازد؛ درس پانزدهم به «چه کسانی و با چه اصولی هدایت می‌کنند».

اهداف درس

فراگیر پس از مطالعه این درس باید بتواند:

۱. مفهوم راهبری مقاومت را تبیین و آن را از مدیریت و فرماندهی صرف تفکیک کند.
۲. نقش فرمانده، پاسدار، رزمنده، مربی، هدایتگر و مردم را با رفتارهای قابل مشاهده توصیف کند.
۳. چهار اصل راهبری مقاومت را در یک مدل منسجم تبیین کند.
۴. موانع راهبری را در چهار سطح تحلیل و راهکار ارائه کند.
۵. یک برنامه راهبری برای محیط مأموریتی خود طراحی کند.

سؤال محوری

اگر مقاومت راه نجات یک ملت است، چه کسانی مسئول حفظ، تقویت و گسترش آن هستند و این مسئولیت چگونه انجام می‌شود؟

مقدمه: چرا راهبری ضروری است؟

در درس گذشته روشن شد که مقاومت با ایمان، بصیرت، خودسازی، کنشگری و سازماندهی تحقق پیدا می‌کند؛ اما هیچ حرکت اجتماعی بدون رهبری، هدایت، تربیت و سازماندهی پایدار نمی‌ماند.

تجربه پیامبران الهی، سیره پیامبر اعظم(ص)، نهضت عاشورا، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نشان می‌دهد که مقاومت تنها با حضور افراد شجاع شکل نمی‌گیرد؛ بلکه نیازمند رهبران الهی، فرماندهان کارآمد، مربیان آگاه و نیروهای مؤمن و منظم است.

۱. راهبری مقاومت چیست؟

تعریف:

راهبری مقاومت، فرایند هدایت، تربیت، سازماندهی، پشتیبانی و ارتقای مستمر انسان‌ها و ظرفیت‌ها برای حفظ هویت اسلامی، مقابله با سلطه و حرکت به سوی پیشرفت و تمدن‌سازی است.

تفکیک مفاهیم:

مفهوم	تعریف	تمرکز
مدیریت	برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل منابع	کارایی و نظم
فرماندهی	هدایت عملیاتی در میدان	اجرا و نتیجه
راهبری	هدایت فکری، فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سازمانی	انسان‌سازی و جهت‌دهی

راهبری مقاومت، فرماندهی، تربیت، جهاد تبیین، امیدآفرینی، مردم‌داری و کادرسازی را در بر می‌گیرد.

۲. اصول راهبری مقاومت

ایمان و اخلاص ← بصیرت ← مردم‌پایه‌بودن ← امیدآفرینی

الف) هدایت بر پایه ایمان و اخلاص

رهبر مقاومت پیش از آنکه دیگران را هدایت کند، باید خود الگوی ایمان، تقوا، صداقت و اخلاص باشد. اعتماد مردم و نیروها، پیش از هر چیز، بر شخصیت اخلاقی و معنوی او استوار است.

رفتار قابل مشاهده	نشانه ضعف
اولویت‌دادن به رضای خدا بر منافع شخصی	تصمیم‌گیری بر اساس منافع فردی
صداقت در گزارش‌دهی و ارزیابی	پنهان‌کاری و تحریف واقعیت
پاسخ‌گویی در برابر نیروها و مردم	فرار از مسئولیت

ب) هدایت بر پایه بصیرت

فرمانده یا مربی باید میدان را بشناسد:

- دشمن را بشناسد؛
- فرصت‌ها را تشخیص دهد؛
- تهدیدها را پیش‌بینی کند؛
- در جنگ شناختی، قدرت تحلیل و اقناع داشته باشد.

ج) هدایت بر پایه مردم

در مکتب مقاومت، مردم صرفاً مخاطب نیستند؛ بلکه سرمایه اصلی مقاومت‌اند. راهبری موفق، مردم را: آگاه می‌کند ← مشارکت می‌دهد ← سازماندهی می‌کند ← توانمند می‌سازد ← به میدان می‌آورد

نکته مهم: مردم‌پایه‌بودن به معنای شنیدن نقد، پاسخ‌گویی، قانون‌مداری و جلوگیری از تمرکز افراطی قدرت است.

د) هدایت بر پایه امید

هیچ جامعه‌ای با یأس نمی‌تواند مقاومت کند. امیدآفرینی واقع‌بینانه بر پایه:

- ایمان به وعده الهی؛
- تبیین ظرفیت‌ها و پیشرفت‌های واقعی؛
- نشان دادن مسیر، نه صرفاً تکرار شعار.

۳. رسالت فرمانده در راهبری مقاومت

فرمانده در مکتب مقاومت، صرفاً مدیر عملیات نیست؛ بلکه معمار قدرت و مربی انسان‌ها است.

رسالت	رفتار قابل مشاهده	شاخص سنجش
ترسیم جهت	تبیین هدف، چشم‌انداز و مأموریت	آیا نیروها جهت را می‌دانند؟
تربیت نیرو	شناسایی استعداد، آموزش، کادرسازی	آیا جانشین شایسته تربیت شده؟
سازماندهی	انسجام، تقسیم کار، شبکه‌سازی	آیا موازی‌کاری وجود دارد؟
تصمیم‌گیری هوشمند	مشورت، اطلاعات، آینده‌نگری	آیا تصمیم‌ها مستند و مشورتی‌اند؟
حفظ روحیه	امید، اعتماد، همدلی	آیا نیروها امیدوار و بانگیزه‌اند؟
حل مسئله	شناسایی، اولویت‌بندی، حل	آیا مشکلات انکار یا حل می‌شوند؟
الگوسازی	رفتار فرمانده به‌عنوان ابزار تربیت	آیا رفتار فرمانده الگوست؟

تفاوت فرمانده مقاومت با مدیر معمولی: فرمانده مقاومت، قدرت را در تجهیزات نمی‌بیند؛ بلکه در انسان‌های مؤمن، توانمند و بانگیزه جست‌وجو می‌کند.

۴. رسالت پاسدار

پاسدار، حافظ انقلاب و پیشگام مقاومت است. رسالت او تنها دفاع نظامی نیست:

پاسداری از:

اسلام | انقلاب | ولایت | امنیت | مردم | امید | هویت اسلامی | استقلال کشور

ویژگی‌های پاسدار مقاوم:

ویژگی	مصادق رفتاری
اهل عبادت	نماز اول وقت، انس با قرآن
اهل بصیرت	تحلیل تحولات، مقابله با شایعه
اهل خدمت	پیشگامی در حل مسائل مردم
اهل مسئولیت	پاسخ‌گویی بدون نیاز به نظارت
اهل پیشرفت	یادگیری مستمر، نوآوری
اهل جهاد تبیین	روشنگری در فضای مجازی و جامعه
اهل میدان	حضور فعال در عرصه‌های مختلف

پاسدار، تنها حافظ مرزهای جغرافیایی نیست؛ بلکه پاسدار هویت، ایمان، امنیت، استقلال و آینده انقلاب اسلامی نیز هست.

۵. رسالت رزمنده

رزمنده، بازوی عملی مقاومت است.

وظیفه	توضیح
حفظ آمادگی	جسمی، روانی، علمی و حرفه‌ای
انضباط	پایبندی به قوانین و دستورالعمل‌ها
شجاعت	ایستادگی در برابر فشار و تهدید
فرمان‌پذیری آگاهانه	اطاعت از فرمان با درک هدف، نه کورکورانه
هوشیاری شناختی	مقابله با عملیات روانی و جنگ شناختی
حفظ اسرار	امنیت اطلاعاتی در همه شرایط
روحیه ایثار	اولویت‌دادن به مأموریت بر منافع شخصی
کمک به مردم	خدمت‌رسانی به‌عنوان بخشی از مأموریت
تقویت وحدت	پرهیز از اختلاف و تفرقه

رزمنده موفق، فقط در میدان نبرد نمی‌جنگد؛ بلکه در میدان اخلاق، فرهنگ، رسانه و خدمت نیز مجاهد است.

۶. رسالت مربی و هدایتگر

مربی، سازنده انسان مقاوم است. مربی موفق، تنها معلم نیست؛ بلکه الگو، مشاور، همراه و الهام‌بخش است.

حوزه تربیت	هدف	روش
تربیت اعتقادی	تعمیق ایمان، معرفت و ولایت‌مداری	کلاس، گفت‌وگو، الگوسازی
تربیت بصیرتی	تقویت قدرت تحلیل و شناخت دشمن	تحلیل رویدادها، نقد رسانه
تربیت اخلاقی	پرورش اخلاص، صبر، تواضع، مسئولیت	همراهی میدانی، بازخورد
تربیت مهارتی	ارتباطی، رسانه‌ای، مدیریتی، حل مسئله	کارگاه، تمرین، ارزیابی
هدایت میدانی	پیوند آموزش با واقعیت‌های میدان	حضور در صحنه، مشاوره

۷. نقش مردم در راهبری مقاومت

مقاومت بدون مردم پایدار نیست. مردم در مکتب مقاومت:

نقش	توضیح
سرمایه اجتماعی	منبع اصلی قدرت و مشروعیت
پشتوانه امنیت ملی	حضور مردمی، بازدارندگی ایجاد می‌کند
تولیدکننده قدرت نرم	فرهنگ، هنر، روایت و هویت
حافظ هویت اسلامی	انتقال ارزش‌ها به نسل بعد
مشارکت‌کننده در حل مسائل	همکاری در اداره کشور

بنابراین، راهبری مقاومت باید همواره **مردم‌پایه** باشد؛ یعنی مردم را آگاه، مشارکت‌داده، سازماندهی و توانمند کند.

۸. موانع راهبری مقاومت و راهکارها

سطح	مانع	راهکار
فردی	ضعف ایمان، خودمحوری، ترس، ناامیدی، بی‌انضباطی	خودسازی، مراقبه، مشاوره، الگوسازی
سازمانی	بروکراسی، موازی‌کاری، ضعف آموزش، تصمیم نادرست	ساده‌سازی فرایندها، آموزش مستمر، مشورت
اجتماعی	تفرقه، بی‌اعتمادی، جنگ شناختی، شایعه	جهاد تبیین، شفافیت، خدمت‌رسانی
فرهنگی	مصرف‌زدگی، فردگرایی، تحریف ارزش‌ها، کم‌رنگ شدن ایثار	تولید محتوای فرهنگی، الگوسازی، تربیت

۹. جدول جامع راهبری مقاومت

رکن	مأموریت	رفتار قابل مشاهده	نتیجه
فرمانده	هدایت، سازماندهی، تصمیم‌سازی	تبیین چشم‌انداز، تربیت جانشین، حل مسئله	انسجام و جهت‌دهی
پاسدار	پاسداری، پیشگامی، الگوبودن	خدمت، بصیرت، جهاد تبیین	حفظ هویت و امنیت
رزمنده	آمادگی، اجرای مأموریت، ایثار	انضباط، شجاعت، هوشیاری شناختی	اقتدار و بازدارندگی
مربی	تربیت، تبیین، توانمندسازی	آموزش، همراهی، پاسخ به شبهات	رشد سرمایه انسانی
هدایتگر	اقتناع، امیدآفرینی، شبکه‌سازی	گفت‌وگو، تولید محتوا، ارتباط‌سازی	پایداری جبهه مقاومت
مردم	مشارکت، حمایت، حضور در میدان	رأی، خدمت، دفاع از ارزش‌ها	قدرت اجتماعی و مشروعیت

۱۰. شاخص‌های موفقیت راهبری مقاومت

راهبری مقاومت زمانی موفق است که:

شاخص	نشانه قابل سنجش
ارتقای ایمان و بصیرت	مقاومت در برابر شبهات و عملیات روانی
تقویت امید و ایثار	حضور داوطلبانه در میدان‌های مختلف
تربیت نیرو و جانشین	وجود کادر شایسته برای ادامه مسیر
انسجام و آمادگی سازمان	توانایی عمل در شرایط بحرانی
اعتماد و مشارکت مردم	افزایش همراهی مردمی
توان مقابله با تهدیدها	پاسخ مؤثر به تهدیدهای سخت، نیمه‌سخت و شناختی
حرکت از دفاع به پیشرفت	نوآوری، تمدن‌سازی، ابتکار عمل

نقشه مفهومی درس

راهبری مقاومت

— اصول (ایمان ← بصیرت ← مردم‌پایه ← امید)

|
| — ارکان

| — فرمانده (جهت‌دهی)

| — پاسدار (پاسداری)

| — رزمنده (اجرا)

| — مربی (تربیت)

| — هدایتگر (اقناع)

| — مردم (مشروعیت)

|
| — موانع (فردی، سازمانی، اجتماعی، فرهنگی)

|
| — نتیجه: جامعه مقاوم، پیشرو و تمدن‌ساز

فعالیت یادگیری

۱. تفاوت «راهبری» با «مدیریت» و «فرماندهی» را با یک مثال از محیط مأموریتی خود توضیح دهید.
۲. از جدول موانع، یک مانع واقعی در سازمان خود انتخاب کنید و راهکار پیشنهادی را با گام‌های عملی بنویسید.
۳. نقش اصلی خود را در جدول ارکان مشخص کنید و سه رفتار قابل مشاهده را که می‌توانید از این هفته اجرا کنید فهرست کنید.

خودارزیابی

- آیا در نقش خود (فرمانده، پاسدار، رزمنده یا مربی) بیشتر «مدیر» هستید یا «راهبر»؟ تفاوت را در رفتار روزمره توضیح دهید.
- آیا مردم‌پایه‌بودن را در عمل رعایت می‌کنید؟ آیا نقد را می‌شنوید؟ آیا پاسخ‌گو هستید؟

- در کدام یک از چهار اصل راهبری (ایمان، بصیرت، مردم‌پایه، امید) قوی‌ترین هستید؟ در کدام نیاز به تقویت دارید؟

برنامه راهبری محیط مأموریتی

حوزه	وضعیت فعلی	هدف یک‌ماهه	اقدام مشخص	مسئول
تربیت نیرو				
جهاد تبیین				
ارتباط با مردم				
امیدآفرینی				
کادرسازی				

جمع‌بندی درس

راهبری مقاومت، هنر هدایت انسان‌ها، سازمان‌ها و جامعه در مسیر حفظ هویت، افزایش قدرت و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

این راهبری:

- با ایمان، بصیرت و اخلاق آغاز می‌شود؛
- با تربیت و سازماندهی تداوم می‌یابد؛
- در مشارکت مردم و جهاد تبیین استحکام پیدا می‌کند؛
- با تولید قدرت، حل مسئله، امیدآفرینی و کادرسازی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی می‌شود.

در این منظومه، فرمانده جهت‌دهنده، پاسدار پاسبان هویت، رزمنده مجری میدان، مربی سازنده انسان و هدایتگر پیونددهنده اندیشه و عمل است؛ و مردم، سرمایه و پشتوانه اصلی استمرار مقاومت به شمار می‌آیند.

پیام‌های کلیدی

- ✚ راهبری مقاومت، فراتر از فرماندهی نظامی است؛ هدایت فکری، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.
- ✚ رهبر مقاومت باید پیش از هدایت دیگران، خود الگوی ایمان، اخلاص و بصیرت باشد.
- ✚ مردم‌پایه‌بودن یعنی شنیدن نقد، پاسخ‌گویی، قانون‌مداری و جلوگیری از تمرکز افراطی قدرت.
- ✚ هر رکن (فرمانده، پاسدار، رزمنده، مربی، هدایتگر) وظایف مشخص، مکمل و قابل سنجش دارد.
- ✚ موانع راهبری در چهار سطح فردی، سازمانی، اجتماعی و فرهنگی قابل تحلیل و رفع است.

🚩 هدف نهایی راهبری، حرکت از «دفاع صرف» به «پیشرفت، نوآوری و تمدن‌سازی» است.

ارتباط با کل مجموعه

این درس، حلقه پایانی زنجیره پانزده‌درسی «چرا باید مقاومت کرد» است:

مبانی دینی مقاومت



شناخت قدرت، سلطه و دشمن



تحلیل صهیونیسم و تقابل با ایران



قدرت راهبردی ایران



ابزارهای تقابل و جنگ شناختی



کنشگری فردی و جمعی (درس ۱۳)



الگوی تحقق مقاومت (درس ۱۴)



راهبری مقاومت (درس ۱۵) ← پایان زنجیره

پاسخ کامل است: از «چرا باید مقاومت کرد» تا «چه کسانی و چگونه مقاومت را هدایت می‌کنند».

درس شانزدهم) افق آینده مقاومت (پایانی)

ولایت‌مداری، زمینه‌سازی ظهور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

جایگاه درس در زنجیره آموزشی

درس	محور	پرسش اصلی
درس چهاردهم	تحقق مقاومت	مقاومت چگونه از باور به قدرت تبدیل می‌شود؟
درس پانزدهم	راهبری مقاومت	چه کسانی مقاومت را هدایت می‌کنند؟
درس شانزدهم	افق مقاومت	مقاومت امروز، رو به کدام آینده دارد؟

این درس، حلقه پایانی مجموعه است. درس‌های پیشین نشان دادند مقاومت چگونه شکل می‌گیرد، چه کسانی آن را می‌سازند و چه کسانی هدایتش می‌کنند. این درس پاسخ می‌دهد: همه این تلاش به کجا ختم می‌شود؟

پیوند با درس پانزدهم: راهبری مقاومت بدون افق روشن، به حرکتی بی‌مقصد تبدیل می‌شود. این درس، همان افقی است که فرمانده، پاسدار، رزمنده، مربی و مردم را در یک مسیر مشترک قرار می‌دهد.

سؤال محوری

مقاومتی که با ایمان آغاز شد و با راهبری تداوم یافت، در نهایت رو به کدام افق دارد؛ و مسئولیت من در ساختن این افق چیست؟

اهداف درس

فراگیر پس از این درس باید بتواند:

۱. جایگاه ولایت‌مداری را در انسجام‌بخشی به مقاومت تبیین کند.
۲. آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی را فهرست و با مسیر مقاومت پیوند دهد.
۳. رابطه میان مسئولیت امروز و افق مهدوی را توضیح دهد.
۴. مصداق‌های عملی «زمینه‌سازی ظهور» را در زندگی فردی و سازمانی بیان کند.
۵. برای تحقق این افق، یک برنامه اقدام شخصی طراحی کند.

۱. مقاومت؛ حرکتی برای تحقق حق، نه فقط دفاع از وضع موجود

در طول این مجموعه روشن شد که مقاومت واکنشی صرف به تهدید نیست؛ حرکتی هدفمند برای حفظ ایمان، استقلال، کرامت و عدالت است. این درس یک گام فراتر می‌رود:

مقاومت، تنها نگه داشتن آنچه هست نیست؛ تلاش برای رساندن جامعه به آنچه باید باشد است.

اصلاح انسان ← اصلاح جامعه ← سازمان‌دهی و راهبری ← مقابله با سلطه ← تمدن‌سازی

این زنجیره، که از ابتدای مجموعه دنبال شده، در این درس به نقطه پایانی خود یعنی افق تمدنی و آرمانی می‌رسد.

۲. ولایت‌مداری؛ محور هدایت و وحدت جبهه حق

در درس پانزدهم آمد که راهبری مقاومت باید بر پایه ایمان، بصیرت، مردم‌پایه‌بودن و امید باشد. ولایت‌مداری، حلقه‌ای است که این چهار اصل را در یک مسیر واحد جمع می‌کند.

ولایت‌مداری یعنی چه؟

ولایت‌مداری، پیروی آگاهانه و مسئولانه از رهبری الهی و مشروع جامعه اسلامی است؛ نه تقلید کورکورانه، بلکه انتخابی مبتنی بر بصیرت، اعتماد و درک مشترک از مسیر حرکت.

بُعد	توضیح
بُعد اعتقادی	باور به ضرورت هدایت الهی جامعه در مسیر حق
بُعد بصیرتی	شناخت جهت‌گیری‌های کلان و تحلیل درست میدان
بُعد اجتماعی	وحدت‌بخشی به نیروهای پراکنده حول یک هدف مشترک
بُعد عملی	اطاعت آگاهانه، نه انفعالی؛ همراه با نقد و بازخورد سازنده

چرا ولایت‌مداری برای مقاومت ضروری است؟

بدون محور هدایت، مقاومت به حرکت‌های پراکنده و گاه متضاد تبدیل می‌شود. ولایت‌مداری:

- جهت واحد به تلاش‌های پراکنده می‌دهد؛
- از انحراف مسیر مقاومت به سمت منافع فردی یا گروهی جلوگیری می‌کند؛
- تداوم نسلی مقاومت را تضمین می‌کند؛
- پیوند میان فرمانده، پاسدار، رزمنده، مربی و مردم را مستحکم می‌سازد.

همان‌گونه که در رسالت پاسدار آمده، پاسداری از «اسلام، انقلاب، ولایت، امنیت، مردم، امید، هویت اسلامی و استقلال کشور» یک مجموعه به‌هم‌پیوسته است؛ ولایت، محور نگه‌دارنده همه این ارکان است.

۳. آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ نقشه راه حرکت جمعی

مقاومت بدون آرمان، فقط بقا است. آرمان، به مقاومت جهت می‌دهد.

معنا	آرمان
تصمیم‌گیری ملی بدون وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر	استقلال و نفی سلطه
مشارکت مردم در چارچوب ارزش‌های اسلامی	مردم‌سالاری دینی
توزیع منصفانه فرصت‌ها، امکانات و قدرت	عدالت‌خواهی
مقابله با سلطه‌طلبی و ظلم جهانی	استکبارستیزی
پیوند با جبهه حق در سطح منطقه‌ای و جهانی	حمایت از مقاومت و فلسطین
حفظ کرامت ملی و آرامش جامعه	عزت و امنیت
افزایش توان علمی، اقتصادی و دفاعی	پیشرفت و قدرت ملی
حل مسائل واقعی زندگی مردم	خدمت به مردم
ساختن جامعه‌ای الگو برای جهان	حرکت به سوی تمدن اسلامی

این آرمان‌ها، همان مقصدی هستند که در درس پانزدهم، راهبری مقاومت موظف به تحقق آن‌ها معرفی شد.

۴. مسئولیت نسل امروز در استمرار انقلاب

انقلاب اسلامی، یک رویداد تاریخی گذشته نیست؛ یک مسیر در حال حرکت است که هر نسل باید سهم خود را در آن ایفا کند.

مسئولیت نسل امروز شامل:

- حفظ دستاوردهای انقلاب در برابر جنگ شناختی و فرسایش ارزشی؛
- تبدیل شعارها به کارآمدی واقعی در حل مسائل مردم؛
- تربیت نسل بعدی مؤمن، توانمند و امیدوار؛
- تولید قدرت علمی، اقتصادی و فرهنگی برای ادامه مسیر استقلال.

استمرار انقلاب، نه با نوستالژی گذشته، بلکه با کارآمدی امروز و امید به فردا ممکن می‌شود.

۵. مهدویت؛ امید تاریخی به پیروزی نهایی حق

مقاومت در طول تاریخ، همواره بر پشتوانه یک باور استوار بوده است: حق سرانجام پیروز می‌شود.

این باور در سنت‌های الهی مقاومت که در درس‌های نخست بررسی شد، ریشه دارد:

- غلبه حق بر باطل؛

- عاقبت‌مندی حق و زوال باطل؛
- استخلاف و وراثت صالحان در زمین.

مقاومت در برابر باطل ← ابتلاء و صبر ← نصرت الهی ← غلبه حق ← استخلاف صالحان

افق مهدوی، تکمیل‌کننده این زنجیره است: باور به این که تاریخ بشر، در نهایت به حاکمیت عدالت، صلح و کرامت انسانی ختم خواهد شد؛ حاکمیتی که با ظهور منجی موعود (امام زمان عجل الله تعالی فرجه) تحقق می‌یابد.

نکته مهم: امید به این پیروزی نهایی، مسئولیت انسان مؤمن در امروز را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه آن را عمیق‌تر و پرمعناتر می‌کند. کسی که به آینده روشن امیدوار است، با انگیزه بیشتری برای امروز تلاش می‌کند.

۶. زمینه‌سازی ظهور؛ از خودسازی تا جامعه‌سازی

زمینه‌سازی ظهور، صرفاً دعا و انتظار زبانی نیست؛ بلکه یک مسئولیت چندلایه و عملی است.

لايه	مصادق عملی
فردی	خودسازی، تقوا، اخلاص، آمادگی برای یاری حق
خانوادگی	تربیت دینی فرزندان بر پایه امید و مسئولیت
اجتماعی	عدالت‌خواهی، مقابله با ظلم، خدمت به مردم
سازمانی	کارآمدی، تخصص، نوآوری در خدمت به جامعه
فرهنگی	مقابله با یأس، ترویج امید و بصیرت
تمدنی	ساختن جامعه‌ای عادل، مقتدر و انسان‌محور

زمینه‌سازی ظهور یعنی ساختن انسان مؤمن، جامعه عادل، نظام کارآمد و تمدنی مبتنی بر توحید، عدالت و کرامت انسان؛ همان مسیری که مقاومت از ابتدای این مجموعه دنبال کرده است.

۷. جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی؛ افق نهایی حرکت

در جمع‌بندی درس پانزدهم آمد که راهبری مقاومت باید به «جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی» منجر شود. این درس، این افق را تبیین می‌کند:

مقاومت فردی ← مقاومت اجتماعی ← جامعه اسلامی ← تمدن نوین اسلامی ← زمینه‌سازی ظهور

تمدن نوین اسلامی چیست؟

جامعه‌ای که در آن:

- علم و ایمان همراه‌اند؛
- عدالت و پیشرفت هم‌زمان تحقق می‌یابند؛
- قدرت در خدمت کرامت انسان است، نه سلطه بر او؛
- الگویی برای جهانیان در حکمرانی عادلانه ارائه می‌شود.

این همان چیزی است که در الگوی پیامبر اکرم(ص) دیده شد: امت‌سازی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی؛ مسیری که مقاومت امروز، ادامه‌دهنده آن است.

۸. نقش هر یک در ساختن این افق

نقش	مسئولیت در افق آینده
فرمانده	ترسیم چشم‌انداز بلندمدت، تربیت نسل جانشین برای مسیر تمدنی
پاسدار	پاسداری از ولایت، هویت و آرمان‌ها در بزنگاه‌های تاریخی
رزمنده	آمادگی برای دفاع از دستاوردها در هر شرایط
مربی و هدایتگر	تربیت نسلی امیدوار، بصیر و متعهد به آرمان‌ها
مردم	مشارکت در ساختن جامعه عادل و کارآمد

۹. موانع تحقق این افق و راهکارها

مانع	راهکار
یأس و ناامیدی نسبت به آینده	تبیین دستاوردهای واقعی، تقویت امید مبتنی بر واقعیت
کم‌رنگ‌شدن ولایت‌مداری در نسل جوان	گفت‌وگوی صادقانه، پاسخ به شبهات، الگوسازی
بی‌توجهی به مسئولیت فردی در برابر آرمان‌های بزرگ	پیوند مسئولیت‌های روزمره با افق کلان
تقلیل زمینه‌سازی ظهور به انتظار انفعالی	تبیین مصداق‌های عملی در زندگی روزمره
ضعف کارآمدی در تحقق عدالت و پیشرفت	تقویت تخصص، نوآوری و پاسخ‌گویی

نقشه مفهومی درس

افق آینده مقاومت

|

— ولایت‌مداری (محور وحدت و هدایت)

|

— آرمان‌های انقلاب اسلامی

| (استقلال، عدالت، عزت، پیشرفت)

|

— مسئولیت نسل امروز

| (استمرار، کارآمدی، تربیت نسل بعد)

|

— افق مهدوی

| (امید به پیروزی نهایی حق)

|

— زمینه‌سازی ظهور

| (فردی ← خانوادگی ← اجتماعی ← تمدنی)

|

— تمدن نوین اسلامی

(مقصد نهایی حرکت مقاومت)

فعالیت یادگیری

۱. یک مصداق عملی «زمینه‌سازی ظهور» در زندگی روزمره خود بنویسید که با شغل یا مأموریت شما مرتبط باشد.
۲. از میان آرمان‌های نه‌گانه انقلاب اسلامی، دو آرمان را انتخاب کنید و توضیح دهید در محیط کار یا زندگی خود چه سهمی در تحقق آن‌ها دارید.
۳. با یک نفر از نسل جوان‌تر گفت‌وگو کنید و رابطه میان «امید به آینده» و «مسئولیت امروز» را برایش تبیین کنید.

خودارزیابی

- آیا ولایت‌مداری من مبتنی بر بصیرت و انتخاب آگاهانه است یا صرفاً تقلید بی‌تحلیل؟
- آیا در زندگی روزمره‌ام، نشانه‌ای از تلاش برای «زمینه‌سازی ظهور» وجود دارد؟
- آیا امید به آینده روشن، انگیزه امروز من را افزایش می‌دهد یا بهانه‌ای برای انفعال شده است؟
- کدام یک از آرمان‌های انقلاب اسلامی را در مسئولیت شغلی خود بیشتر دنبال می‌کنم؟

برنامه اقدام فردی

حوزه	وضعیت فعلی	هدف	اقدام مشخص	بازه زمانی
خودسازی و تقوا				
ولایت‌مداری آگاهانه				
خدمت به مردم				
تربیت نسل بعد				
مشارکت در عدالت‌خواهی				

جمع‌بندی نهایی مجموعه

این مجموعه از یک پرسش ساده آغاز شد: چرا باید مقاومت کرد؟

مسیر پاسبان، از مبانی دینی مقاومت گذشت، به شناخت قدرت و سلطه رسید، دشمن و صهیونیسم را شناخت، علل تقابل با جمهوری اسلامی را تبیین کرد، قدرت راهبردی ایران را نشان داد، ابزارهای تقابل و جنگ شناختی را افشا کرد، به کنشگری فردی و جمعی پرداخت، الگوی تحقق مقاومت را ترسیم کرد، راهبری آن را تشریح نمود؛ و اکنون به این نقطه پایانی رسیده است:

مقاومت، حرکتی است که از ایمان یک انسان آغاز می‌شود و به تمدنی برای همه بشریت ختم می‌شود.

این حرکت:

- ✚ با خودسازی فرد آغاز می‌شود؛
- ✚ با ولایت‌مداری و بصیرت جهت می‌گیرد؛
- ✚ در کنشگری و سازماندهی قدرت می‌یابد؛
- ✚ با راهبری حکیمانه تداوم پیدا می‌کند؛
- ✚ در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی به جامعه‌ای عادل می‌رسد؛

✚ و در افق نهایی، به تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور می‌انجامد.

پیام‌های کلیدی پایانی

- مقاومت، پایانی موقت ندارد؛ افقی دارد که تا تحقق کامل عدالت جهانی ادامه می‌یابد.
- ولایت‌مداری آگاهانه، ضامن وحدت و جهت‌دهی صحیح به همه تلاش‌های مقاومت است.
- آرمان‌های انقلاب اسلامی، نقشه راه عملی برای ساختن جامعه‌ای عادل و مقتدر است.
- امید به پیروزی نهایی حق، مسئولیت امروز را افزایش می‌دهد، نه کاهش.
- زمینه‌سازی ظهور، در خودسازی، خدمت، عدالت‌خواهی و کارآمدی روزمره معنا می‌یابد، نه در انتظار انفعالی.
- هر انسان مقاوم، سطری از یک تاریخ بزرگ‌تر است که به تمدن نوین اسلامی ختم می‌شود.

سخن پایانی مجموعه

مقاومت، امتداد راه پیامبران، امامان و شهیدان است؛ راهی که با ایمان آغاز شد، با خون آبیاری شد و با امید ادامه می‌یابد. هر یک از ما، حلقه‌ای از این زنجیره بلند هستیم؛ زنجیره‌ای که از حضرت نوح(ع) تا امروز کشیده شده و به افقی روشن‌تر می‌رود.

پرسش نهایی این مجموعه، دیگر «چرا باید مقاومت کرد» نیست؛ بلکه این است: «من در این مسیر بزرگ، چه سهمی ایفا خواهم کرد؟»

یک پیشگفتار ارائه کن چون بخش مهمی از محتوا برگرفته از کتاب چرا باید ایستاد تدوین پژوهشگاه امام صادق علیه السلام با برخی از محتواهای تکمیلی است که برای دوره های تربیت و تعالی فردی تدوین شده است که در برنامه ها غیر حضوری مورد استفاده قرار گیرد

راهنمای مطالعه و پاسخ‌گویی به آزمون

این آزمون با هدف سنجش فهم عمیق، تحلیل، استنباط و توانایی ارتباط میان مطالب کتاب طراحی شده است؛ بنابراین صرفاً حفظ کردن مطالب یا پیدا کردن عین عبارت سؤال در متن، برای پاسخ‌گویی کافی نیست.

روش پیشنهادی مطالعه کتاب الکترونیکی

کتاب را به صورت یک منظومه فکری پیوسته مطالعه کنید، نه مجموعه‌ای از درس‌های جداگانه. در هر درس، علاوه بر فهم مفهوم اصلی، به این چهار پرسش توجه کنید:

۱. مفهوم اصلی این بخش چیست؟
۲. چرا نویسنده بر آن تأکید کرده است؟
۳. این مفهوم چه ارتباطی با درس‌های دیگر دارد؟
۴. اگر این اصل در یک موقعیت جدید قرار گیرد، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

در مطالعه، به‌ویژه به رابطه علت و معلول، تفاوت مفاهیم نزدیک، مراحل و زنجیره‌های استدلالی، پیامدها و ارتباط میان چند درس توجه کنید.

روش پاسخ‌گویی در آزمون Open Book

ابتدا سؤال را بدون مراجعه به کتاب تحلیل کنید و پاسخ احتمالی خود را مشخص نمایید. سپس در کتاب الکترونیکی برای یافتن مفهوم و شواهد مرتبط جست‌وجو کنید.

از جست‌وجوی صرف یک کلمه یا عبارت مشابه خودداری کنید؛ زیرا ممکن است پاسخ سؤال از ترکیب چند بخش یا چند درس به دست آید.

اگر چند گزینه در نگاه اول درست به نظر رسیدند، از خود بپرسید:

کدام گزینه با مجموعه مبانی و منطق کلی کتاب سازگاری بیشتری دارد؟

در این آزمون، ممکن است یک گزینه بخشی از یک مطلب درست را بیان کند، اما به دلیل تعمیم نادرست، حذف یک شرط، خلط دو مفهوم یا ناسازگاری با بخش دیگری از کتاب پاسخ صحیح نباشد.

نکته مهم

در سؤالات تلفیقی، پاسخ الزاماً در یک صفحه یا یک درس قرار ندارد. گاهی باید مطالب چند درس را کنار هم قرار دهید، رابطه میان آن‌ها را تشخیص دهید و سپس نتیجه‌گیری کنید.

بنابراین:

به جای جست‌وجوی عین عبارت، منطق و ارتباط مفاهیم را جست‌وجو کنید.

هدف آزمون این نیست که نشان دهید چه مقدار از متن را به خاطر سپرده‌اید؛ بلکه می‌خواهد مشخص کند تا چه اندازه توانسته‌اید اندیشه و منظومه مفهومی کتاب را بفهمید و آن را در موقعیت‌های جدید به کار ببرید.

موفق باشید.

آزمون جامع نهایی

۴۰ سؤال چهارگزینه‌ای استنباطی – تحلیلی

سطح: پیشرفته

مناسب آزمون Open Book

راهنما: پاسخ هر سؤال فقط یک گزینه است. در بسیاری از موارد، گزینه‌های نادرست بخشی از یک گزاره درست را در خود دارند؛ بنابراین ملاک انتخاب، سازگاری کامل‌تر با منظومه فکری کتاب است.

بخش اول – مبانی، سنت‌ها و منطق راهبردی مقاومت

سوالات ۱ تا ۱۰

۱. جامعه‌ای حقانیت آرمان خود را مسلم می‌داند، اما برای تبدیل این حقانیت به توان دفاع از استقلال، هیچ برنامه‌ای برای تولید قدرت ملی ندارد. اگر این وضعیت را با منطق درس‌های اول تا سوم تحلیل کنیم، بنیادی‌ترین خطا چیست؟

- الف) تبدیل «حق» به یک امر صرفاً اخلاقی و جداکردن آن از قدرت لازم برای صیانت و اجرای آن
- ب) مقدم دانستن قدرت نظامی بر هویت و استقلال
- ج) نادیده گرفتن نقش هزینه‌های کوتاه‌مدت مقاومت در تصمیم‌گیری
- د) جایگزین کردن دشمن‌شناسی با شناخت ظرفیت‌های داخلی

۲. دولتی برای کاهش فشار اقتصادی، امتیازی می‌دهد که در کوتاه‌مدت هزینه‌هایش را کم می‌کند، اما در بلندمدت بخشی از استقلال تصمیم‌گیری و ظرفیت مقاومت آن را محدود می‌سازد. بر اساس درس سوم، کدام داوری دقیق‌تر است؟

- الف) چون هزینه فوری کاهش یافته، راهبرد عقلانی بوده است.
- ب) باید هزینه و فایده را در افق زمانی گسترده و با لحاظ عاملیت، هویت و امنیت ارزیابی کرد.
- ج) هرگونه امتیازدهی، صرف‌نظر از پیامدهایش، با مقاومت ناسازگار است.
- د) هزینه‌های بلندمدت فقط در صورت وقوع جنگ اهمیت دارند.

۳. اگر «سنت‌های الهی» بهانه‌ای برای کنار گذاشتن برنامه‌ریزی، محاسبه و اقدام انسانی تلقی شود، کدام بخش از منطق درس سوم و چهارم هم‌زمان نقض شده است؟

- الف) تمایز میان حق و باطل
- ب) اصل تدریجی‌بودن پیروزی
- ج) پیوند پشتوانه الهی مقاومت با عمل مسئولانه و انتخاب عقلانی راهبرد
- د) ضرورت شناخت ساختار قدرت بین‌الملل

۴. یک رهبر اجتماعی پس از چند شکست تاکتیکی، بدون تغییر در مبانی، روش‌های اجرایی خود را اصلاح می‌کند و هم‌زمان امید و سازمان اجتماعی را حفظ می‌نماید. این رفتار را چگونه باید فهمید؟

- الف) عدول از مقاومت به دلیل شکست
- ب) بی‌اعتمادی به سنت‌های الهی

ج) جایگزینی حق با مصلحت کوتاه‌مدت

د) تفکیک «ثبات در مبانی» از «انعطاف در روش»، همراه با صبر فعال و استمرار عمل

۵. اگر سیره پیامبران را در کنار درس چهارم قرار دهیم، کدام نتیجه از نظر تربیتی عمیق‌تر است؟

الف) سنت‌های الهی صرفاً قوانین نظری‌اند و در زندگی پیامبران کاربرد عملی ندارند.

ب) پیامبران ثابت می‌کنند که مقاومت فقط در شرایط برخورد نظامی معنا دارد.

ج) الگوهای پیامبران نشان می‌دهند که صبر، شناخت میدان، اخلاق، اصلاح انسان و استمرار کنش چگونه می‌توانند سنت‌های کلی مقاومت را به عمل تبدیل کنند.

د) تجربه پیامبران نشان می‌دهد که قدرت اجتماعی در برابر ایمان اهمیت ثانویه دارد.

۶. جامعه‌ای در برابر تهدید خارجی، «شجاعت» را تنها معیار مقاومت می‌داند و از تربیت اخلاقی، شناخت میدان و

سازماندهی غافل می‌شود. بر اساس پیوند درس پنجم با درس‌های ۱۳ و ۱۴، مشکل اصلی چیست؟

الف) شجاعت بیش از اندازه مورد توجه قرار گرفته است.

ب) مفهوم مقاومت از یک ویژگی فردی به یک فرایند تربیتی - اجتماعی ارتقا نیافته است.

ج) قدرت نظامی به‌طور مستقیم جایگزین ایمان شده است.

د) جامعه باید ابتدا قدرت سیاسی ایجاد کند و سپس به تربیت بپردازد.

۷. اگر جامعه‌ای در شرایط ابتلاء، دشواری را نشانه قطعی شکست بداند و به همین دلیل از راهبرد خود دست بکشد،

کدام تحلیل جامع‌تر است؟

الف) این جامعه میان «هزینه و فایده کوتاه‌مدت» و «مسیر تدریجی تحقق پیروزی» تفکیک نکرده است.

ب) جامعه باید در هر شرایطی بدون ارزیابی واقعیت به راهبرد خود ادامه دهد.

ج) ابتلاء نشان‌دهنده خطای قطعی راهبرد است.

د) پیروزی نهایی، هرگونه اقدام اصلاحی را غیرضروری می‌کند.

۸. کدام وضعیت، بیش از همه نشان‌دهنده درک عمیق رابطه «حق، قدرت و مقاومت» است؟

الف) حفظ حق حتی با واگذاری کامل استقلال به قدرت‌های خارجی

ب) افزایش قدرت بدون تعیین غایت اخلاقی و حق‌محور

ج) ترجیح مذاکره بر مقاومت در هر شرایطی

د) جهت‌دهی قدرت به وسیله حق و استفاده از قدرت برای صیانت عملی از حق، استقلال و عدالت

۹. فرض کنید دو ملت هر دو حقانیت آرمان خود را باور دارند؛ ملت اول تنها بر ایمان تأکید می‌کند و ملت دوم ایمان

را با بصیرت، تربیت، سازماندهی و قدرت‌سازی پیوند می‌دهد. بر اساس مسیر کلی کتاب، تفاوت اصلی این دو

چیست؟

- الف) ملت اول مؤمن‌تر است و بنابراین لزوماً مقاوم‌تر خواهد بود.
 ب) ملت دوم ایمان را از معنای دینی آن دور کرده است.
 ج) ملت دوم ایمان را از سطح باور به یک منظومه تحقق‌یافته و قابل استمرار منتقل کرده است.
 د) تفاوت فقط در توان نظامی دو ملت است.

۱۰. اگر بخواهیم درس‌های ۱ تا ۵ را به‌جای مجموعه‌ای از مطالب جداگانه، به‌صورت یک مدل علی بخوانیم، کدام گزینه کامل‌تر است؟

- الف) حق ← قدرت نظامی ← پیروزی سریع ← پایان تقابل
 ب) ایمان ← صبر ← سکوت ← کاهش هزینه
 ج) قدرت ← مشروعیت ← سازش ← ثبات
 د) حق و ایمان ← شناخت واقعیت و قدرت ← انتخاب آگاهانه ← صبر و عمل ← تربیت و استمرار مقاومت

بخش دوم - دشمن‌شناسی، صهیونیسم، تقابل و قدرت راهبردی

سؤالات ۱۱ تا ۲۰

- درس ششم بر این نکته تأکید دارد که دشمن‌شناسی، شناخت واقع‌بینانه بازیگر، ساختار، اهداف و ابزارهاست؛ درس‌های هفتم و هشتم این چارچوب را بر صهیونیسم و تقابل راهبردی با جمهوری اسلامی تطبیق می‌کنند .
 ۱۱. یک تحلیلگر، هر اقدام خصمانه علیه کشور را «هدف نهایی دشمن» تلقی می‌کند. بر اساس درس ششم، خطای روش‌شناختی او چیست؟

- الف) یکی گرفتن ابزار یا اقدام مقطعی با سطح هدف و راهبرد کلان دشمن
 ب) توجه بیش از حد به اهداف بلندمدت
 ج) نادیده گرفتن نقش قدرت سخت در همه انواع تقابل
 د) فرض وجود چند دشمن به‌جای یک دشمن واحد

۱۲. چرا تفکیک «یهودیت» از «صهیونیسم» در چارچوب خود کتاب صرفاً یک تفکیک واژگانی نیست؟

- الف) زیرا همه پیروان یهودیت مخالف صهیونیسم‌اند.
 ب) زیرا تحلیل یک پروژه سیاسی - ایدئولوژیک نباید با یک دین و هویت دینی یکسان گرفته شود.
 ج) زیرا صهیونیسم هیچ مؤلفه ایدئولوژیکی ندارد.
 د) زیرا تقابل منطقه‌ای فقط ریشه اقتصادی دارد.

۱۳. اگر تحلیلگر علت تقابل جمهوری اسلامی با آمریکا و رژیم صهیونیستی را صرفاً به یک اختلاف سیاسی روزمره تقلیل دهد، کدام مجموعه مفاهیم را از دست داده است؟

- الف) ژئوپلیتیک، جمعیت و منابع انرژی
 ب) جنگ شناختی، عملیات روانی و راستی‌آزمایی
 ج) استقلال، نفی سلطه، هویت، حمایت از فلسطین، نقش منطقه‌ای و ظرفیت تمدنی
 د) مدیریت، فرماندهی و کادرسازی

۱۴. ایران از نظر جغرافیایی موقعیتی ممتاز دارد، اما فرض کنید هیچ گفتمان، هویت و کنشگری متناسبی برای بهره‌گیری از آن وجود نداشته باشد. بر اساس درس نهم، چه نتیجه‌ای منطقی‌تر است؟

- الف) جغرافیا به تنهایی تمام قدرت راهبردی را تضمین می‌کند.
 ب) اهمیت ژئوپلیتیکی ایران از بین می‌رود.
 ج) قدرت نظامی جایگزین کامل ژئوپلیتیک می‌شود.
 د) ظرفیت جغرافیایی وجود دارد، اما تبدیل آن به قدرت راهبردی نیازمند پیوند با ظرفیت ملی، هویت، گفتمان و کنشگری است.

۱۵. کدام سناریو دقیق‌تر مفهوم «ژئوپلیتیک مقاومت» را نشان می‌دهد؟

- الف) شبکه‌ای از هم‌سویی‌های ارزشی و گفتمانی میان ملت‌ها و جریان‌های همسو که از مرزهای رسمی فراتر می‌رود.
 ب) ائتلافی که صرفاً بر مجاورت جغرافیایی استوار باشد.
 ج) تمرکز تمام قدرت منطقه‌ای در یک دولت و حذف جامعه.
 د) همکاری اقتصادی بدون هیچ اثر هویتی، سیاسی یا راهبردی.

۱۶. اگر قدرت راهبردی ایران حاصل هم‌افزایی جغرافیا، ظرفیت ملی، هویت تمدنی و گفتمان انقلاب اسلامی باشد، چرا دشمن از ابزارهای متعدد برای مقابله استفاده می‌کند؟

- الف) چون هیچ ابزار مشخصی برای مقابله وجود ندارد.
 ب) چون همه مؤلفه‌های قدرت ایران صرفاً نظامی هستند.
 ج) زیرا هدف مهار چنین قدرتی نیازمند مواجهه با مجموعه‌ای از مؤلفه‌های آن، نه فقط یک توان منفرد، است.
 د) زیرا جنگ سخت همیشه مؤثرتر از سایر روش‌هاست.

۱۷. فرض کنید یک کشور موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، منابع فراوان و نیروی انسانی جوان دارد، اما در تبدیل این ظرفیت‌ها به قدرت سیاسی، فرهنگی و راهبردی ناتوان است. کدام درس بیشترین توضیح را برای این شکاف ارائه می‌کند؟

- الف) درس چهارم؛ سنت ابتلاء
 ب) درس هفتم؛ صهیونیسم
 ج) درس یازدهم؛ جنگ شناختی
 د) درس نهم؛ تمایز میان «ظرفیت» و «قدرت راهبردی»

۱۸. در چارچوب درس هشتم، اگر یک اختلاف با تغییر یک قرارداد یا موضوع سیاسی پایان پذیر باشد، چرا نمی توان آن را با همان منطق تقابل راهبردی جمهوری اسلامی تحلیل کرد؟

الف) چون هر اختلاف سیاسی الزاماً اقتصادی است.

ب) زیرا تقابل راهبردی ریشه در تعارض هویت، استقلال، منافع کلان و رویکردهای متفاوت نسبت به نظم منطقه ای دارد.

ج) چون مذاکره در تقابل راهبردی ممنوع است.

د) زیرا تقابل راهبردی فقط در شرایط جنگ نظامی وجود دارد.

۱۹. اگر دشمن برای کاهش نفوذ منطقه ای ایران، همزمان فشار اقتصادی، عملیات رسانه ای و تلاش برای تضعیف پیوندهای منطقه ای را به کار گیرد، بهترین تحلیل چیست؟

الف) سه هدف کاملاً مستقل و بدون ارتباطاند.

ب) این اقدامات نشان می دهد دشمن از هدف راهبردی خود منحرف شده است.

ج) ابزارهای متفاوت می توانند در خدمت یک هدف کلان مانند مهار قدرت و اثرگذاری ایران قرار گیرند.

د) تنها ابزار رسانه ای ماهیت راهبردی دارد.

۲۰. کدام زنجیره، پیوند درس های ۶ تا ۱۰ را بهتر بازسازی می کند؟

الف) دشمن شناسی ← شناخت بازیگر و اهداف ← تحلیل مصادیق تقابل ← شناخت ظرفیت های راهبردی ایران ← تحلیل ابزارهای مهار آن

ب) دشمن شناسی ← مذاکره ← سازش ← کاهش قدرت ← پایان تقابل

ج) صهیونیسم ← جنگ سخت ← پیروزی ← پایان جنگ شناختی

د) ژئوپلیتیک ← حذف سایر مؤلفه های قدرت ← تمرکز بر جغرافیا ← بازدارندگی نهایی

بخش سوم - جنگ شناختی، ادراک و کنشگری

سؤالات ۲۱ تا ۳۰

در کتاب، جنگ شناختی از زنجیره «اطلاعات و روایت ← ادراک ← احساس ← محاسبه ← تصمیم ← رفتار» تحلیل می شود و در درس دوازدهم بر تفکر نقادانه، راستی آزمایی و مصونیت شناختی تأکید شده است .

۲۱. یک خبر واقعی منتشر می شود، اما تنها بخش خاصی از واقعیت برجسته و بخش های دیگر حذف می شود تا مخاطب به قضاوت خاصی برسد. این وضعیت بیشتر با کدام مفهوم سازگار است؟

الف) جنگ سخت

ب) مدیریت ادراک

ج) قدرت‌سازی

د) دشمن‌شناسی ساختاری

۲۲. فردی پس از مشاهده مجموعه‌ای از پیام‌های تکرارشونده، ابتدا احساس ناامیدی می‌کند، سپس هزینه ادامه مقاومت را بسیار بیشتر از فایده آن ارزیابی می‌کند و در نهایت از مشارکت اجتماعی کنار می‌کشد. کدام حلقه برای توضیح این تغییر حیاتی‌تر است؟

الف) فقط رفتار

ب) فقط احساس

ج) تغییر محاسبه که احساس را به تصمیم و سپس رفتار پیوند می‌دهد

د) صرفاً تغییر در منبع اطلاعات

۲۳. چرا مقابله با جنگ شناختی صرفاً با تکذیب خبرهای نادرست کافی نیست؟

الف) زیرا جنگ شناختی فقط از اخبار جعلی استفاده نمی‌کند و می‌تواند از انتخاب، برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی اطلاعات برای تغییر ادراک و محاسبه استفاده کند.
ب) زیرا حقیقت در جنگ شناختی اهمیتی ندارد.
ج) زیرا مخاطب قادر به تحلیل هیچ خبری نیست.
د) زیرا باید همه اطلاعات منتشرشده را پذیرفت.

۲۴. استاد دانشگاهی خبری را فقط به دلیل هماهنگی با پیش‌فرض سیاسی خود بازنشر می‌کند. اگر این رفتار را با درس دوازدهم و سیزدهم تلفیق کنیم، مهم‌ترین نقص چیست؟

الف) کمبود قدرت تولید محتوا

ب) ضعف در تجهیزات رسانه‌ای

ج) ناتوانی در شناخت اهداف بلندمدت دشمن

د) گسست میان تفکر نقادانه، راستی‌آزمایی و مسئولیت اجتماعی در کنش رسانه‌ای

۲۵. اگر مقابله با جنگ شناختی فقط در مرحله «رفتار» انجام شود، مثلاً پس از شکل‌گیری یک رفتار اجتماعی واکنش نشان دهیم، چرا از نگاه کتاب راهکار ناقصی است؟

الف) چون رفتار آخرین حلقه زنجیره است و مداخله مؤثرتر می‌تواند در اطلاعات و ادراک انجام شود.

ب) چون رفتار هیچ ارتباطی با ادراک ندارد.

ج) چون احساس همیشه از رفتار مهم‌تر است.

د) چون باید از هرگونه کنش اجتماعی جلوگیری کرد.

۲۶. فردی در بحران خبری، ابتدا منبع را بررسی، سپس روایت‌های رقیب را مقایسه و بعد از تحلیل، تصمیم به انتشار یا عدم انتشار می‌گیرد. این رفتار چه پیوندی با مدل کلان مقاومت دارد؟

- الف) نشان می‌دهد جنگ شناختی فقط یک موضوع رسانه‌ای است.
- ب) تبدیل شناخت به مسئولیت و کنش آگاهانه را محقق می‌کند.
- ج) جایگزین سازماندهی اجتماعی با سکوت می‌شود.
- د) نشان می‌دهد قدرت نظامی برای مصونیت شناختی کافی است.

۲۷. اگر جنگ شناختی بتواند «اعتماد را به بی‌اعتمادی»، «امید را به ناامیدی» و «وحدت را به اختلاف» تبدیل کند، کدام نتیجه عمیق‌تر است؟

- الف) هدف صرفاً تغییر یک خبر بوده است.
- ب) عملیات روانی فقط احساسات را هدف گرفته است.
- ج) هدف، تغییر شرایط ذهنی لازم برای تصمیم و رفتار جمعی و در نتیجه تضعیف اراده مقاومت است.
- د) جنگ شناختی از حوزه قدرت ملی خارج است.

۲۸. چرا «حفظ آرامش در بحران» در چارچوب درس سیزدهم صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست؟

- الف) زیرا آرامش هیچ رابطه‌ای با تصمیم ندارد.
- ب) زیرا سکوت در بحران همیشه بهترین راه است.
- ج) زیرا بحران باید بدون کنش اجتماعی مدیریت شود.
- د) زیرا آرامش می‌تواند فرصت تحلیل، مسئولیت‌پذیری و جلوگیری از تشدید عملیات روانی را فراهم کند.

۲۹. فردی می‌گوید: «من فقط مصرف‌کننده رسانه هستم و مسئولیتی درباره اثر اجتماعی بازنشر مطالب ندارم.» بر اساس درس سیزدهم، کدام پاسخ دقیق‌تر است؟

- الف) درست است، زیرا مسئولیت رسانه‌ای فقط بر عهده خبرنگاران است.
- ب) نادرست است؛ زیرا فرد می‌تواند دریافت‌کننده، بازنشرکننده و تولیدکننده محتوا باشد و بنابراین در مصونیت شناختی جامعه سهم دارد.
- ج) درست است، مشروط به اینکه مطلب سیاسی نباشد.
- د) نادرست است، اما فقط به دلیل ضرورت تولید محتوای رسمی.

۳۰. کدام وضعیت بیشترین نشان‌دهنده تبدیل «بصیرت شناختی» به «مقاومت اجتماعی» است؟

- الف) فردی که اخبار بیشتری دنبال می‌کند.
- ب) فردی که هر پیام مخالف را حذف می‌کند.
- ج) فردی که پس از راستی‌آزمایی، محتوای مسئولانه تولید می‌کند، آرامش را حفظ می‌کند و به تقویت امید و قدرت تحلیل جمعی کمک می‌نماید.
- د) فردی که از همه رسانه‌ها فاصله می‌گیرد.

بخش چهارم – تحقق، راهبری و افق تمدنی

سؤالات ۳۱ تا ۴۰

در بخش پایانی کتاب، مقاومت از خودسازی و کنشگری به سازماندهی و قدرت‌سازی می‌رسد؛ سپس راهبری، تربیت، مردم‌پایه‌بودن و امید، استمرار آن را تضمین می‌کنند و در درس شانزدهم افق آن به جامعه اسلامی، تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور پیوند می‌خورد.

۳۱. سازمانی دارای نیروهای مؤمن و بصیر است، اما رفتار این نیروها ناپایدار و پراکنده است و ظرفیت آن‌ها به قدرت جمعی تبدیل نمی‌شود. با توجه به درس چهاردهم، کدام تشخیص دقیق‌تر است؟

الف) ایمان باید حذف شود تا سازمان چابک‌تر شود.

ب) مشکل اصلی کمبود اطلاعات است.

ج) قدرت نظامی باید پیش از هرگونه کنش اجتماعی ایجاد شود.

د) حلقه انتقال از خودسازی به کنشگری و از کنشگری به سازماندهی به‌درستی شکل نگرفته است.

۳۲. اگر یک سازمان در تولید قدرت دفاعی پیشرفت کند، اما در قدرت فرهنگی، علمی، اجتماعی و رسانه‌ای ضعیف بماند، بر اساس مفهوم قدرت در درس چهاردهم چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

الف) قدرت آن کامل است، زیرا قدرت دفاعی تعیین‌کننده نهایی است.

ب) قدرت آن نامتوازن است، زیرا کتاب قدرت را چندبعدی می‌داند و تولید قدرت را محدود به عرصه دفاعی نمی‌کند.

ج) سایر ابعاد قدرت فقط در شرایط صلح اهمیت دارند.

د) قدرت فرهنگی جایگزین همه انواع قدرت می‌شود.

۳۳. فرماندهی وجود دارد که دستورها را دقیق صادر می‌کند، اما نقد را نمی‌شنود، مردم را صرفاً مخاطب می‌بیند و هیچ برنامه‌ای برای تربیت جانشین ندارد. کدام ارزیابی جامع‌تر است؟

الف) فرماندهی از نظر اجرایی کافی است و سایر موارد فرعی‌اند.

ب) ضعف فقط در مردم‌پایه‌بودن است.

ج) مسئله صرفاً کمبود امید است.

د) این ساختار بخشی از الزامات راهبری را از دست داده است؛ زیرا راهبری علاوه بر جهت‌دهی، مردم‌پایه‌بودن، تربیت نیرو، پاسخ‌گویی و استمرار مسیر را می‌طلبد.

۳۴. چرا کتاب میان «مدیریت/فرماندهی» و «راهبری» تمایز می‌گذارد؟

الف) زیرا راهبری صرفاً فعالیت فرهنگی است.

ب) زیرا فرماندهی در مقاومت بی‌اهمیت است.

ج) زیرا راهبری علاوه بر اجرا، هدایت فکری، تربیتی، سازمانی، اقناع، مشارکت مردم و حفظ جهت آرمانی حرکت را

دربرمی گیرد.

(د) زیرا راهبری جایگزین همه ساختارهای سازمانی می شود.

۳۵. اگر یک مجموعه برای تربیت نیرو فقط آموزش نظری ارائه دهد، ولی به خودسازی، کنشگری، تجربه میدانی و مسئولیت واقعی فرصت ندهد، کدام خلأ در زنجیره تحقق ایجاد می شود؟

الف) فاصله میان بصیرت نظری و تبدیل آن به رفتار، کنشگری و قدرت عملی

ب) فاصله میان دشمن شناسی و ژئوپلیتیک

ج) فاصله میان قدرت سخت و قدرت اقتصادی

د) فاصله میان امید و سنت های الهی

۳۶. یک راهبر برای حفظ روحیه نیروها، همواره از مشکلات واقعی سخن نمی گوید و همه شکست ها را انکار می کند. چرا این رفتار با مفهوم «امید» کتاب تفاوت دارد؟

الف) امید باید جایگزین تحلیل واقعیت شود.

ب) امید در کتاب بر ایمان، شناخت، توانمندی و وعده الهی استوار است؛ بنابراین با واقع بینی و مسئولیت منافات ندارد.

ج) امید فقط در شرایط پیروزی معنا دارد.

د) امید یعنی پرهیز از هر گونه نقد و بازخورد.

۳۷. اگر ولایت مداری به عنوان «اطاعت بدون فهم» تعریف شود، کدام عنصر اساسی درس شانزدهم از دست می رود؟

الف) قدرت سخت

ب) استقلال اقتصادی

ج) پیروی آگاهانه و مسئولانه همراه با بصیرت و جهت دهی وحدت بخش

د) نقش ژئوپلیتیک

۳۸. جامعه ای در برابر فشار خارجی موفق به حفظ وضع موجود شده، اما در علم، عدالت، کارآمدی، تربیت نسل و نوآوری پیشرفت نمی کند. بر اساس افق نهایی کتاب، چرا نمی توان این وضعیت را موفقیت کامل مقاومت دانست؟

الف) زیرا مقاومت فقط یک ابزار نظامی است.

ب) زیرا جامعه باید ابتدا تمام تهدیدهای خارجی را حذف کند.

ج) زیرا حفظ وضع موجود با مقاومت سازگار نیست.

د) زیرا مقاومت در کتاب از دفاع و حفظ به سمت پیشرفت، جامعه عادل و کارآمد و تمدن سازی امتداد می یابد.

۳۹. اگر امید به آینده مهدوی به جای افزایش مسئولیت امروز، به انتظار منفعلانه منجر شود، کدام برداشت با کتاب ناسازگارتر است؟

الف) امید باید مسئولیت انسان مؤمن را عمیق‌تر کند و در خودسازی، خدمت، عدالت‌خواهی، کارآمدی و جامعه‌سازی ظهور یابد.

ب) زمینه‌سازی ظهور صرفاً امری ذهنی و اعتقادی است.

ج) امید به آینده، برنامه‌ریزی امروز را غیرضروری می‌کند.

د) انتظار باید از مسئولیت اجتماعی جدا شود.

۴۰ - سؤال جامع نهایی

فرض کنید جامعه‌ای می‌خواهد مدل مقاومت را از یک «واکنش دفاعی» به یک «منظومه پایدار تمدنی» تبدیل کند. کدام برنامه، بیشترین انطباق را با کل ۱۶ درس دارد؟

الف) تقویت قدرت سخت، کاهش آسیب‌های کوتاه‌مدت و تمرکز بر دفع تهدیدهای فوری

ب) افزایش اطلاعات رسانه‌ای، توسعه تبلیغات و کاهش اختلافات داخلی

ج) خودسازی و بصیرت ← کنشگری و سازماندهی ← قدرت‌سازی چندبعدی ← راهبری مردم‌پایه و امیدآفرین

→ ولایت‌مداری آگاهانه ← پیشرفت، عدالت، تمدن‌سازی و زمینه‌سازی ظهور

د) شناخت دشمن ← افزایش قدرت نظامی ← بازدارندگی ← پایان مسئولیت